

جنگ هفته

نشریه، سیاسی-فرهنگی-هنری
روزنامه جمهوری اسلامی

۶۰/۳/۳۰



آدای اشتیاق بی پایان تو ییانا که عشق جان گیره

ای رفته دیری در سفر

دوشینه خوابی دیدهام
دیدم که دست افکندهام
ای جان من قربان تو،
آزادم از زنجیر کن!

از دیدهام خون میروید
مانند جیحون میروید،
زارست و مجنون میروید
اشکی ستر، دستی بکش
ای رحمتی غلغوش!

آه ای جوان، زال توام
من میوه کال توام،
حال منی، قال توام
آخر تو از یادم مبر
ای رفته دیری در سفر!

دانی که من کی خود شدم
آنسان که من چون شدم
هفتای عطاره شدم
تا طارم اعلا بیا
پیری ندارد دهر تو
شیر و عسل در نهر تو
زاهد بیا! از بهر تو،
در نارا و خوشدل ترم

ای حضرت موسی بیا
ای غایت القصوی بیا
ای هر چه در هر جا بیا
با کس میا تنها بیا!

نیگوتر از حورست او
شیدآتر از شورست او،
زاهد مبین، کورست او
ما را بچین اورانگرا

ای ناله بیگانه ما
بنگر جلال و جاه ما
لمحی نشین بر راه ما
ای در فلک چون ماه ما!

دور از تو حلاشادر چمن
بهری تو گلزارو من
دور از تو قهری چون زغن،
وز ما گریزان میشود

چون دستت احسان میکند
ای خویش ترا ز خویش من،
ای سلک من وی کیش من،
یک شب بیا در پیش من
وز بهر مهرت ترعای!

دوشینه چون پیشینه شد،
گریان ز ما آئینه شد
هجرت تو دیرینه شد
درد تو در این سینه شد
کافر به ما بی کینه شد
ای ابتدا وی انتها

وی رحمت بی منتها
ای تو به غیبت متصف
از تو نگردم منحرف،
ظاهر شواہ ای منخسف
نوری فشان در آسمان!

ای عارف عزلت گزین
زارم مکن، خوارم مبین،
وی غبطه روح لایمین
ای خورلقا وی مه جبین
ای سبط ختم المرسلین
آخر چه گویم بیش ازین؟

بیکس منه ما را چنین!
رنج و الم در جان ما،
آواره خوان و مان ما
راهی ده از حرمان ما
روئی به بهر خون نما!

ایدل برو آن رو بچین
چاچی کمان ابرو بچین
حق حق بکش هوو بچین
ابی عطا کن سوختم!

رو سخره بر پروین بزن،
مژگان نما، زوبین بزن
با ساعد سیمین بزن
آتش در عقل و دین بزن
گر میزنی شیرین بزن
باب وفا را باز کن
بقیهدر صفحه ۹

در این شماره می خوانید:

- ویژه نامه نیمه شعبان:
- * اندکی درباره او ۴
- * امام زمان (عج) از دیدگاه نائب برحقش ۶۵
- * داستان شیخ مفید و مردی که زنش مرده بود ۷
- * اشعار ۷
- * از انقلاب اسلامی تا انقلاب مهدی (عج) ۸
- * معرفی کتاب ۹
- یادنامه دکتر شریعتی:
- * مردی نالوده به زوروزر تزویر ۱۱ و ۱۰
- * بازتاب خیرشهادت دکتر شریعتی در ایران و جهان ۱۱ و ۱۰
- * دکتر می گفت ۱۷ و ۱۵ و ۱۳ و ۱۱
- * حجت الاسلام خامنه‌ای: شریعتی یک چهره مهمان مظلوم است ۱۳ و ۱۲
- * دکتر بهشتی: شریعتی همواره رو به اصالت اسلامی پیش می‌رفت ۱۵ و ۱۴
- * اندیشه‌های شریعتی و شخصیت‌ها ۱۷ و ۱۶
- سیاست:
- * جنگ - طرح عملیات فرمانده کل قوا خمینی روح خدا ۱۸
- * از پشت جبهه چه خبر؟ ۱۹
- * ای کاش..... (وصیت‌نامه) ۱۸
- * جهان عرب زیر ذرهبین ۲۰
- * رژیم سعودی بی‌پروا پول‌های ملت را به دهان غرب می‌ریزد ۲۱
- * ریاکاری‌های سران مرتجع عرب ۲۱
- * بررسی وضع تولید نفت در روسیه ۲۲
- * جنجال شیر خشک و شیشه‌های شیرخوری ۲۲
- * نامه‌ای دردمندان از آمریکا (قسمت دوم) ۲۳
- اندیشه و هنر:
- * با خوشنویسان معاصر ایران ۲۵ و ۲۴
- * الشطحیات ۲۶
- * چند و چون با دوستان شاعر ۲۷ و ۲۶
- * تجربه‌های آزاد ۲۷ و ۲۶
- * با کاروان حله ۲۹ و ۲۸
- * دست دعا، چشم امید ۲۹ و ۲۸
- * برنامه فیلمهای سینمایی فرهنگسرای نیاوران ۲۹
- * ورزش ۳۰
- * بررسی رابطه مثلث طلا، دلار و نفت ۳۱
- * از آدینه تا آدینه در بستر تاریخ ۳۱
- ومطالب متنوع دیگر ۶۰/۳/۳۰

جنگ هفته

نشریه سیاسی - فرهنگی - هنری
ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی

با ارسال نامه‌ها، آثار، پیشنهادات، انتقادات، اشعار، قصه‌ها و... برای این جنگ، پارمان باشید

تلفن: ۱۸ و ۱۴ و ۳۰۲۰ داخلی: سیاسی - ۱۷، فرهنگی - هنری - ۴۴
۵۱، روابط عمومی - ۴۴
آدرس: تهران - سعدی جنوبی - ساختمان ۵۷۱ - دفتر روزنامه جمهوری اسلامی - جنگ هفته

خبرنگار دپلئ اکسپرس می‌پرسد آیا در ضمن ملی شدن صنایع نفت جنوب آن جناب موافقت دارند که مهندسی و کارمندان انگلیسی شرکت نفت برای استخراج نفت جنوب با ایرانیان همکاری کنند؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: من هرگز نمیتوانم با چنین کاری موافقت داشته باشم برای اینکه سرچشمه اکثر بدبختیهای ملت ایران از عمال شرکت نفت است (منظور شرکت نفت ایران و انگلیس) که در ششون مختلف مملکت ما دخالتهای ناروا میکنند من معتقدم که اگر انگلیسی‌ها حاضر شوند در برابر آنچه از نفت ایران میبرند بما بدهند باز هم باید دست آنها حتماً از صنایع نفت ایران قطع شود. و به این ترتیب نخستین زرممهای خلع ید از سوی روحانیت مبارز و متعهد طرح میشود. روحانیون به حق سهم بسزایی در امر ملی شدن نفت ایفا نموده بودند. همگام با پیشرفت قابل ملاحظه امور بتاريخ ۹ خرداد وزارت دارایی نامهای بنماینده شرکت نفت در تهران

ارسال و اطلاع میدهند که «برای اجرای ماده دوم قانون ملی شدن صنعت نفت و اداره موقت شرکت ملی نفت ایران هیئت مرکب از سه نفر بعنوان هیئت مدیره موقت از طرف دولت انتخاب شده که به خوزستان اعزام میشود». همزمان با طرح مسئله، هیئت از سوی شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس برای حل و فصل مسئله وارد ایران میشود.

در این زمان آیت... کاشانی بیانهای صادر می‌فرمایند که در مجلس شورای ملی قرائت میگردد. ایشان در بیانیه خود ضمن دعوت به اتحاد و یکپارچگی بیشتر از نمایندگان مجلس می‌خواهند که از تشتت آزاد و دشمنی حذر نمایند. ایشان در پایان بیانیه خود چنین می‌فرمایند: «هیچگونه سازش و حتی مذاکره جز در حدود قوانین راجع به ملی شدن صنعت نفت و اجراء آن صورت پذیر نیست و تنها با این شرایط است که دولت ایران نمایندگان شرکت سابق نفت را می‌پذیرد و با آنها وارد مذاکره میشود و بالعقله قطع ید شرکت سابق و ملی شدن صنعت نفت بدون هیچ قید و شرطی منظور ملت ایران است و بالاخره در تاریخ ۳۰ خرداد هیئت مدیره موقت تعیین و مامور اجرای بند دوم قانون ملی شدن صنعت نفت میشود و بیانیه‌ای بشرح زیر صادر مینماید.

هیئت مدیره موقت مامور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بسمه تعالی

هیئت مدیره موقت مامور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در ساعت ۱۲/۵۰ روز دوشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۳۰ در دفتر خود واقع در عمارت مرکزی کار شرکت سابق نفت در خرمشهر مستقر و مشغول کار گردید. هیئت مدیره لازم می‌داند ماده ۴ تصویبنامه دولت را که با موافقت هیئت مختلط منتخب مجلسین تنظیم و به هیئت دستور داده شده است، به شرح ذیل به اطلاع خوانندگان عزیز برساند (کارشناسان و کارمندان و کارگران ایرانی و خارجی شرکت سابق نفت کماکان به خدمت خود باقی و مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته می‌شوند). ضمناً نظر به این که در تصویبنامه فوق الذکر ماده دیگری به مضمون ذیل مندرج است: «هیئت مدیره موقت باید نهایت دقت و سعی را در اجرای برنامه‌های موجود و افزایش محصولات نفتی به عمل آورد، به طوری که میزان استخراج و بهره برداری از میزان فعلی بیشتر شود».

هیئت مدیره موقت از کلیه کارمندان و کارگران شرکت سابق نفت انتظار دارد با نهایت علاقه مندی در انجام وظایف خود به منظور ادامه پیشرفت کار و افزایش محصول کوشش نمایند. بخصوص از کارمندان و کارگران ایران متوقع است در چنین موقع وطن پرستی خود را به منصفه ظهور رسانیده و فداکاری نمایند. همچنین به کلیه اهالی خوزستان و کارمندان و کارگران توصیه می‌نماید آرامش و انضباط کامل را رعایت کرده و در حسن همکاری و معاشات با متخصصین خارجی آنچه لازمه مهمان نوازی ایرانیست به ثبوت برسانند.

هیئت مدیره موقت مامور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت آگهی فروش مواد نفتی

به اطلاع کلیه خریداران مواد نفتی برای صدور به خارج می‌رساند که در ظرف یک ماه از تاریخ این آگهی می‌توانند مواد نفتی مورد نیاز خود را با دادن رسید اخذ نمایند ولی باید در ظرف یک ماه از تاریخ این آگهی به هیئت مدیره مراجعه و قیمت آن را طبق نرخ عادلانه بین المللی بپردازند. قیمت فروش پس از انقضای یک ماه بالا نسبت به مقداری که خریداران شرکت سابق از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا بیستم مارس ۱۹۵۱ می‌خریده اند، نرخ عادلانه بین المللی می‌باشد و برای سآزاد آن مسآدیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهد داشت.

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران ۲۳ خرداد ۱۳۳۰
۱ و بالاخره در ۲۹ خرداد روز تاریخی خلع ید فرا می‌رسد و هیئت مدیره موقت برای اجرای اراده خلل ناپذیر مردم مسلمان ایران وارد عمل می‌شود و طی انتشار بیانیه‌ای اعلام می‌دارد که از فردا ۳۰/۳/۳۰ خلع ید رسمی از شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس عملی می‌گردد. و متعاقباً اعلامیه دیگری نیز از سوی فرمانداری نظامی آبادان منتشر می‌گردد و مسآودای را مستذکر می‌گردد

اعلامیه هیئت مدیره موقت
به لطف پروردگار بزرگ اینک که قانون ملی شدن صنعت نفت وارد مرحله قطعی شده و دولت با پشتیبانی ملت غیور ایران دستور داده است هیئت مدیره موقت با مشورت و نظارت هیئت محترم مختلط کلیه مسآورام از اکتشاف، استخراج، بهره‌برداری و توزیع نفت را زیر نظر بگیرد، مراتب زیر به کلیه کارمندان و کارگران شرکت سابق نفت و به اهالی عزیز خوزستان اعلام می‌شود.
۱- از کارمندان و کارگران انتظار دارد وعده‌های خدمتگزاری و وفاداری بقیهدر صفحه ۳۱

امام زمان (عج) ازدیدگاه نایب برحقش

بقیه بز صفحه ۵

۲۲- بحسب روایت نامه اعمال ما هفتای دوبار پیش امام زمان (ع) می رود، لکن می ترسم ما که ادعا داریم که تابع این بزرگوار هستیم و شیعه این بزرگوار می باشیم، اگر نامه اعمال را از ما ببیند نمود باله پیش خدا شرمند شود. اگر فرزند شما خلاف کند، شما شرمند می شوید، در جامعه شرمند می شوید که پسران کار خلافی کرده من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان علیه السلام پیش خدا شرمند شود.

۲۳- درهایی که بر قلب شما می گذرد، رقیب دارد. چشم و گوش و زبان و قلب و همه ما رقیب دارد. خدا نکند از من و شما و سایر دوستان امام زمان علیه السلام یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام خودتان پاسداری کنید، اگر می خواهید پاسداری شما در دفتر پاسداران صدر اسلام ثبت شود. در دیدار با مستولان پاسداران سراسر کشور ۵۹/۴/۱۲

۲۴- روز تولد امام عصر علیه السلام منجی مستضعفین و کوبنده مستکبرین را به ملت شریف ایران تبریک عرض می کنم.

سخنرانی به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۹۹- ۵۸/۴/۱۹

۲۴- میلاد شوکمند امام امت و عصاره خلقت و وارث نبوت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عموم مسلمین و مستضعفین تبریک عرض می کنم. پیام به مناسبت نیمه شعبان ۹۹- ۵۸/۴/۱۹

۲۵- اکنون... با عنایات خداوند متعال و تأیید حضرت ولی الله الاعظم عجل الله فرجه با عصر ۲۰ کت، مجلس رسیدگی پیش نویس قانون اساسی کار خود را شروع می کند.

پیام به مناسبت آغاز کار مجلس خبرگان- ۵۸/۵/۲۸

۲۶- امیدوارم همه موفق باشید و از جنود امام زمان سلام الله علیه باشید و در دفتر آنها اسم شما را بنویسند. در دیدار با جهاد سازندگی ۵۸/۶/۱۳

۲۷- شما بدانید که اگر امام زمان سلام الله علیه حالا بیاید، باز این قلمها با او مخالفت می کنند و آنها هم بدانند که اللهمای آنها نمی تواند مسیر ملت ما را منحرف کند.

در دیدار با روحانیون قرب تهران ۵۸/۷/۳۱

۲۸- سربازان عزیز برای دوماه باقیمانده خدمت ناراحت نشوند و به خدمت خود در این دوماه ادامه دهند که موجب رضای خداوند تعالی و امام عصر عجل الله فرجه الشریف است.

پیام به سربازان- درجه داران و افسران ۵۸/۷/۱۵

۲۹- یک نکته که لازم است تذکر بدهم اینکه شما خدمتگزار اسلامید و سعی کنید مبادا عطفایی از شما سر بزنند، شما از جنود و لشکر اسلام هستید. شما کارشدان اسلام زمان و اسلام هستید توجه کنید که مبادا عطفایی از شما سر بزنند و برخلاف مسیر اسلام و مسیر

جمهوری اسلامی قدم بردارید. این یک وظیفه خطیر برای ما و شما که نماینده امام زمان هستید می باشد. نماینده امام زمان اگر خدای تخواست قدیمی کج بردارد، مردم به روحانیت بدبین می شوند و اگر مردم بدبین شدند، روحانیت شکست می خورد و شکست روحانیت شکست اسلام است.

در دیدار با پاسداران مسجد ابوالفضل و ستاد تبلیغات اسلامی بابل ۵۸/۹/۲۴

۳۰- همه خاطرات ذهن شما، تمام تفکرات باطن شما در حضور خدا است و در نامه ها و در پرونده ها ثبت است هر لحظه ای که در لحظات چشم شما برخلاف آن چیزهایی که دستور است واقع شود، در حضور خدا می شود، و در روایات هم هست که اینها هفتای دومرتبه اعمال به ولی امر سلام الله علیه عرضه میشود.

توجه داشته باشید که در کارهایتان طوری نباشد که وقتی عرضه شد بر امام زمان سلام الله علیه خدای نخواست آزرده شود و پیش ملائکه کاله یک قدری سرافکنده شود.

در دیدار بنا مستولین سپاه پاسداران سراسر کشور ۵۹/۳/۶

۳۱- از حضرات فقهی نخبهان تقاضا میشود که در مأموریت مهم خود به هیچوجه ملاحظه اشخاص و یا گروه های انحرافی را ننموده و به وظیفه بسیار خطیر خود قیام و اقدام نموده و نگهبانی از اسلام و احکام مترقی آن نمایند و خدمت خود را با قدرت تمام در پیشگاه خداوند متعال و ولی مطلق او حضرت ولی الله الاعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه دارند.

پیام به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان ۵۹/۳/۷

۳۲- والمصر، ان الانسان لخی خسر، عصر هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی سلام الله علیه باشد، یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم و آگه هدی و در عصر حضرت مهدی سلام الله علیه است.

قسم به عصاره موجودات عصر، فقرده موجودات، این فقرده همه عوالم است، همه عالم در این موجود، در این انسان کامل عصاره است، و خدا به این عصاره قسم می خورد و می فرماید که ان الانسان لخی خسر، انسان در خسارت است، انسان شقی شده اند.

ولملک باخغ نفسک، و یکی از غصه های انبیاء همین است که تعلیماتشان را نتوانستند به ثمر برسانند، به آن طوری که تعلیم اقتضا می کند، پیغمبر میخواست همه مردم را علی بن ابیطالب کند ولی نمیشد و اگر بعثت هیچ ثمری نداشت الا وجود علی بن ابیطالب و وجود امام زمان سلام الله علیه، این امر توفیق بسیار بزرگی بود.

اگر خدای تبارک و تعالی پیغمبر را بعت میکرد برای ساختن یک چنین انسانهای کامل، سزاوار بود، لکن آنها

میخواستند که همه آن طوری بشوند آن توفیق حاصل نشد. نهضت شما پیش دنیا یک محجزه است این نهضت را با همین بعد اعجازی اش حفظ کنید و با اتکال به خداوند و وحدت کلمه پیش بروید و امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت ولی عصر سلام الله علیه است.

در دیدار با مدیران قرض الحسنه سراسر کشور ۵۹/۳/۲۲

۳۳- امید آن دارم که همه در درگاه خدای تبارک و تعالی رو سفید باشید و خدمتهای شایان شما که با رنج و با فعالیت های زیاد انجام گرفته، مورد نظر خدای تبارک و تعالی و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

در دیدار با اعضاء جهاد سازندگی ۵۹/۳/۲۴

۳۴- در آستان سالروز ولادت پر برکت حضرت مهدی ارواحنا له الفداء این عید سعید بزرگ را بر همه مسلمین و بر همه مستضعفان جهان و ملت شریف ایران و شما برادرهای عزیز و خواهرهای محترم تبریک عرض می کنم.....

و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ظهور مسعود ایشان را نزدیک کند و تشریف بیاورند و ما هم جمال او را ببینیم و ایشان هم در میان ما، شماها را از نزدیک ببینند گرچه ایشان معطلند بر مسائل و مصائب.....

ارتشهاییکه جوانان خود شانرا از دست داداند، از این پاسداران که جوانان خود شانرا از دست داداند معذرت می خواهم که عرضه این را ندارم که کار را درست بکنم، من از حضرت مهدی سلام الله علیه معذرت می خواهم، من از پیشگاه ولی عصر امام مهدی سلام الله علیه معذرت

طوری باشد که نامه ها وقتی عرضه میشود، ایشان را متأثر نکند.....

شما ارتش عزیز ایران، شما نیروهای انتظامی ایران، از هر طیفی که هستید شما امروز تمام نیروهای شما، نیروی امام زمان سلام الله علیه، است کوشش کنید که رضای او را بدست آورید، توجه کنید به اینکه شما الان مستخدم او هستید و همه هستیم، کوشش کنیم همه، که رضای او، رضای خداست و اگر او بدست آید ما دیگر آسیب نمی بینیم و خوبی از چیزی نداریم.



مهدی

می خواهم..... ما نتوانستیم برای شما کاری انجام بدهیم، ما ضعیف هستیم.....

در دیدار با پرسنل نیروی دریایی ۵۹/۴/۱۵

۳۶- اینها اگر ماهیت مسئله را بفهمند که پیشرو این قضیه اسلام است، امام این قضیه امام زمان است اگر این را بفهمند که این مغزهای ۳۵ میلیون جمعیت ایران توراتی است و به نور اسلام زندگاست در فکر این نمی افتند که ما برویم یک ندای را بکشیم و بعد زمام امور را بدست بگیریم. در دیدار با زنان منطقه شمیران ۵۹/۴/۱۶

۳۵- شما برادران ارتشی، نیروی دریایی که امروز بعضی هایتان به اینجا تشریف آوردید توجه داشته باشید که شما امروز لشکر پیغمبر اسلام هستید لشکر امام زمان ارواحنا له الفداء هستید الان نظر دارد به شماها، نامه اعمال شما به او عرضه میشود بر حسب روایات

۴۱- رهبر همه شما همه موجود مبارک بقیه الله است و باید ماها و شماها، طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار که رضایت خداست بدست بیاوریم.....

۴۲- شما همه لشکر امام زمان هستید و همه گروه واحد و این گروه واحد، چند واحد، لشکر امام زمان، ابتدا اعتنایی به مسایلی که طرح میشود در آنجا نکنید.

در دیدار بانمایندگان مسئولین اداره سیاسی ایدئولوژی شهرستانهای کشور ۵۹/۱۲/۱۵

۴۳- انشالله خدای تبارک و تعالی به شما کمک کند. همانطوریکه تاکنون با کمکهای غیبی خدای تبارک و تعالی بوده است، و این کشوری که کشور الله هدی و کشور صاحب الزمان سلام الله علیه است کشوری باشد که تظاهرات مسعود ایشان با استقلال خودش ادامه بدهد و قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را انشالله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان میگذرد جلوگیری کند.

زاندازی و چه سپاه پاسداران و سایر داوطلبانی که برای دفاع از اسلام و دفاع از شرافت اسلامی خودشان به جبهه ها میروند همه شماها لشکرهای اسلامی هستید الله علیه هستی توجه کنید که آن آداب اسلامی را حفظ کنید.....

دیدار با گروهی از پاسداران پادگان ولی عصر عازم جبهه ۵۹/۹/۱۶

۳۹- در آستان سومین سال پیروزی ملت مسلمان ایران با پیشگاه مبارک حضرت بقیه ارواحنا له الفداء و به ملت شریف و پیرومند معظم تبریک و تقدیم مینمایم. پیام به مناسبت آغاز سوم سالگرد پیروزی انقلاب ۱/۱/۲۲

۴۰- بسم الله الرحمن الرحیم من اول باید از همه تودمهای ما تشکر کنم که در این برهه زه آنطور که شایسته حکم اسلامی است که تمام سر پشتیبان هم باشند، بیا خاسته و همه قشرها بوظائف انسانی اسلامی خود عمل می کنند و تمام قوای مسلحه چه ارتش و چه سپاه پاسداران، چه ژاندارمری چه شهربانی و چه بسیج و همه تشکر کنم که در این موقع حساس همه آنها با هم مشغول فداکاری هستند و برای اسلام خدمتگزار هستند و من امید این دارم که همه اینها از جنود اسلام و امام زمان سلام الله علیه باشند.

در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۹/۹/۲۳

۴۱- رهبر همه شما همه موجود مبارک بقیه الله است و باید ماها و شماها، طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار که رضایت خداست بدست بیاوریم.....

۴۲- شما همه لشکر امام زمان هستید و همه گروه واحد و این گروه واحد، چند واحد، لشکر امام زمان، ابتدا اعتنایی به مسایلی که طرح میشود در آنجا نکنید.

در دیدار بانمایندگان مسئولین اداره سیاسی ایدئولوژی شهرستانهای کشور ۵۹/۱۲/۱۵

۴۳- انشالله خدای تبارک و تعالی به شما کمک کند. همانطوریکه تاکنون با کمکهای غیبی خدای تبارک و تعالی بوده است، و این کشوری که کشور الله هدی و کشور صاحب الزمان سلام الله علیه است کشوری باشد که تظاهرات مسعود ایشان با استقلال خودش ادامه بدهد و قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را انشالله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان میگذرد جلوگیری کند.

در دیدار با پرسنل صنایع نظامی و اعضای مکتب الزهراء یزد ۶۰/۲/۱

۴۴- شما به بازوان قدرتمند خودتان اتکال نکنید و فقر کشور هم به بازوان قدرتمند خودش با اتکال کند و با اتکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور امام زمان سلام الله علیه این مقصود رایه آخر برسانید و خواهد رسانید. در دیدار با کارگران کارخانجات ۱۳۶۰/۲/۱۲

داستان شیخ مفید و مردی

که ز نش مرده بود

بسمه تعالی و به ذکر مولانا المهدی (ع)

سرش را در میان دستهایش فشرد. از غم و درد داشت دیوانه می شد، نمی دانست چکار کند؟ یادم دوران خوش گذشته، که بسرعت ولی در هم و بر هم از ذهنش می گذشتند سرش را داغ کرده بود. دردی گنگ و مبهم در بدنش می دوید، گاهی بی اختیار دستش را در میان موهای سیاه و پریشان فرو می برد و آنها در چنگش می فشرد. و گاهی سرش را بدیواری می گذاشت تا سرمای دیوار در رگهایش جاری شود. و گاه به همسر جوانش می نگریست که در آغاز شباب جفند مرگ بر بالینش نشسته بود.

زن جوان بود و زیبا، با شکمی باد کرده به نشانه فرزند در شکم. نه ماه کودکی را در رحمش پرورده بود و حالا که میخواست ثمره نه ماه رنج را ببیند، بیماری مرموزی در وجودش لانه کرده بود.

عرق سردی بر پیشانیاش نشسته بود دهانش خشک بود و نفس نفس میزد. مرد با خود گفت: «اولین بیجه ماه» و بعد از سرخشم فریاد زد: «پروردگارا چرا باید چشمم به اولین فرزندم نیفتد چرا باید همسر مرا برود. او که جوان است. مگر چه گناهی کرده؟ او که هیچوقت نماز و روزه اش را ترک نکرده خدا! خدا!... بعض گلویش را گرفت.

پدرزنش، داخل اتاق شد و با اصرار او را از اتاق بیرون برد.

چند لحظه بعد، نفسهای زن به شماره افتاد. و بعد قلبش از کار ایستاد. مرد فریاد تلخی زد: «ای خدا» پدرزنش گفت: باید خاکش کرد.

مرد اندیشیده: شاید بجایم زنده باشم. «پدرزن گفت: نه، پناه می برم برخدا، من اجازه نمی دهم شکم مرده را پاره کنی.» مرد گفت: همسر من است. اختیارش دست خودم است. «پدرزن گفت: «حرام است، حرام.»

مرد گفت: «صبر کنید تا من برگردم.» و بعد با جمله بسوی مقصدی براه افتاد.

شیخ، در منزل کوچک

و محقرش نشسته بود و کتابی می نوشت. عرق در فکر بود. مرد گفت: «همسر حامله مرده» شاید بچهاش زنده باشد. اجازه دهید کسه جسدش را بشکافیم» و شیخ گفت: «حتما» بچه هم مرده نه خاکش کنی.» انگار آبی سرد روی بدن مرد ریختند. مرد بیخ کرده افسرده و مقوم با شیخ خدا حافظی کرد و در کوچه براه افتاد کوچه خلوت بود. بادی سرد می وزید و موهای مرد را پریشان میکرد. قطره اشکی در گوشه چشمش چسبیده زده بود. باد به صورتش سیلی میزد. لباس های مرد کم بود و بدنش یخ زده بود ولی متوجه نبود... سرش را با این انداخته بود و با کمری خمیده راه می رفت.

سنگینی کوهی را بر پشتش حس میکرد. دوران خوش گذشته را، بدادقت فراوان در ذهنش مرور میکرد. بطوریکه سنگینی دستی را که به شانه اش خورد حس نکرد. مردی او را با اسم خواند. و دوباره خواند و بار سوم بلندتر خواند. رشته افکار مرد پاره شد.

شیخ سلام رساند و گفت بدن زن را بشکافید، انشاءالله فرزند زنده است. مرد دیگر منتظر نشد، چون شیری که از قفس بگریزد، گریخت.

چند سال گذشت عید رسید، مرد با خود گفت: امروز کجا بروم. به یاد شیخ افتاد.

میروم دست بوس شیخ. لباس نو برپسرش پوشانده و در کوچه های تنگ و باریک بغداد براه افتاد.

منزل شیخ مفید شلوغ بود. مردم می آمدند شادباش می گفتند. لحظاتی می نشستند و عده های هم ایستاده، سلامی می گفتند و می رفتند. مرد به نزد شیخ رسید و سلام کرد و بعد به پسرش اشاره کرد: غلام شما، همانی که درایت شما از مرگ تجااتش داد و بعد به پسرش اشاره که سلام کند. پسر سلام کرد.

شیخ پرسید: چی گفتی؟ من چه کسی را نجات دادم؟ مرد گفت: بنیاد نمی آورید، من چند سال پیش خدمت شما آمدم زن حامله مرده بود. شما اول گفتید که زن را خاک کنیم بعد کسم را فرستادید که بچه را

از شکم زن خارج کنیم بعد خاکش کنیم.

مرد، آسوده رفت و شیخ را آشفته حال بجای گذاشت، عصر شد و خانه خلوت شد شیخ به مستخدمش گفت که درها را ببندد. با خودش گفت: چگونه من چنین اشتباهی را مرتکب شدم؟ نزدیک بسود طفلی را بقتل برسانم، حتما پیرو خرفت شدم. راستی امن کسی را دنبال مرد نفرستادم. قاصد کی بوده؟ شیخ به آینه نزدیک شد: به محاسنش نگریست که برف پیری روی آن نشسته بود. و به صورتش که چروکیده بود و خشک، آهی سرکشید و بسف در گلویش شکست.

صدای شکستن غرورش را شنید. نشست و بتلخی گریست و صدای هق هق گریه اش در فضای خالی اتاق پیچید. کسی بر در گوید. شیخ خواست بلند شود. نتوانست، در همان چند ساعت باندازه دهها سال پیر شده بود خودش را غلیل و عاجز حس کرد، سردرگمیانش فرو برد.

مستخدم در را باز کرد:

جوانی بلند قامت و رشید، با چهره های پاک و نورانی، بیرون ایستاده بود جاذبه اش مستخدم را گرفت. جادوی چشمانش، مستخدم پیرو مخلص را جذب کرد. مستخدم سلام کرد. جوان با صدایی رسا و گرم و گیرا جوابش را داد. سپس مکشی کرد و بعد فرمود: به شیخ بگو فانا یحیط علمنا بانیاکم ولا یغرب عنا یشی من اخبارکم... پس راستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما پنهان نیست... انا غیر و مهملین لمراتکم ولا ناسین لذکرکم... همانا در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم. که اگر چنین نبود دشمنان شما را ریشه کن ساخته بودند.

و مستخدم اینرا به شیخ گفت ناگهان شیخ همچون دیوانه ای فریاد زد: یا مولانا! یا صاحب الزمان!

و بعد بطرف در دوید آنگونه که از پیری چون او بعید بود. در را باز کرد و بیرون را نگریست هیچکس در کوچه نبود کوچه در زیر نور مهتاب آرمیده بود....

نقش تو

ملا محسن فیض کاشانی

چشم بر هر چه گشادیم رخ خوب تو دیدیم
گوش بر هر چه نهادیم حدیث تو شنیدیم
مردمان چشم گشودند و ندیدند بجز غیر
ما ببستیم دو چشم و بجمالت نگریدیم
لوح دلرا که بر آن نقش و نگارگران بود
پاک شستیم و بر آن صورت خوب تو کشیدیم
حسن خوبان فریبنده ز دریای تو موج است
آبروی همه از حسن روانبخش تو دیدیم
گر سراب دو جهان رهن دین و دل ما شد
آخرا امر بسرچشمه مقصود رسیدیم
عارفان وصف تو از دفتر و اسناد شنیدند
ما ز یاقوت گهربار لبان تو شنیدیم
تشنه یکچند دودیدیم درین وادی خونخوار
چشمه حیوان تو یکجرعه چشیدیم
قطره ای مستی ما رازسی عشق تو بس بود
الله الحمد بدریای وصال تو رسیدیم
بایع و بیع و ثمن مشتری و جنس تو بودی
سربسر کوچه و بازار جهان را همه دیدیم
چند بر خرقه پرهیز زدن پنبه توبه
آفرین باد ترا عشق، کزین خرقه رهدیدیم
بارها جامه تقوی بگنه چاک زدستیم
از پی حله عفو تو بسی جامه دریدیم
پای سعیت همه شد آبله در راه طلب (فیض)
یار ما در دل ما بود، عبت می طلبیدیم
حسن رخ مه رویان، از روی تو می بینم
دلجوئی دلداران، از خوی تو می بینم
هر جا که بود نوری، از پرتو روی تست
هر جا که بود آبی، از جوی تو می بینم
چشم خوش خوبان را، بیمار تو می دانم
محراب دو عالم را، ابروی تو می بینم
گبر و مغ و ترسار، جویای تو می بینم
روی همه عالم را، واسوی تو می بینم
لبلب بگلستانها، از بهر تو می نالد
بوی گل و ریحانها، از بوی تو می بینم
تشویش دل درهم، از زلف تومی دانم
اسباب پریشانی، گیسوی تو می بینم
عاشق سر کو گردد، من گرد جهان گردم
چون جمله عالم را، من کوی تو می بینم
املاک و لطایف را، چوگان تو می دانم
افلاک و عناصر را، من کوی تو می بینم
نور دل هر ذره، خورشید جهان تابیبست
من تابش آن خورشید، از روی تو می بینم
این عالم فانی را، هر دم ز تو، نو از نو
من کهنه نمی بینم، من نوی تومی بینم
از هیچ صدائی من، جز حرف تو نشنیدم
هیهای دل هر کس، یا هوی تو می بینم
در بحر محیط عشق شد غرق وجود (فیض)
وین چشم گهربارش، واسوی تومی بینم

آتش عشقت....

ای دوی درد بیدرمان ما
آتشی از عشق خود در مازدی
آتشی خوشتر ز آب زندگی
وی شفای علت نقصان ما
تابسوزی هم دل و هم جان ما
کان بود هم جان و هم ایمان ما
صد هزار احسن ای آتش فروز
خوش بسوزان، مادرین آتش خوشیم
خوش بسوزان، منتت بر جان ما
تیزتر کن آتش بسوزان ما
آتشست این عشق، یا آب حیات
یا که باغ و بوستان و گلشنست
یا بهشت و کوفور و بهوان ما؟
یا گلست و لاله و ریحان ما؟
بسوخت خارستان مایکبار گی
صد هزاران آفرین از جان و دل
شد گلستان کلبه احزان ما
بادهردم (فیض) بر جانان ما

بیا خورشید تابانم

شب تارا است روز من، بسا خورشید تابانم
بیا ای یار دیرینم، بسا ای جان شیرینم
ترا خواهم ترا خواهم، بغیر از تو کرا خواهم
زشادی چون شوم خندان، توئی پیدار آن خنده
زنی در من گهی آتش، کنی گاهی دلبر خوش
زمن پرسی که: مرد دنیای (فیض) باعقبی؟
نه مرد این نه مرد آن، پریشانم پریشانم

گروهی عالمو عاقل، گروهی غافل و جاهل
من دیوانه بیدل، نه باینم نه بآنم

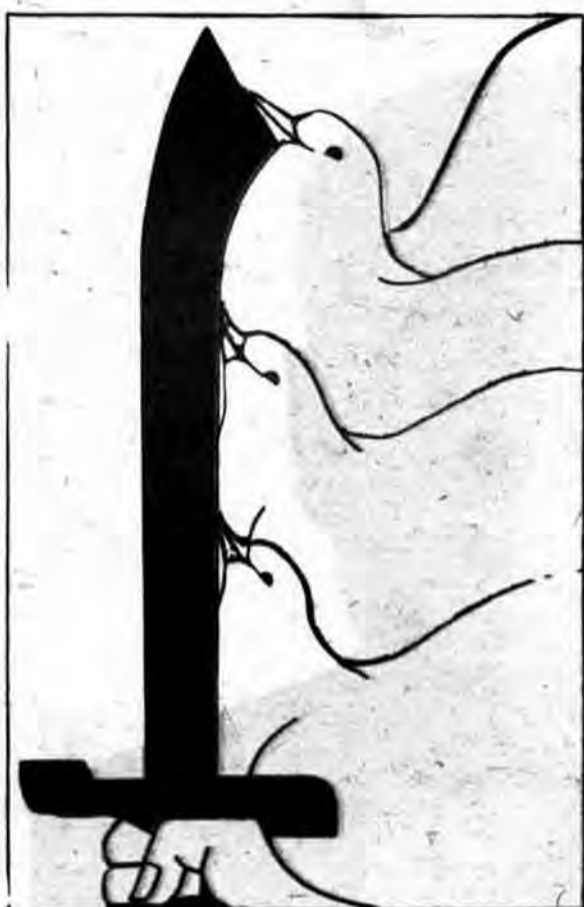
انکارش نمیکنند همگان به رای العین براین گواهند، هر روز و هر لحظه حادثهای پیش میآید که با سامانیها را افزایش میدهد و گره مشکلات را کورت میزند. این همان زمینه منفی آغاز قیام است. ما در گفتارهای پیشوایانمان با این واقعیت روبرو هستیم که انقلاب جهانی امام دوازدهم بهنگامی روی میدهد که ظلم و ستم گیتی را فرا گرفته و کژی و نادانی سایه شوم خود را همه جا گسترده است. امام پنجم شیعیان در این باره میفرماید: «لا یقوم القائم الا علی خوف شدید، من الناس و لازل و فتنه و بلا نصیب الناس...» و اختلاف شدید فی الناس... فجروه اذا خرج عند الناس والقنوط من ان یروا فرجا، قیامو بی لمن ادر که و کان من انصاره

آگاهی در پیروزی انقلاب، نقشی اساسی دارد، اگر شناساندن اسلام به عنوان آزمایش آئین و هائییش تودهها از قید یونگی و بندگی غیر خدا، میتواند آنانرا حرکت دهد، اگر دمیین روح ستیز با هوخیمان و قدرتمندان ما را به قیام جهانی اسلام نزدیکتر میکند، و اگر میپذیریم که ظهور امام ابا صالح المهدی (ع) پایان تمامی درها و رنجهاست، اگر ایمان داریم که جز در پرتو انقلاب شکوهمند آن وارث جهانی پیامبران، ظلم و نا برابری از جهان برچیده نخواهد شد، اگر باور کردیم که تلاش در راه برقراری حکومت عدل اسلامی رسالت هر مسلمانی است، اگر ناسامانیها و پریشانیها را حاصل دوری از خدا میدانیم اگر با خدای خویش چنین راز و نیاز میکنیم که: «اللهم انا نرجو الیک فی دوله کریمه الاسلام و اهله و تدل بها التناق و اهله و تجعلنا فیها من الدعاه الی طاعتک و القاده الی سبیلک» (۱۷).

در اینصورت بر ماست که آرام نگیریم خاموش نشینیم و سستی بخود راه ندهیم، فریاد زیم، ما بخروشیم و در همه جا سخن از موعود جهان بمان آوریم، یاد او را زنده کنیم، نامش را بر زبانها جاری سازیم، انقلاب اسلامی ایران را بدینا بشناسانیم و هشدار دهیم که این پرتوی از قیام فراگیر اوست و رهبران مسلم این انقلاب بزرگمردانی هستند که به نیابت عام از جانب او متفخرند و آرزودارند که از یاران او باشند. بیا خیزیم، به تبلیغ دست زیم دنیا را به خود آوریم، از انقلاب

ایران سخن گوئیم و قاطمانه به انسانها ندا دهیم که جز در پرتو اسلام نمیتوان دست به سعادت یافت. آنانرا علیه ظلم و جور بشورانیم پاس و نومیدی را از قلبها بزدا کنیم، بیم و هراس را از دلها دور کنیم و سستی و بیپایگی قدرتمندان را آشکار نماییم به آنان بگوئیم که مردم ایران تنها با پشتیبانی و یاری خدا قیام کردند، نه سراسیدند این رسالتی است که ما بردوش داریم، باید از یکسو اسلام را اراده دهیم و از سوی دیگر روح ستیز و مبارزه را در جسم مردمان بدمیم و آنانرا بسوی خدا فراخوانیم تا از خداوند خواستار ظهور امام گردند. انقلاب اسلامی ایران، وظیفهها را سنگین نموده است، اگر کسانی در گذشته میپنداشتند که نمیتوان قدمی برداشت، نمیتوان با نیروهای شیطنی درافتاد، نمیتوان سرمداران کفر را برانداخت، نمیتوان بدون ساز و برگ در برابر سلاحهای ویرانگر ایستادگی کرد و... انقلاب ایران نشان داد که همه اینها پنداری بیش نیست. انقلاب ایران بما آموخت که برای رسیدن به هدف تنها باید به خدا متکی بود و در راه او بها خاست. این عامل است که دشمن را سرنگون میکند. و در قلب او هراس میافکند. آری، انقلاب اسلامی ایران راهی را که باید بیمائیم بما آموخت. باید با تکیه بر یاری خدا بیا خیزیم بر چم حق طبری را در سراسر گیتی بفرارزیم از امام قائم سخن بشناسانیم او را که بازمانده خدا در زمین است.

ایر فته دیوری در سفر



کیم با حیوان ناز کنی ای وردو ذکر تالین ای خوف لب خالقین ای رحمة لعالین ای انگین، مسامعین هم به از آن هم به ازین، نوشیدم جام ولا بنما بمن راه بسلا

کافر شدم ایمن بده در بستم در مان بده هر آنچه خواهی آن بده، ای مهر تو چون مهر تو سنجاقم در نهر تو

من از ازل دیوانم، سرخوش از آن پیمانم بر شمع تو پروانم، سرخ توام، ده دانم در گلشن آسانم، وین تقه را گر میدهم بر شاخ تو سر میدهم

فصل بهار آمد بسیا، گل در کنار آمد بسیا بانگ هزار آمد بسیا، دل بیقرار آمد بسیا سردر خسار آمد بسیا، قصری منم سبیل تویی من مست ممل تویی

شوزمستان همزم شد، بیین غزالان رزم شد در مجلس گل بزم شد، عزم گلستان جزم شد مارا به صحرا عزم شد، از خیمه گریزون شوی هنگامه گردون شوی

بازم تویی، بازم تویی، هر لحظه در کارم تویی جانا که غمخوارم تویی، بردار دل بازم تویی خرمای افطارم تویی، بسهر خدازارم میکنی بی دیگر آزارم میکنی

سروچمنان، ابرو کمان، ای دین و دلوی عقل و جان ای آفت نطق و بیان، وی رهزن هوش و روان ای اشک چشم قدسیان، ای چشمه آب روان بستر به آب دیدگان، صغری و کبری سرمده تو وعده دیگر مدعا

ای معدن سلم و صفا، وی منبع مهر و وفا از تو قبیحست این جفا، افتادام اندر قفسا دستم بگیرای اکتفا، غیر از تو کودستی دگر افتاده از خاطر مبرا افتادای رادست گیر، ای هوشیار این مست گیر اعلا بیا در پست گیر، ای دست حق، بیدست گیر از جوی هجران جست گیر، ای صاحب عمر و زمان ای قطب عالم جان جان، احمدی عزیز

معرفی کتاب

بوند تا بحال قائم ع ظهور کرده بود، و سپس بیان میکند که: انتظار آمدگی است، و حالت آماده باش، و تهیه مقدمات برای آنچه که انتظار داریم پس انتظار برای بوجود آوردن صلاح، شایستگی، لیاقت اصلاحات، کار، کوشش حرکت و امتثال است انتظار جامعه شیعه دینامیک است. ما باید همواره آماده باشیم و چون نمایانیم که مهدی کی می آید باید هر لحظه در این آمادگی باشیم. و در آخر با ذکر روایاتی در ستایش فرج، فصل را به پایان می برد. در قسمت بعدی حکیمی نویسنده به بررسی تطبیح پاس و امید میردازد که پاس، باعث رکت و زندگی، و اجتماعات است و آنگاه پیرامون نظر اسلام در مورد امید و عدالت میردازد آنگاه به بیان وظیفه هر مسلمان در مقابله با ناسرابریها و بیعدالتیها و اینکه جز فعالیت خود انسان ما حاصلی نخواهد داشت پرداخته و بالاخره با توجه به اینکه انتظار یکنوع امید است مسئله را طرح میکند که انتظار مصلحتی عالمگیر و برپاردارنده ارزشها و شرف انسانی امید هر مسلمانی است، که باید در راه تحقق آن بکوشد. در قسمت آخر کتاب با عنوان بسوی ساحل به بیان نامیدی بشر قرن بیستم می بردازد که

انسانی فعالیت کنند و جامعه توحیدی انبیا، چنین است. در باب بعد تحت عنوان مدینه فاضله اسلامی، جامعه ایده آل ظهور را ترسیم میکند، و بیان میدارد که در آن جامعه ارزشهای انسانی و الهی حاکم است. و اضافه میکند که چنین دورانی، جز مدت اندکی آنهم در زمان حضرت رسول و علی (ع) برپا نشد. پس نتیجه حکومت جهانی اسلام تحقق پیدا نکرد، و بخاطر تن به ذلت دادن مردم تحقق این آرمان منتهی به تقاضا شد. در قسمت بعد روایاتی از منابع اسلامی، از زندگی با مهدی (ع) و اجتماع پس از ظهورش نقل میکند. بعنوان مثال: امام باقر (ع) فرمود: قائم به هنگام رستخیز خویش، نیروهای عقلانی تودهها را تمرکز دهد و خردها و درستیهای خلق را بکمال رساند. پیامبر ص فرمود: مهدی، در امت من خواهد بود، در آن روزگار آسمان باران فراوان دهد و زمین هیچ رویدنی را در دل نگاه ندارد. در فصل بعد به بررسی موضوع انتظار میردازد، و منای انتظار صحیح را از نظر شیعه بررسی میکند. و این نکته را ذکر می کند که اگر مردم واقعا منتظر

کتاب: در فجر ساحل قطع رقی نویسنده: محمد حکیمی انتشارات: فجر، تهران

در این کتاب نویسنده توانای معاصر «محمد حکیمی» با نثر جالب و متقن خویش یکی از ویژگیهای مهنویت یعنی انتظار را بر شمرده اند. در ابتدای کتاب به تعریفی از انتظار میردازند که: انتظار یعنی، پایان همه دردهای ناسامانیها، انحراف از مسیرهای انسان، و گشودن هر عقدهای بدست منجی آسمانی بعد با طرحی از گذشته غمبار انسانها و مطرح کردن سوالاتی این نکته را گوشزد میکند که همه منتظرند و همواره در پاسخ این سوالات تمام افراد بنحوی اعم از متدین یا غیر متدین سیر میکنند که آیا آینده نیز مانند گذشته است؟ آیا روزگار درد و رنج و ناسامانیهای پایانی نخواهد داشت؟ آیا آرزمان نخواهد آمد که هر انسانی با آسایش و آسودگی زندگی کند؟ و ذکر میکنند که این انگیزه هاست که مصلحین را بسا داشته تا در راه ایجاد جامعه

احمدی عزیز

مرد ناآلوده به زر و زور و تزویر



وجودش آنرا دنبال می کرد.
دوران دانشکده:

شریعتی در سال ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد وارد گشت و رشته ادبیات فارسی را برگزید. سال ۱۳۳۵ سالی است که با آن مرحله خاصی در زندگی علی آغاز می شود. در این سال علی همسری برمیگزیند و بایکی از همکلاسان خود بنام پوران شریعتی رضوی ازدواج می کند. علی از آن تاریخ با بهره مند بودن از صمیمیت، فداکاری، گذشت و جنبه های وسیع انسانی همسرش، دغدغه خاطر از بسبب زندگی خانوادگی اش نداشت تا جایی که عمده بار مسئولیت زندگی بردوش همسر فداکارش بود. شریعتی در طول مدت تحصیل در دانشکده ادبیات با علاقه های خاص به کار تحقیق و پژوهش در زمینه های مختلف پرداخت و دست به انتشار آثاری چون: ترجمه ابودرغفاری، ترجمه نیایش اثر آلکسیس کارل و یک رشته مقاله های تحقیقی در زمینه مکتب واسطه زد. این همه معرفت و خصوصیات روحی، جهت فکری و دقت و ارزش کارهای تحقیقاتی جوانی بود که هیچگاه از تفکر، خلق و آفرینش باز نایستاد.

سفر به دیار غرب:

شریعتی در سال ۱۳۳۷ پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی چون شاگرد اول رشته شده بود برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شد. او جزء محدود دانشجویانی بود که بجا و بموقع برای ادامه تحصیل و برخورداری از امکانات وسیع علمی روانه غرب شدند. او در حالی با فرهنگ و جامعه غربی برخورد می یافت که اندوختهای

کسب علم واقعی پرداخته و در آن سن و سال به آگاهی های چشمگیری دست یافته بود که تحصیلات مدرسه اش اعتبار چندانی در برابر آن آموخته ها نداشت. علی با پایان کار دانشسرا به آموزگاری پرداخت و به کلاس درس قدم گذارد و به کاری پرداخت که در تمامی دوران زندگی کوتاهش سخت بان شوق داشت و با ایمانی خاص با تمامی

فردوسی رفت و سپس دانشسرای مقدماتی را در مشهد به پایان برد. همه آنهایی که علی را از نزدیک میشناختند بدین واقفیت اعتراف دارند که میان علی جوان ۱۹ ساله با دیگر جوانان هم سن و سالش تفاوتی قابل درک وجود داشت علی برخلاف دیگر جوانان علم و آگاهی به آموخته هایش در دوره دبیرستان و دانشسرا محدود نمی شد، علی با شوقی بسیار در محضر پدر فاضلش به

در یکی از روزهای سال ۱۳۳۴ نوزادی در خانواده محمدتقی شریعتی، مرد دین و خدا، آموزگاری خردمند و انسانی پارسا و کوشا چشم به دنیا گشود. پدرش با ارادت خاصی که به پیشوای بزرگ شیعیان و ابرمرد دنیای اسلام داشت او را «علی» نام نهاد. علی دوران کودکی را پشت سر گذاشت و راهی دبستان شد. شش سال بعد به دبیرستان

مدرک دکتری به سوی وطن بازگشت تا مهم ترین و سازنده ترین مرحله زندگی پر بار خویش را آغاز کند.

بازگشت به وطن:

دکتر شریعتی پس از بازگشت به ایران مستقیماً به زندان رفت و بعد از چند ماه به خراسان زادگاه خویش - آنجا که جمعی فراوان از دوستانش و پیروان مکتب پی - ارجمندی او انتظارش را می کشیدند رفت. دکتر شریعتی دانشگاه مشهد پیوست و شوه شوری ناگفتنی در بدنه دانشجویان بوجود آورد. کلاس درس دکتر شریعتی برای دانشجویان حتی آنهایی که دانشگاه فقط برای کسب مدرک آمده بودند دلپذیر و ارزنده بود زیرا که شریعتی با تسلط گام آگاهی و علم وسیعش با وجه تمامی محدودیتهایی که وجود داشت می کوشید تا دانشجویان را به ارزش های فرهنگ ملو خویش آشنا سازد و وادارشان می ساخت تا از لاک بی تفاوتی و خودگی بیرون آیند و به نقش و رسالت خویش آگاهی یابند. در فاصله ای بسیار کوتاه شریعتی پا از محدوده دانشگاه مشهد فراتر نهاد و در پی دعوت های مختلف میشتاقان و ارادتمندان خود به مراکز مختلف آموزشی گام نهاد و با انجام سخنرانیهای علمی و روشنگر خویش، حال و هوای خاصی بوجود آورد.

مکتب سازندگی حسینیة ارشاد:

سال ۱۳۴۸ را باید سالی مهم در تاریخ زندگی دکتر شریعتی و در تاریخ حوادث و رویدادهای سالهای اخیر وطنمان به شمار آورد.

به نسبت وسیع از فرهنگ ملی فراچنگ داشت. او با برخورداری از آموخته های ریشمدار و پر بارش در زمینه های تاریخ و فرهنگ ملی و اسلامی در حد یک انسان با تجربه و صاحب نظر با دنیای پرتلاطم و اقیانوس بیگران فرهنگ غرب برخورد نمود و با قدرت لازم توفیق آن یسافت تابباری بینش وسیع و موشکافش آنچه را که نمی دانست بیاموزد و بضاعت و شناخت علمی خود را در زمینه های مختلفی چون، جامعه شناسی، مبانی علم تاریخ، تاریخ و فرهنگ اسلامی و بسیاری زمینه های دیگر غنی سازد و با برخورداری از محضر استادانی صاحب مکتب و مستفکرانی آزاداندیش پا از حریم تحصیلات کلاسیک دانشگاهی بیرون نهاد و قدرت اندیشه اش را تعالی بخشید.

دوران اقامت چند ساله شریعتی در فرانسه مصادف بود با یکی از دورانی استثنائی و به عبارت دیگر اوج جریانهای سیاسی نهضت ملی ایران بعد از حوادث ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲. در آن دوران و مخصوص از حدود ۱۳۳۹ به بعد عمده دانشجویان ایرانی در مغرب زمین بعد از سالها خاموشی و سکوت بحرکت درآمده بودند و با جریانهایی که به رهبری جبهه ملی در ایران بوجود آمده بود همگامی می کردند.

شریعتی در جریان این تلاشها با اعتقاد ژرفی که به نهضت ملی ایران و سردار پیر آن داشت با نوشته های محکم و مستدل و گفته های پرارزش خود از جمله مبارزان راستین جنبش مهین دوستان ایران در مغرب زمین به شمار می رفت. شریعتی پس از سالها تحصیل و تحقیق در فرانسه و کسب

وی سخنرانی نمودند. مشهد پس از آنکه دانشجویان دانشگاه فردوسی مجلس ترحیم دانشگاه را تحریم کردند در ۶ تیرماه مجلس دیگری در بزرگداشت مجاهد علی و بدهوت پدرش در مسجد ملاش برگزار شد در این مجلس جمعیت کثیری از دانشجویان دانشگاههای مختلف تهران و سایر شهرستانها شرکت جستند که نیروهای انتظامی از شرکتشان در مجلس جلوگیری نموده و فقط به کسانی که کارت دانشجویی دانشگاه فردوسی را داشتند اجازه شرکت دادند.

در این مراسم پلیس مزدور شاه از قبل خود را به کلاه خود و سپر و گاز اشک آور مجهز کرده بود و از روز پیش بسدنبال کشف نام سخنران جلسه بود لذا خانواده علی کسی را برای سخنرانی معین نکرده مجلس فقط با قرائت قرآن گذشت و در انتهای مجلس آخرین عکس علی را به مسجد آورده نزد استاد شریعتی بردند که ساواک به علامت توهین آنرا به پشت روی زمین گذاشت که تاله و خشم مردم بلند شد.

خبر شهادت دکتر علی شریعتی بسرعت در بین اقشار مختلف مردم پخش شد و موجی از تائر و تاسف در بین کلیه افراد علاقمند به جنبش نوین اسلامی بوجود آورد. رژیم که ابتداء اجازه درج آگهی تسلیت و ختم شریعتی را در رنگین نامه های خود داده بود پس از ناامیدی از دریافت جنازه طی اطلاعیه های خسر ترحیم را تکذیب کرده و شروع به اعمال قدرت برای جلوگیری تظاهرات نمود. تهران: دانشجویانی که میخواهند عکس العمل نشان دهند در مجلس ترحیم پدر آقای سعادخواه روحانی مبارز و انقلابی اسیر در بند رژیم سفاک شرکت کرده و در انتهای مجلس در تجلیل از دکتر شریعتی شعارهایی دادند که متعجب به دستگیری ۲۰ نفر شد.

اراک در مسجد جامع اراک مراسم یادبودی برای دکتر شریعتی ترتیب داده شد که عده کثیری در آن شرکت داشتند در این مراسم آقای آل اسحق در تجلیل و بزرگداشت ایشان و خدمات

بازتاب خبر شهادت

دکتر شریعتی در ایران و جهان



شیراز مجلس ترحیمی برای دکتر شریعتی ولی با نام دیگری برگزار شد که در آن حدود ۷ هزار نفر شرکت کردند و پس از پایان مجلس به خیابانها ریخته و با دادن شعارهایی نظیر «درود بر شریعتی»، «الله اکبر» و... برای میافتند و پلیس از جلوگیری این تظاهرات عاجز میشود تا مردم خود پراکنده میشوند. خارج از ایران کلیه برادران و خواهران انجمنهای اسلامی در آمریکا و اروپا ضمن اعلامیه هایی از خدمات شریعتی تجلیل کرده و هر کدام بنوبه خود مراسم ختمی اعلام می نمودند. شرکت هزاران نفر، چه مسلمان و چه غیر مسلمان در این برنامه ها خود بیانگر عمق کار خلاق شریعتی چه از لحاظ اسلامی و چه از لحاظ سیاسی بود.

برنامه تجلیل از شریعتی در خاور میانه، سوریه، نجف، لبنان، بنحو بی نظیری اجرا شد. در ضمن تلگراف و تسلیت از طرف برادران و خواهران فارسی زبان به پدر بزرگوار ایشان استاد محمدتقی شریعتی و امام خمینی

در پایان این مراسم استاد محمد تقی شریعتی حدود پنج دقیقه صحبت کردند فرمودند: «بسم علی همیشه مرگ را پیش چشمانش مجسم مینمود اما این نمایش سرابی بیش نبود و عدم تحقق آن همیشه علی را رنج میداد تا بالاخره این نمایش بواقفیت پیوست. من خوشحالم که او شهید شد همچنانکه منم آرزوی چنین مرگی را دارم.» شیراز - اولین مراسم ختم دکتر شریعتی در مسجد «آتشها» با شرکت جماعت کثیری از هواداران علی برگزار شد به مناسبت شب هفت علی نیز مجلس در همان مسجد برپا شد که در آن آیت... دستقیب سخنرانی و ضمن آن از علی و راه پرافتخارش تجلیل بعمل آوردند. در مسجد الرضا و بالاخره در مسجد نو مراسم ختمی با شرکت عده کثیری برگزار شد که پس از مراسم مردم به خیابانها ریختند و مغازه های نوباشه فروشی را شکستند از جمله شعارهای این مردم «علی شریعتی شهید شد» و «ما انتقام میگیریم» بود. در یکی از مساجد بزرگ



دکتر می گفت:

زیر هیچ قرار داد استعماری، امضای یک آخوند نجف رفته نیست

در سال ۱۳۳۹ در انجمن دانشجویان اروپا در فرانسه، جلسه‌ای تشکیل شده بود که در آن، آقای که مشهور است و شما هم می شناسید (از خانواده‌های «معتبری» هم هست) سخنرانی می کرد، حضرت ایشان می فرمودند که (...من، از اسلام، «خوشم» نمی آید.... هر جا آخوندی می بینم نمی دانم چرا «حالم» بهم می خورد.... هر جا منبر و روضه می بینم «اقم» می گیرم.... مذهب، عامل استعمار بوده و.... ملاحا هم در تاریخ ما همیشه، واسطه استعمار بوده اند و... و اصلا من، از مذهب، «خوشم» نمی آید.... و حرفهای از این قماش.

همانجا برخاستم و گفتم: «جناب! تو مثل آن خانمهایی حرف می زنی که شکم اولشان را برای شوهر جانشان ناز می کنند- که مثلا، من از تشریح «خوشم» می آید، از شیرینی، «خوشم»، نمی آید، آنرا «خوش» ندارم، دلم می خواهد آلوده بمکرم و نان لواش! شیرین پلو حالم را بهم میزند... تو از مذهب و ایدئولوژی و عقیده هم «انجوری» حرف می زنی!... مگر دین «یام‌یام» است که تو از آن «خوش» بیاید یا خوش نیاید؟... برای رد یا اثبات یک مذهب باید استدلال کرد، استدلال علمی و عقلی، نه ابراز احساسات شخصی!

من بعنوان کسی که رشته کارش تاریخ و مسائل اجتماعی است، ادعا می کنم، که در تمام این دو قرن گذشته، در زیر هیچ قرارداد استعماری، امضاء یک آخوند تجف رفته نیست، در حالیکه در زیر همه این قراردادهای استعماری، امضای آقای دکتر و آقای مهندس فرنگ رفته هست (باعث خجالت بسنده و سرکار!) این، یک طرف قضیه، از طرف دیگر پیشاپیش هر نهضت مترقی ضد استعماری در این کشورها، همواره و بدون استثنا قیافه یک یا چند عالم راستین اسلامی و بخصوص شیعی، وجود دارد. شما که می خواهید این پایگاه فرهنگی ریشه دار را که در عمق تاریخ ما و در اعماق وجدان جامعه ما ریشه دارد، برچینید، برای تکیه گاه فرهنگی و مردمی خود، بنام روشنفکر مسکول، در برابر استعمار فرهنگی، چه پایگاهی را می خواهید جایش بگذارید؟ چند تا شعر فارسی را که مدیحه ممدوح است و مدیحه معشون؟ یا چند تا ترجمه‌های

می‌انداخت. دیگر تأمل بیش از این جایز نبود، به کار استادی و آموزشی شهر دانشگاه مشهد پایان دادند و به عنوان عنصر نامطلوب از تدریس او جلوگیری بعمل آوردند.

زمانی بعد از اتمام سخنرانیهایش در حسینیه ارشاد ممانعت بعمل آوردند و کمی بعد حسینیه ارشاد را تعطیل ساختند تا دیگر مردم امید بی به باز شنیدن سخنان دکتر شریعتی نداشته باشند.

شریعتی که دور از مردم بودن و در خاموشی بسر برهن برایش زجری بزرگ بود، با تمام این ظراحتی‌ها ساخت و خود را با نوشتن هر چه بیشتر مشغول داشت.

ولی بد اندیشان و دشمنان مردم را این همه بس نبود و سرانجام در مهر ماه سال ۱۳۵۳ پرونده‌اش افکندند. مدت ۱۸ ماه او را در سلولی کم نور و تنها قرار دادند.

رهائی و مرگ: دکتر شریعتی در ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ تهران را به سوی اویا ترک گفت به این امید که بزودی با پیوستن همسر گرامیش و فرزندان به او دوران جدیدی از زندگیش را آغاز کند و بتواند به خلق آثاری بیشتر، قوی‌تر و روشن‌تر بر داند.

سرانجام روز یکشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۵۶ فرا رسید. در آنروز دوستان دکتر علی شریعتی ضمن آنکه شاهد سیمای آرام و لاجتند صمیمی و همیشگی او بودند، بخوبی احساس می‌کردند که نوعی شادی توأم با انتظار و تشویق وجود آن مرد بزرگ را در بر گرفته است علی‌آورد در انتظار آن بود تا از

سر و دست دختر دلینش استقبال کند. از چند روز پیش به او خبر داده بودند که خانواده‌اش در آنروز به لندن وارد خواهند شد. زمان انتظار به سر رسید هواپیما در فرودگاه لندن به زمین نشست و

در این سال است که درهای «حسینیه ارشاد» بعنوان یک مرکز فرهنگی اسلامی به روی همه مردم و بخصوص جوانان گشوده می‌شود و بعد از سالهای دراز سکوت و سکون موج دستفاران علم و جویندگان حقیقت به سوی این محل سرازیر می‌گردد.

در این محل است که دکتر شریعتی با قدرت و نیروی کم نظیری هر هفته ساعتها به گفتار می‌نشیند و در مباحث مختلف سخن می‌گوید. او با کنجکاوی و دیدی وسیع از یکسو به تجزیه و تحلیل تاریخ وطنش، تاریخ جهان اسلام، چهارمهای مقدس و شخصیت‌های بزرگ اسلام پرداخت و از سوی دیگر با ظرافت و بینشی خاص به توجیه چگونگی حیات جامعه کنونی وطنش، ضعف‌های آن، ناپساختمانیها، پریشانها و پلاخره جنبه‌های انحطاطی آن اقدام نمود و با شخصیتی کم نظیر کوشید تا مردم و بخصوص نسل جوان را از واقعیت‌های مردناک سرزمین خویش آگاه کند و

جامعه هیت از کف داده وطنش را با اصلانهای فرهنگ خویش آشنا سازد. دکتر شریعتی با آن چهره آرام و خضوع خاص زمانی که با مردم مواجه می‌گشت و رو در رو می‌گفت، گرم می‌شد، می‌خوشید و چون تندبادی توفنده همه را به هیجان می‌آورد. استحکام کلام، باقت منطقی جملات با اتکاء به پشتوانه غنی و عمیق فکریش هر شنونده‌ای را در کوتاهترین مدت سراپا گوش می‌ساخت و در نیمه راه گفتار تحت تأثیر قرار می‌داد و سپس به هیجان می‌آورد.

دوران سکوت و زندان: دکتر شریعتی با تلاشی خستگی ناپذیر شیخا تا صبح سرگرم خواندن و نوشتن بود و روزها بعد از مدت کمی استراحت به سخن گفتن می‌پرداخت. هرچه بیشتر می‌نوشت و بیشتر می‌گفت اقبال مردم و جامعه به او بیشتر می‌شد و در عوض دشمنان دین و ملت را به هراس

مخاطره گردید. همچنین خبر شهادت علی درغیر از نشریات فارسی زبان در روزنامه‌های اروپایی و عربی نیز درج گردید. در میان نشریات اسلامی غیر فارسی «امل و رساله» که ارگان «حرکت المجرهین» است طی مقالاتی خدمات و مجاهدات دکتر شریعتی را تجلیل کردند. روزنامه‌ها

روزنامه «اسلامیک هورايزن» جزوه خبری ام. اس. ا. در آمریکا اقدام به نقل تلگراف پرزیدنت ام. اس. ا. به وزیر دادگستری انگلیس و سازمان عفو بین‌الملل نموده است (جلد ۶ شماره ۷ مجله مزبور مورخه جولای ۷۷ صفحه ۵) در این تلگراف پرزیدنت «ام اس» نگرانی خود را دربارسه چگونگی شهادت دکتر شریعتی بیان داشته و خواستار یک تحقیق کامل درباره این حادثه شده است.

ضمناً به مقامات انگلیس و عفو بین‌الملل تذکر داده است که از اقدام احتمالی کنسولگری جهت تحویل جنازه دکتر شریعتی جلوگیری بعمل آورند و تشریح او را در آمریکا در شماره ۷۷ خود اقدام به درج مقاله مفصلی شامل شرح کامل خدمات دکتر علی شریعتی و عکس از آن عزیز چاپ نمود. مجله المنار در شماره ماه «اگوست» خود از خدمات و زحمات پیدریغ دکتر شریعتی طی مقالای تجلیل کرد. مجله القلم مجله السلم بولتن خبری سازمان جوانان انقلابی آفریقای جنوبی ضمن مقالاتی و بر شمردن خدمات دکتر شریعتی در شماره ماه «اگوست» خود از وی تجلیل کرد.

تقویم زندگی دکتر شریعتی

- ۱۲ آذر ۱۳۱۲ تولد
۱۳۱۹ ورود به دبستان
۱۳۲۹ ورود به دانشسرای مقدماتی مشهد
۱۳۳۱ معلمی در احمدآباد مشهد
۱۳۳۵ ترجمه اباندر غفاری و ورود به دانشکده ادبیات مشهد
۱۳۳۶ همراه اعضای نهضت مقاومت ملی در زندان قزل قلعه
۱۳۳۸ رتبه اول و فارغ‌التحصیل از دانشکده ادبیات
۱۳۳۹ سفر به فرانسه، تحصیل در رشته تاریخ و جامعه‌شناسی
۱۳۴۳-۱۳۴۴ ادامه تحصیلات، پیوستن به سازمان آزادیبخش الجزایر و مجروح شدن و به بند افتادن در زندان پاریس بخاطر کوششهایش در راه آزادی الجزایر کوشش در کنفرانسین دانشجویان ایرانی، جبهه ملی، نهضت آزادی و انتشار نشریه ایران آزاد.
۱۳۴۴ بازگشت به ایران با درجه دکترا در رشته‌های تاریخ و جامعه‌شناسی و از سر مرز به زندان قزل قلعه روانه شدن.
۱۳۴۴ دبیری در فرهنگ و استادیاری تاریخ در دانشگاه مشهد
۵۲-۱۳۴۶ سخنرانی در حسینیه ارشاد و دانشگاهها و انتشار کتابهایش
۱۳۵۲- بسته شدن حسینیه ارشاد و به زندان افتادن بمدت ۱۸ ماه در سلولهای کمیته
۵۶- ۱۳۵۴ زندگی سخت در مشهد و تهران
۲۶ اردیبهشت ۵۶ هجرت به اروپا
۲۹ خرداد ۵۶ شهادت

بفهره صفحه ۱۳

مصاحبه اختصاصی جنگ هفته با حجت الاسلام والمسلمین خامنه‌ای

شریعتی یک چهره همچنان مظلوم است

*** مجاهدین خلق که امروز طرفداری از شریعتی می‌کنند در سال ۵۱ و ۵۲ جزو سرسخت‌ترین مخالفین شریعتی بودند.**

*** خوب است که بیائیم شریعتی را با مطهری بیامیزیم.**

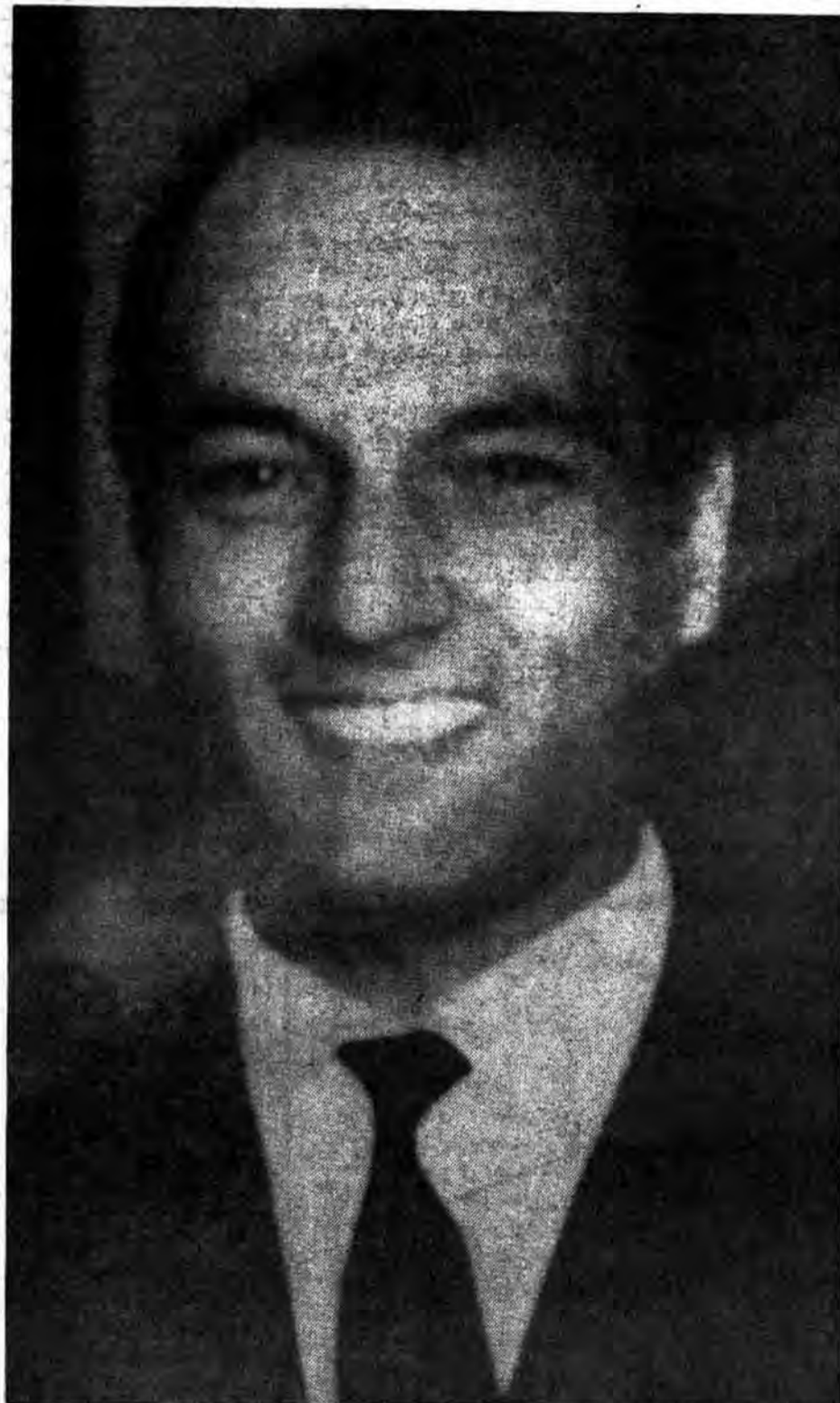
یک مشت قاتل و تروریست سام و فرقای‌ها خودشان را دیالوگ و حط شریعتی می‌دانستند. این شریعتی براسی کسی بود که طرفدار ترور شخصیت عطیمی مثل شهید مطهری باشد؟ او که خودش را همواره علاقه‌مند به مرحوم مطهری و بلکه مرید او معرفی می‌کرد. حودم از او این مطلب را شنیدم.

مخالفان را می‌شود با تبیین و توضیح روشن کرد. می‌شود با بیان برحسب‌های شریعتی، اگر در میان مخالفان معاندی وجود دارد او را ضروری کرد. اما اینگونه موافقان را به هیچ وسیله‌ای نمی‌شود از چنان شریعتی و از سرشریعتی دور کرد. بنابراین من معتقدم چهره شریعتی در میان این

*** شریعتی بر خلاف آنچه درباره او گفته می‌شود نه فقط ضد روحانی نبود بلکه عمیقاً مومن و معتقد به رسالت روحانیت بود.**

*** در جلسه سال ۴۷ مشهد بین آل و شریعتی چه گذشت؟ شریعتی در آن جلسه درباره روحانیت چه گفت؟**

وجود دارند. شریعتی را ممکن است بنوازم یک فیلسوف، یک متفکر بزرگ یک بنیان‌گذار جریان اندیشه مترقی اسلام، معرفی بسکنند اینها البته همانطوریکه اشار کردید، اسانه‌آمیز و مبالغه‌آمیز است و چنین تفسیراتی بسبب مرحوم دکتر شریعتی نیست. اما متقابلاً شریعتی یک چهره دردمند پرسوز پیگیر برای حاکمیت اسلام بود، از جمله ستادبانی بود از طرح اسلام بصورت یک ذهنیت و غفلت از طرح اسلام بصورت یک ایدئولوژی و قاعده نظام اجتماعی رنج می‌برد و کوشش می‌کرد تا اسلام را به عنوان یک تفکر زندگی‌ساز و یک نظام اجتماعی و یک ایدئولوژی راهگشای زندگی مطرح کند. این بعد از شخصیت شریعتی آنچنان که باید و شاید شناخته نشده است. و روی این بخش وجود او تکیه نمی‌شود. می‌بینید که اگر از یک بعد از سوی قشری از مردم شریعتی چهره‌اش مبالغه‌آمیز جلوه می‌کند، باز بخش دیگری از شخصیت او و گوشه دیگری از چهره او حتی ناشناخته و تاریک بسای مسانده است. بسنا براین میتوانم در پاسخ شما بگویم بله، بصورت مشروط در مورد شریعتی هم این بیماری وجود داشته است، اما نه بصورت کامل و قسمتهائی از شخصیت او آنچنان که باید هم حتی شناخته نشده است.



مضمون) بخاطر چهارتا اشتباه در کتابهای سکوبیم این صحیح نیست. این دقیقاً نشان می‌داد موضوع درست را در مقابل هر شخصیتی و نه تنها شخصیت دکتر شریعتی. ممکن بود او اشتباهاتی بسبب مسائل اصولی و بنیانی تعکر اسلامی داشته باشد. مثل توحید، یا نبوت و یا مسائل دیگر. اما این نباید موجب می‌شد که ما شریعتی را با همین نقاط منفی فقط بشناسیم. در او محسنات فراوانی هم وجود داشت که البته مجال نیست که الان من این محسنات را بگویم، برای اینکه در دو مصاحبه دیگر در باره برجستگی‌های دکتر من مطالبی بگفتم. این درباره مخالفان.

دشمنی دوستان

اما ظلم طرفداران شریعتی به او کمتر از ظلم مخالفانش نبود بلکه حتی کوبنده‌تر و شدیدتر هم بود. طرفداران او بجای اینکه نقاط مثبت شریعتی را مطرح کنند و آنها را تبیین کنند، در مقابل مخالفان صف‌آرایی‌هایی کردند و در اظهاراتی که نسبت به شریعتی کردند سعی کردند او را یک موجود مطلق جلوه بدهند. سعی کردند حتی کوچک‌ترین اشتباهی را از او نپذیرند. سعی کردند هرگونه اختلافی را که با روحانیون یا با متفکران بنیانی و فلسفی اسلام دارند در پوشش حمایت و دفاع از شریعتی بیان کنند. در حقیقت شریعتی را سنگری کردند برای کوبیدن روحانیت و یا کلا متفکران اندیشه بنیانی و فلسفی اسلام.

خود این منش و موضع‌گیری کافی است که عکس‌العمل‌ها را در مقابل شریعتی تسنندتر و شدیدتر کند و مخالفان او را در مخالفت حریص‌تر کند.

بنابراین من امروز می‌بینم کسانی که به نام شریعتی و به عنوان دفاع از او درباره شریعتی حرف می‌زنند، کمک می‌کنند تا شریعتی را هرچه بیشتر منزوی کنند. متأسفانه بسبب رساندن اندیشه‌های او یا بنام نشر آثار او یا به عنوان پی‌گیری خط و راه او فجایعی در کشور مسا صورت می‌گیرد. فراموش نکردیم که

سر ما توجه به اینکه شما با دکتر شریعتی سابقه صمیمیت و دوستی داشتید و بسا او از نزدیک شما بودید آیا شما تعادل رسید در مورد چهره و شخصیت او با ما مصاحبه کنید.

ج: س... الرحمن الرحیم. بله من حرفی ندارم که درباره شخصیت شریعتی و معرفی شخصی از جوانان این انسانی که برای مدتهای مدیدی مرکز و محور گفتگوها و قال و قبل‌های زیادی بوده، آشنائی‌های خودم را تا حدودی که در این فرصت می‌گنجد بیان کنم.

ب نظر من شریعتی بر خلاف آنچه که همگان تصور می‌کنند یک چهره همچنان مظلوم است و این به دلیل طرفداران و مخالفان اوست. بسی از شگفتی‌های زمان و شاید از شگفتی‌های شریعتی اینست که هم طرفدارانش و هم مخالفانش نوعی همدستی با هم کرده‌اند تا این انسان دردمند و پرسوز را ناشناخته نگه‌دارند و این ظلمی به اوست. مخالفان او به اشتباهات دکتر شریعتی تمسک می‌کنند و این موجب می‌شود که نقاط مثبتی که در او بود را نبینند. بی‌گمان شریعتی اشتباهاتی داشت و من هرگز ادعا نمی‌کنم که این اشتباهات کوچک بود. اما ادعا می‌کنم که در کنار آنچه که ما اشتباهات شریعتی می‌توانیم نام بگذاریم، چهره شریعتی از برجستگی‌ها و زیبایی‌هایی هم برخوردار بود. پس ظلم است اگر، بخاطر اشتباهات او برجستگی‌های او را نبینیم. من فراموش نمی‌کنم که در اوج مبارزات که می‌توان گفت که مراحل پایانی قال و قبل‌های مربوط به شریعتی محسوب می‌شد امام در ضمن صحبتی بدون اینکه نام از کسی ببرند، اشاراتی کردند به وضع شریعتی و مخالفت‌هایی که در اطراف او هست. نوار این سخن همان وقت از نجف آمد و در فرسو نشانیدن آتش اختلافات مؤثر بود. در آنجا امام بدون اینکه اسم شریعتی را بساووند اینجور بیان کرده بودند؛ کسی را که خدماتی کرده (چیزی نزدیک به این

شریعتی و آغازگری‌ها
س: نقش دکتر شریعتی در آغازگری‌ها چه بود؟ آیا در او در این مورد با اقبال یا سید جمال مقایسه کرد؟

ج: البته شریعتی یک آغازگر بود. در این شک نباید کرد. او آغازگر طرح اسلام با زبان فرهنگ جدید نسل بود. قبل از او بسیاری بودند که اندیشه مترقی اسلام را آنچنان که او فهمیده بود فهمیده بودند. اما بودند چنین کسانی. اما هیچکدام این موفقیت را پیدا نکردند که آنچه را فهمیده بودند در غالب واژه‌ها و تعبیراتی که بگویم نسل آنروز شریعتی، نسلی که مخاطبین شریعتی را تشکیل میداد گیرائی داشته باشد مطرح کند. موفق نشده بودند به زبان آنها این حقایق را بیان کنند.

است. **ابعاد ناشناخته شخصیت شریعتی**
ج: البته من تصدیق می‌کنم که بخشی از شخصیت شریعتی مبالغه‌آمیز و اسانه‌آمیز جلوه می‌کند در میان قشری از مردم، اما متقابلاً بخش‌های ناشناخته‌ای از شخصیت شریعتی هم که آنها بقدر آنچه که بودماند هم برور نگردداند و رویش امروز حساب نمی‌شود.

موافقان و این مخالفان چهره مظلومی است و اگر من بتوانم در این باره یک رفع ظلمی بکنم به مقتضای دوستی و برادری دیرینی که یا او داشتم. حتماً ابالی ندارم.
س: عده‌ای معتقدند که معمولاً شخصیت‌ها از دوریا پس از مرگ مبالغه‌آمیز و اسانه‌ای جلوه می‌کنند. آیا بنظر شما در مورد شریعتی نیز می‌توان این نظر را صادق دانست و آیا چهره او نیز دستخوش چنین آفتی شده

مثل فرقائی‌ها هستند، دریک سطح دیگری، کسانی که امروز در جنبه‌های سیاسی در مقابل یک قشری یا جریانی قرار گرفته‌اند و خودشان را به شریعتی منتسب می‌کنند. از آنجمله هستند بعضی از افراد خانواده شریعتی. اینها در حقیقت از نام و از عنوان از آبروی قیمتی شریعتی دارند سوءاستفاده می‌کنند برای مقاصد سیاسی و این طرفداری و جانبداری است که یقیناً غرضش به شخصیت شریعتی گمتر از ضربه مخالفان شریعتی نیست.

جوری که برای آنها قابل فهم باشد این مسائل را بگویند. شریعتی آغازگر طرح جدیدترین مسائل کشف شده اسلام متری بود به صورتی که برای آن نسل پاسخ دهنده به سئوال‌ها و روشن کننده نقاط ابهام و تاریک بود.

اما اینکه ما او را با سیدجمال یا با اقبال مقایسه کنیم، نه اگر کسی چنین مقایسه‌ای بکند ناشی در این است که اقبال و سیدجمال را بدرستی نتوانسته است. اتفاقاً در یکی از جلسات یادبود مرحوم دکتر، شاید چهارم او بود در مشهد سخنرانی، سخنرانی کرد و او را حتی از سیدجمال و از کواکبی و از اقبال و اینها هم برتر هم خواند، بلکه با آنها غیر قابل مقایسه هم دانست. همانوقت هم این اعتراض در ذهن کسانی که شریعتی را بدرستی میشناختند پدید آمد. برآ تعریف از شریعتی بمعنای این نیست که ما پیشروان اندیشه ترقی اسلام را تحقیر کنیم.

سید جمال

سید جمال کسی بود که برای اولین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد کسی بود که مسأله حاکمیت اسلام را و عجزش و بعثت جدید اسلام را اول بار اصلاً او در فضای عالم بوجود آورد. کاری که سید جمال کرد سه جریان بوجود آورد در دنیا یک جریان، جریان اندیشه متری در هند که بیشترین اندیشه‌های متری است. بیشترین جریانهای متری اسلامی است.

جریان دیگر، آن جریان اندیشه متری در مصر بود. که آنها بوسیله سید جمال بوجود آمد و شما می‌دانید جریان متری در مصر، منشاء پیدایش جنبش‌های عظیم آزادیخواهانه در آفریقا شد. نه فقط مصر را به سطحی از بینش نویسن اسلام رساند. بلکه نهضت‌های مراکش و الجزایر، کلاً شمال آفریقا، ریزه‌خوار خون حرکت سید جمال بوده است. یک چنین حرکت عظیمی را سید جمال در مصر بوجود آورد و کلاً خاور میانه.

و کار سوم و جریان سوم، جریان روشنفکری در ایران بود. این سه جریان فکری اسلامی را سید جمال در سطح جهان اسلام بوجود آورد. او مطرح کننده، بوجود آورنده و آغازگر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است. این را نمی‌شود دست کم گرفت و سید جمال را نمی‌شود با کسی دیگری مقایسه کرد. در عالم مبارزات سیاسی، او اولین کسی که سلطه استعماری را برای مردم مسلمان آن زمان معنا کرد قبل از سید جمال چیزی بنام سلطه استعماری برای مردم مسلمان حتی شناخته شده نبود. او کسی بود که در ایران، در مصر، در ترکیه، در هند، در اروپا کلاً در خاورمیانه در آسیا و در آفریقا، سلطه سیاسی مغرب زمین را مطرح کرد و معنا کرد و مردم را به این فکر انداخت که چنین واقعیتی وجود دارد و شما می‌دانید آن زمان، آغاز عمر استعمار بود. چون استعمار در اول نرشر در این منطقه اصلاً شناخته شده نبود و سید جمال اول کسی بود که آنرا شناساند. اینها را نمی‌شود دست کم گرفت. مبارزات سیاسی



سیدجمال چیزی است که قابل مقایسه با هیچیک از مبارزات سیاسی افرادی که حول وحوش کار سید جمال حرکت کردند نیست. البته در زمان کنونی جنبش امام خمینی از نظر مسأله دنیاله حرکت سیدجمال است. اما برآتب جست بالاتری از حرکت سیدجمال دارد. در این تردیدی نیست اما حرکت فکری و روشنفکری و سیاسی تسلیفی دکتر شریعتی را بسپه‌چوچه نمی‌توان حتی مقایسه کرد با حرکت سید جمال.

اقبال

اما اقبال. اقبال نیز آغازگر دو جریان بود. یک جریان، جریان رهایی از فرهنگ غربی و بازگشت به فرهنگ خودی اسلامی. و بهتر بگوییم، فرهنگ

شریعتی معتقد بود که روحانیون برسالتی که بردوش دارند عمل نمی‌کنند. براین اعتقاد بود تا سال حدود ۵۱ و نزدیک ۵۲ و از آن سال در اثر تماسهایی که دکتر شریعتی با چهره‌هایی از روحانیت و بخصوص روحانیون جوان گرفت کلاً عقیده‌اش عوض شد... در این اواخر او نه فقط به روحانیت معتقد بود بلکه به روحانیون نیز معتقد بود.

آغازگر او بوده، و این کار بسیار عظیمی است.

کار دوم اقبال همین مسأله ایجاد است و یک ملت بنام ملت اسلام و تشکیل دولت پاکستان است. اول کسی که مسئله کشوری بنام پاکستان و ملتی در میان شبه قاره بنام ملت مسلمان را مطرح کرد اقبال بود. من به وضعیت کنونی پاکستان و سرنوشتی که بعد از اقبال، یعنی بعد از رهبران و بنیانگذاران پاکستان کلاً، بوجود آمد کاری ندارم، به جذب شدنش بسه استعمار و وابستگی‌های استعماری کاری ندارم، اما به مجاهدت اقبال و فلسفه و بیان اقبال در این مورد کار دارم. این یک حرکت جدید بود. یعنی او ثابت کرد که

نظر امام در مورد مخالفت‌هایی که اطراف شریعتی وجود داشت چه بود؟

شریعتی همواره خودش را علاقه‌مند به مرحوم مطهری و بلکه مرید او معرفی می‌کرد. من خودم از او ایمن مطلب را شنیدم.

شریعتی آغازگر طرح جدیدترین مسائل کشف شده اسلام متری بود.

او می‌گفت روحانیت یک ضرورت است، یک نهاد اصیل و عمیق و غیر قابل خدشه است.

خود شرقی. و این همان چیزی است که بعدها به صورت تعبیری از قبیل غربزدگی و امثال او در زبان روشنفکران ما و نیز به صورت عمده‌ترین مسائل مطرحه توسط دکتر شریعتی در ایران مطرح شده است. شما می‌دانید آن چیزی را که دکتر شریعتی به صورت «بازگشت به خویش» مطرح میکند، که این یکی از عمده‌ترین مسائلی است که او می‌گوید، این چیزی است که در سال ۱۹۳۰ (بلکه قبل از ۳۰، ۳۵-۱۹۲۰) بوسیله اقبال در هندوستان مطرح شد، یعنی کتاب‌های اقبال، شعرهای فارسی اقبال که هم‌اکنون مربوط به بازگشت به خود اسلامی و من اسلامی و من شرقی، اینها در ضمن هزارها بیت شعر، اقبال لاهوری در مثلاً چهل سال قبل از اینکه دکتر شریعتی و امثال ایشان بیان کنند، بیان کرده و یک ملتی را با این شعرها بوجود آورده و آن ملت پاکستان است، یعنی یک منطقه جغرافیایی بوجود آورده است. این یک کار بوده که اقبال



دکتر می‌گفت:

بقیه هر صفحه ۱۱

آشفته آثار فرهنگی را؟ باید بر این پایگاه ریشه‌دار تکیه کرد، اگر ایمان داری، بخاطر ایمان، و حتی اگر نداری، اما مسئولی، بخاطر مسئولیت، و اگر ایمان داری و هم مسئولیت که دو دست را می‌فشرم، و اگر نه ایمان داری و نه مسئولیت، و بخاطر خوشایند زمانه نطق می‌فرمائی که: تبت پدا ابی لهب و تبت! مرحمت زیاد! نطق کن!

این اعتقاد من است و اعتقاد حسینیه ارشاد و همه کسانی که به این راه - کمابیش از طریق درسها، سخنرانیها و نوشته‌ها - آشنایی «مستقیم» دارند و در آن گام بر می‌دارند و عقاید و افکار و قضاوت‌هایشان را همه از آقای «می‌گویند» نمی‌گیرند، که: «بزرگترین پایگاهی که می‌توان امیدوار آن بود که توده ما را آگاه کند، اسلام راستین را بانان ارائه دهد، در بیداری افکار عمومی و بخصوص متن توده ما نقش موثر و نجات‌بخشی را ایفا کند، و در احیاء روح اسلام و ایجاد نهضت آگاهی دهنده و حرکت بخشنده اسلامی، عامل نیرومند و مقتدری باشد، همین «طلبه» و «حوزه» و حجره‌های تنگ و تاریکی است که از درون آنها، سیدجمال‌الدین‌ها بیرون آمده است و (می‌آید). (قاسطین، مارقین، ناکشین، ص ۲۴۱ الی ۲۴۴)

ارتجاع

امروز هر نهضتی که در کشورهای اسیر بسپاخیزد فرمول تفسیرات آنان این است که: «اگر منافع آمریکا را تهدید کند، دست آورد کمونیست است، و اگر به کمونیستها بتازد، ساخته امریکاست، و اگر به هر دو تاخت، موجی است که انگلستان یا فرانسه برانگیخته‌اند و اگر به «امریکا شوروی و انگلیس و فرانسه» همه یکجا حمله برد، آنوقت است که نهضت فاشیست است و مرتجع!!

شریعتی و انتقادات:

کتابهای مفصل و متعدد نوشته‌اند و برنامه‌های منظم و معین بسیار علیه من اجرا کرده‌اند که چون هم شخص آنها وهم منطق و قلم و فکرشان بگونه‌ایست که دشمنی‌هایشان را باید بعنوان بزرگترین توفیق الهی، سپاس گفت و من دوسوم توفیقی را که در توجیه افکار عمومی و انتشار آثار خود و بخصوص آشکار شدن میزان حقیقت و اصالت و ارزشی که در این طرز فکر خداوند ارزانی داشته مروهون تحریکات و توهینات و انتقادات همین آقایان هستم که تکفیرهای آنان بهترین تفریظها بر کتابهای من بوده است و از این نظر، حق ناشناسی است اگر دشنام پرپرکت این مبلغان بی‌مزد و مسنت را جواب گویم.

بقیه هر صفحه ۱۲

در سال ۱۳۴۹ در مشهد، در یک مجمعی از طلاب و فضلاء مشهد من درس تفسیر یک روز راجع به روحانیت صحبت کردم و نظراتی را که در مورد بازسازی روحانیت یعنی جامعه روحانیت وجود داشت بصورت فرض و احتمال مطرح کردم. گفتم چهار نظر وجود دارد. یک، حذف روحانیت بکلی، یعنی اینکه اصلاً روحانیتی نمی‌خواهیم. دو، قبول روحانیت به همین شکلی که هست، با همین نظام و سازمان کنونی قبولش کنیم و هیچ اصلاحی را در آن ندانیم. سه، تبدیل بکلی. یعنی اینها روحانیت کنونی را برداریم یک روحانیت جدید بسپاویزیم بجای این روحانیت، با شرایط لازم و مقرری که برایش می‌پسندیم بنیانگذاری کنیم.

و چهار: اصلاح همان چیزی که هست، بحث کردم روی مسئله صحبت کردم. البته طبیعی است که من آن سه نظر اول را رد میکردم و با ارائه دلیل و به نظر چهارم معتقد بودم.

همان اوقاتی بود که تازه زمزمه‌هایی علیه دکتر شریعتی بلند شده بود و گفته میشد که دکتر شریعتی راجع به افکار شیعی کم عقیده است یا بی‌عقیده است یا نسبت به روحانیت علاقه‌ای ندارد و از این قبیل تمبیرات. جلسهای داشتیم همان روزها با دکتر شریعتی من برای او نقل کردم که من در جلسه درس‌مان این مطلب را بیان میکردم، با علاقه فراوانی گوش میداد. من برایش گفتم، گفتم به یکی اینکه نفسی روحانیت بقیه هر صفحه ۱۴



مصاحبه اختصاصی با آیت‌الله‌دکتر

دکتر همواره روبه

ذهنش می‌آید که آیا اینجا در این کنگره عمومی مسلمانان جهان بجاست که شیعه، آن آهنگ و آرم‌ها ویژه خودش یعنی حسینی بودن را مطرح می‌کند، آیا بهتر نیست که

آنجا شیعه مثل دیگر مسلمانان همان دعاها و دیگر مناسک عمومی اسلام را بجای آورند، و سال بعد وقتی دوباره مشرف به حج می‌شود و همین مناظر را می‌بیند یک مرتبه متوجه میشود که عجب حقیقت این است که مراسم پرشکوه حج، یک ظاهر و جسم است که باطن و روح آن در حسینی اندیشیدن و حسینی زیستن است بنابراین توجه به امام حسین به هر صورت در مواضع مختلف حج یعنی توجه به روح این مناسک و عبادت بزرگ و در پیوند همه عبادتها و ولایت و امامت ذهنش متوجه این میشود که اگر حج این مراسم بزرگ و با شکوه در خدمت خلافت اموی و عباسی و زمامداران طاغوتی قرار گیرد حقی است که باطل از آن بهره‌برداری میکند اما اگر همین مناسک حج در راستای امامت حسین و حسینیان قرار گیرد آنوقت حقی است که یک حق پرشکوه‌تر با آن همراه است بنا بر این بنظرش می‌آید که بسیار بجاست که در همانجا در همان مواضع دلها متوجه گریز برای امام حسین باشد و از زیارت‌های مربوط به امام حسین خوانده شود گنه در آن زیارت‌ها از شهادت و امامت حسینی یاد بشود و دل و جان و ضمیر حج

داشته و همین امتیاز سبب شده بود که دکتر بتواند بنا حفظ خویشتن خویش و هویت خود

*** دکتر بارنج و درد نسل جوان خوب آشنا بود و می‌توانست بیانگر آرمانها و آرزوها و رنجها و دردهای آنها باشد.**
*** در زمان دکتر، مجاهدین خلق بر طبق اصول و نظریاتشان با او مخالفت می‌کردند و حرکت دکتر رانوعی حرکت انحرافی تلقی می‌کردند.**

در یک سیروسلوک فکری و معرفتی، گامهایی بلندی به جلو بردارد و نتایج جالب و زیبا و ارزنده‌ای را بدست آورد.
یک استمداد سرشار، یک قریحه توانا در یک چنین حرکت و پوشش سازنده خود بخود درباره مسائل مختلف نظر میدهد و چه بسا نظراتش در مورد یک مسئله در زمانهای مختلف، گوناگون میشود، نخستین چیزی که از این باب به ذهنش مانده مطلبی است که دکتر در کتاب پادپادآوران دارد جزوه کوچک پادپادآوران بیان این است که چگونه دکتر شریعتی در یک سال که به حج مشرف میشود و در مراسم حج می‌بیند که عده‌ایی از حجاج شیعه در عرفات و مواضع دیگر حج، پیاد امام حسین هستند، زیارت وارث میخوانند، زیارت عاشورا میخوانند، در برخورد با این جریان اول بار این مطلب به

س: آشنایی شما با دکتر شریعتی از چه زمانی آغاز میشود و در این رابطه اگر خاطراتی از ایشان دارید عنوان بفرمائید؟

ج: بسم الله الرحمن الرحیم نخستین آشنایی من با مرحوم دکتر شریعتی مربوط میشود به سال ۱۳۴۹، در تابستان آن سال در مشهد با آقای خامنه‌ای و مرحوم دکتر شریعتی و بعضی از آقایان چند جلسه بسودیم و پیرامون مسائل و نیازها صحبت میکردیم در همان مواقع عده‌ایی از افراد علاقمند به تنظیم مواضع فکری اسلامی جلساتی می‌داشتند و خلاصه کارشان را در یک مجموعه‌ای تنظیم کرده بودند، و در آن مجالسی که داشتیم گاهی هم پیرامون دین بحث و صحبت میشد ولی بطور عمده با دکتر پیرامون حرکت اسلامی و جنبش اسلامی و نیازهای آن و شریعتی که در جنبش در آن موقع داشت و همچنین آینده جنبش گفتگو میکردیم بهرحال جلسات خوب و سودمندی بود. از آن به بعد باز جلسات گفتگو بحث بسود مخصوصاً زمانی که دکتر به تهران آمدند و در اینجا گاهی فرصتهایی برای تبادل نظر و گفتگو پیش می‌آمد.

س: نظرتان را در مورد طرز تفکر و عقاید دکتر شریعتی بفرمائید؟

ج: این سؤال مکرر گفته شده و جواب نیز مکرراً بیان شده حالا هم همان جواب را می‌گویم، مرحوم دکتر شریعتی یک قریحه

سرشار و یک اندیشه پویا و جستجوگر و یک اندیشه ناآرام بود، اندیشه‌ایی که همواره در پی فهمیدن و شناختن بود مایه‌های اصلی این اندیشه یکی معارف اسلامی بود که دکتر در خانه پدرشان و در شهر مشهد با آنها نشنا شده بود، آشنایی بیش از یک جوان معمولی و در سطحی بالاتر، و مطالعاتی که در زمینه ادبیات و جامعه‌شناسی در رابطه با فرهنگ غربی و اروپایی داشت خصوصیت دکتر این بود که هویت و اصالت خود را در این مطالعات گم نکرده بود و دچار از خود بیگانگی نگشته بود پیدا بود که در طول سالها مطالعه و تحصیل در زمینه جامعه‌شناسی و معارف غربی شیفته و دل‌باخته مطلق فرهنگ غربی نشده بود بلکه اصالت فرهنگ غنی اسلام همواره برای او جاذبه نیرومند

شریعتی یک چهره همچنان مظلوم است.

نمیشود به همین دلیل است که انتقاد میکنیم. او معتقد بود که روحانیون به آن رسالت بطور کامل عمل نمی‌کنند. بر این اعتقاد بود تا سال حدود ۵۱ و نزدیک ۵۲ از آن سال در اثر تماسهایی که دکتر شریعتی با چهره‌هایی از روحانیت و بخصوص روحانیون جوان گرفت، کلاً عقیده‌اش عوض شد. یعنی ایشان در سال ۵۴ و ۵۵ معتقد بود که اکثریت روحانیون به آن رسالت عمل می‌کنند و لذا در این اوایل عمر دکتر شریعتی نه فقط معتقد بود به روحانیت، بلکه معتقد بود که اکثریت روحانیت در خط عمل به همان رسالتی هستند که بزودش روحانیت واقفا هست.

البته باروخوانی که می‌فهمید که در آن خط نیستند با آنها خوب نبود. و شخصاً به امام خمینی بسیار علاقمند و ارادتمند بود. **س: گروه‌های چپ و شبه چپ امروز سعی می‌کنند شریعتی را قلمرو و پیشوای خود معرفی کنند از طرفی گروه‌های سیاسیون سرپرست او به اصطلاح رایج لیبرال نیز شریعتی را مسلک طلق خود می‌دانند. آیا شما می‌توانید مشکلی که از این دوادعا حاصل می‌شود را حل کنید.**

شریعتی و چپ‌ها
ج: مشکل را خود این دو ادعا حل می‌کند. زیرا که هر کدامی دیگری را تسخیر می‌کند. و بنابراین نتیجه می‌گیریم نه ملک طلق لیبرالیست و نه قطب و محور چپ‌ها و شبه چپ‌ها. اما در مورد چپ‌ها باید بگویم صریحاً و قاطعاً شریعتی جزو شدیدی‌ترین و قاطع‌ترین عناصر ضد چپ و ضد مارکسیسم بود. آن روزی که مجاهدین تفسیر ایدئولوژی دادند و کتاب مواضع ایدئولوژیک تازه‌شان چاپ شد و در اختیار این آن قرار گرفت، که هم من دیده بودم هم مرحوم دکتر جلسای داشتیم در مشهد یک نفری از مواضع جدید مجاهدین که مارکسیستی بود دفاع می‌کرد شریعتی آن شخص را آنچنان کوبید در آن جلسه که برای من هم حتی تعجب آور بود، که شریعتی اینقدر ضد چپ است و شما آثار را باز کنید، مقابله و مخالفت او را با اندیشه چپ و مارکسیستی و اصول تعلیمات مارکسیستی ببینید. بنابراین هر کس و هر چه گزائی (اگر چه زیر نام اسلام) اگر امروز شریعتی را از خودش بداند یقیناً گزافه‌ای بیش نگفته است. همچنین مجاهدین که امروز طرفداری از دکتر شریعتی می‌کنند، اینها در سال ۵۱ و ۵۲ جزو سخت‌ترین مخالفین شریعتی بودند. خوب امروز بطور می‌توانند شریعتی را قلمرو خودشان بدانند.

راستی‌ها
امالیها، البته عده‌ای از عناصر وابسته به نهضت آزادی یا عناصر سیاسی میانه، که خیلی اهل

بقیه از صفحه ۱۳
بکلی، که گفت این غلط است. دوم انبساط همین روحانیت موجود بکلی، که هیچ تغییری در او وارد نکنیم، این هم که خوب غلط است. سوم اینکه تسبیل کنیم روحانیت را باز بکلی، یعنی این روحانیت را کلاً برداریم یک روحانیت دیگر جای او بگذاریم، با شرایط لازم. تا این شق سوم را گفتیم شریعتی ناگهان گفت: اوه، اوه، این از همه بدتر است توجه میکنید؛ گفت این از همه بدتر است. از همه خطرناکتر است، این از همه استعماری‌تر است و رسیدیم به نظر چهارم که آن اصلاح روحانیت موجود بود. گفت: گفت بله این نظر خوبی است.

شریعتی برخلاف آنچه گفته میشود در باره او و هنوز هم عده‌ای خیال میکنند نه فقط ضد روحانی نبود بلکه عمیقاً مومن، و معتقد به رسالت روحانیت بود. و فرق بگذاریم بین روابط او با روحانیت روابط او با روحانیون نسبت به روابط او با روحانیت همان چیزی است که گفتم، او میگفت که روحانیت یک ضرورت است، یک نهاد اصیل و عمیق و غیرقابل خدشه است، و اگر کسی با او مخالفت بکند یقیناً از یک آبخشور استعماری تغذیه میشود. اینها اعتقادات او بود در این هیچ شک نکنید این از چیزهایی بود که جز معارف قطعی شریعتی بود اما در مورد روحانیت او تصورش این بود که روحانیون به رسالتی که روحانیت دارد بطور کامل عمل نمی‌کنند.

با آل احمد در مشهد
باز در اینجا هم یک خاطره نقل کنم برای شما در سال ۴۷ یعنی سال آخر عمر جلال آل احمد، مرحوم آل احمد آمد مشهد، یک جلسه مشترکی داشتیم، من بودم، آل احمد بود، مرحوم شریعتی بود و عده‌ای هم از دوستان مشهدی ما بودند. بحث درباره روحانیون شد، بمناسبت حضور من در جلسه شاید هر کس یک چیزی میگفت شریعتی یک مقداری انتقاد کرد مرحوم آل احمد به شریعتی گفت شما چرا (البته با تعبیر حوزه علمیه میگفتند نه روحانیت) از حوزه علمیه اینقدر انتقاد می‌کنی با از روشنفکران خودمان انتقاد کن، و یک دوسه جمله درباره انتقاد و ترمض به روشنفکران مرحوم آل احمد گفت، مرحوم دکتر شریعتی پاسخی داد که از آن پاسخ هم میشود درست نقطه نظر او را نسبت به روحانیت و روحانیون فهمید.
او گفت علت اینکه من از روحانیت انتقاد میکنم، از حوزه علمیه انتقاد میکنم این است که ما از حوزه علمیه انتظار و توقع داریم از روشنفکر جماعت، هیچ نسومی نداریم، نهادی که ولادتش در آغوش فرهنگ غربی بوده، این چیزی نیست که مادر او انتظاری داشته باشیم. اما روحانیت که یک نهاد اصیلی هست از او ما زیاد انتظارات داریم و چون آن انتظارات عمل



دکتر می گفت:

بقیه رصفه ناله‌های شرقی
..... بدین صورت جامعه‌های غیر اروپایی بوسیله جامعه‌های اروپایی الینه شدند، یعنی از خود بیگانه شدند، یعنی دیگر تحصیلکرده یاروشن‌فکر جامعه متری، مثل شرقی حس نمی‌کند، مثل شرقی ناله نمی‌کند، مثل شرقی آرزو ندارد، متناسب با ادراک‌های جامعه خودش درد نمی‌کشد، بلکه رنجها، دردها، احساسها و نیازهای یک اروپایی را که در سرحد سرمایه‌داری و بر خور داری کمال مادی بسر می‌برد احساس می‌کند.

حجره‌ها

* بزرگترین پایگاهی که میتوان امیدوار آن بود که توده ما را آگاه کند، اسلام راستین را بانان ارائه دهد، در بیداری افکار عمومی و بخصوص متن توده ما نقش موثر و نجات بخشی را ایفا کند و در احیاء روح اسلام و ایجاد نهضت آگاهی دهنده و حرکت بخشنده اسلامی، عامل نیرومند و مقتدری باشد. همین «طلبه» و «حوره» و حجره‌های سنگ و تاریکی است که درون آنها سید جمال‌الدین بیرون آمده است و می‌آید.

روحانیت

* اول گفتند با ولایت مخالف است بعد که دیدند یک میلیون نسخه کتاب و نوار از من در باره ولایت در دسترس مردم قرار گرفته گفتند با روحانیت مخالف است. در این باره عرض می‌کنم که من در طول این مدتی که می‌توانستم در هر سطحی چه در اروپا و چه در اینجا کار کنم، حرف بزنم و خدمتی انجام دهم همیشه قویترین مومنانترین و متعصبانهترین دفاع را از روحانیت راستین و مسترقی از جامعه علمی درست و اصیل اسلامی کرده‌ام.

غریب‌دگی چپ

* فاجعه غریب‌دگی و تقلید ناآگاه از غربی شامل حال روشنفکران «انقلابی» و چپ‌گرای ما نیز می‌شود. و اینگونه غریب‌دگی فاجعه آمیزتر و ریشه براندازتر بیماری آن گروه فرنگی ماب بی‌دفاع تو خالی و خوش زرق و برق و در یک کلمه «مصرف کننده مدرن است...»

* همانطور که تحصیلکرده‌های ما برای تحصیل به اروپا می‌روند و دکتر و مهندس و جراح پلاستیک و زمین شناس و... باز می‌گردند، روشنفکران ما نیز بصورت سوسیالیست و فاشیست و آگزیستانسیالیست و مارکسیست و رادیکالیست در می‌آیند و در جامعه مشغول کار می‌شوند. بقیه رصفه ۱۷

دکتر بهشتی:

* مرحوم دکتر شریعتی یک قریحه سرشار و یک اندیشه پویا و جستجوگر و ناآرام بود

* با توجه به اینکه دکتر در زمینه‌های ادبیات، جامعه‌شناسی و فرهنگ غرب مطالعاتی داشت اما هویت و اصالت خود را در این مطالعات گم نکرده بود و دچار از خود بیگانگی نگشته بود.

* مسلم است که یک استعداد سرشار و قریحه توانا در یک چنین حرکت و پویایی سازنده خودبخود درباره مسائل مختلف نظر می‌دهد.

گفتارش مشهود است، براساس علاقمند بود به اینکه دور از تاثیر فرهنگ غرب و شرق در این سرزمین ما یک جنبش و انقلاب اصیل در پرتو اسلام و براساس تعالیم اسلام بوجود بیاید و به این کار سخت عشق می‌ورزید و علاقه داشت و به نسل جوان بسیاری بهیاد داد و بارنج و درد نسل جوان خوب آشنا بود و میتوانست بسیار آراسته و آرزوها و رنجها و دردهای آنها باشد و به هر حال یک سرمایه ارزنده بود البته همانطور که گفته دکتريک پویانده و جویانده بود که در راه پویایی و جویانیش در برداشتهای اسلامی و اجتماعیش در مواردی اشتباهات قابل ملاحظه‌ی داشت و لازم است در رابطه با خواندن آثار دکتر به این نکات توجه شود.

س: نقش دکتر علی شریعتی در انقلاب اسلامی چه بود

ج: دکتر در طول چندسال حساس، هیجان مونی در جو اسلامی و انقلاب اسلامی بوجود آورد، و در جذب نیروهای جوان درس خوانده و پر شور و پراحساس بسوی اسلام اصیل نقش سازنده‌ی داشت و دل‌های زیادی را با انقلاب اسلامی همراه کرد و باید این انقلاب و جامعه قدر دان این نقش موثر باشد.

س: بعنوان آخرین سؤال بفرمائید که نظر مجاهدین خلق در زمان دکتر شریعتی چه بود

ج: آن موقع‌ها مکرراً این جوانهایی که با مجاهدین ارتباط داشتند می‌آمدند و از کار حسینیه ارشاد و افکار دکتر شریعتی انتقاد میکردند و میگفتند که این یک جریان است که مخالفین انقلاب اسلامی بوجود آورده‌اند تا از گرایش جوانها به انقلاب و قیام مسلحانه که تز مجاهدین و فدائیان خلق بود جلوگیری کنند و بکاهدند بنابراین از نظر اصولشان و برطبق نظراتشان نسبت به کار دکتر و آن برنامه‌ها نظر مخالف داشتند و آنها دکتر را یک نوع حرکت انحرافی تلقی میکردند این آن مقدار بود که جوانهایی از آنها که می‌آمدند پیش ما، اظهار میکردند.

میشود حالا او از هر کس سخن گفته من میخواهم بگویم که در تاریخ فقهان، فقهای برجستایی داریم که آنها نیز دارای ذهن نقاد و پدیدده ایسی سرشار، اندیشه‌ای پویا بوده‌اند علامه حلی و شیخ طوسی اینها دو فقیه

معروف هستند و هر دو دارای کتابهای فراوان و ما می‌بینیم که در مورد یک مسئله فقهی، علامه حلی در کتابهای مختلف، فتاوی گوناگون دارد یعنی اندیشه‌اش پویاست و عجیب این است که گاهی در یک کتاب فقهی یک مسئله‌ای بر حسب نیاز در دو جا مطرح شده، یک بار در آغاز آن کتاب و یک بار در پایان آن کتاب، و علامه تا کتاب ۱۲ به آخر نرسانده دارای یک برداشت جدید میشده و در باره همان مسئله در پایان کتاب در اواخر کتاب یک فتاوی جدید میدهد این ویژگی اندیشه‌های پویا و پرتوان است و دکتر اندیشه‌ای پویا و پرتوان داشت و از آنچه در رابطه با دکتر میتوانم بگویم دو نکته است یکی اینکه بر حسب برخوردی که داشتیم و نسا حدی که شنیده و یا نوشته‌هایش را خواندیم، دکتر همواره رو به

گذاران با روح حج که امامت حسینی باشد تجدید عهد می‌کند یعنی سال قبل بنظرش میرسید که این کار نابجاست حالا سال بعد بنظرش میرسد که نه تنها بحاست بلکه ضرورت حفظ محتوای راستین حج است و در این رابطه است که یک سخنرانی می‌نماید که بصورت این کتاب منتشر میشود یعنی چگونه باید همیشه بیاد حسین و حسینیان بود.

یک اندیشه پویا و جستجوگر همیشه از این گردشها و چرخشهای ۱۸۰ درجه‌ای دارد و دکتر شریعتی یک چنین اندیشه‌هایی بود در رابطه با مسائل بسیار هوش یکبار درباره مارکس بگوید که وقتی می‌گویند مارکس چه گفت، بگویند مارکس چه سال، مارکس انقیست سال AEA یک سال ۸۷۰ یا بعد، این در ذهن و اندیشه‌اش بود توجه داشته که برای انسانهای جستجوگر در رابطه با مسائل مختلف در طول زمان نظرات مختلف پیدا

شتی در چهارمین سالگرد شهادت دکتر شریعتی

مالت اسلامی پیش می‌رفت

وقتی حرفهای مستند و منطقی از افرادی که صاحب نظر بودند می‌شنید و گوش میداد و می‌پذیرفت بشرط آنکه آن طرف در آن سطح و در آن حد از قدرت فکری و قدرت تحلیلی باشند که بتوانند مشکلی را برای او بکشایند و مطلبی را برایش باز نمایند.

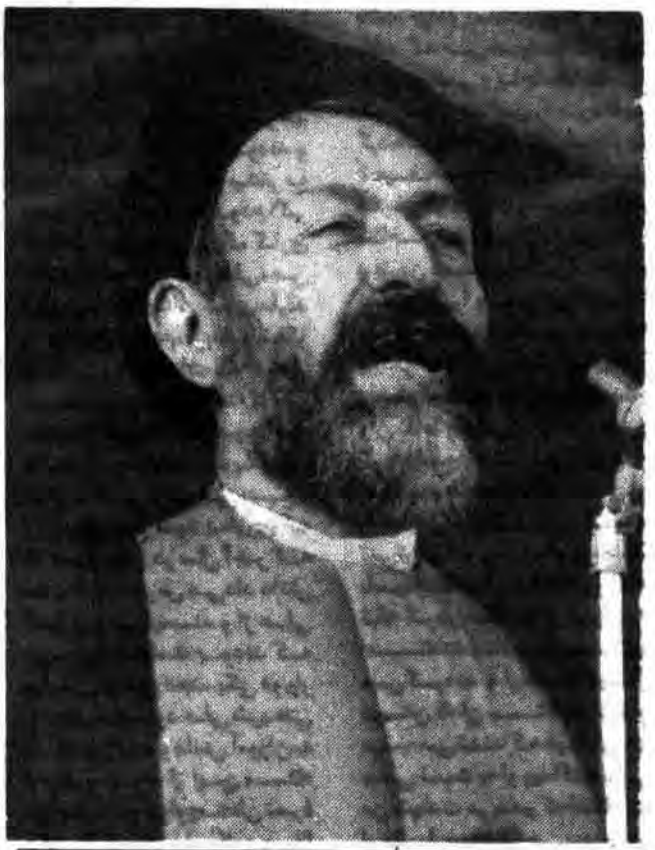
س: نظر روحانیت مبارز از دیر باز نسبت به دکتر شریعتی چه بوده است

ج: نظر روحانیون در مورد دکتر به چند دسته بود یک دسته کسانی که دکتر را بعنوان یک تحصیلکرده و روشنفکر در خط دفاع از اسلام میدانستند و او را ارج می‌نهادند و کار او را خدمت میدانستند دسته دیگر کسانی که بدلیل اشتباهات قابل ملاحظه‌ای که در برداشتهای اسلامی دکتر بود و در عین آنکه کار او را ارج می‌نهادند.

سخت انتقاد میکردند اما انتقادی منصفانه و سازنده، یک دسته هم کسانی بودند که چون ازدور یاد کتر برخورد می‌کردند نسبت به او آن بینش گروه اول و دوم را نداشتند بطوریکه در روحانیون مبارز نیز در رابطه با دکتر برداشتهای گوناگون بود.

س: ویژگی‌های دکتر شریعتی در چه چیزهایی بود

ج: دکتر مردی سخت‌کوش، پرتلاش و پرکار و پراحساس و یک انسان براساسی هنرمند بود، و این جنبه هنری در قلمش و نوشته‌هایش بخوبی مشهود است، یک اندیشه پرچشم بود و این جنبه‌ها بخوبی در نوشته‌ها و



* برخلاف شایعات هنگامیکه حرفهای مستند و منطقی از افراد صاحب نظر می‌شنید، می‌پذیرفت
* دکتر مردی سخت‌کوش، پرتلاش، پرکار و پراحساس و یک انسان براساسی هنرمند بود.
* او بسیار مایل بود که دور از تاثیر فرهنگ غرب و شرق در این سرزمین جنبشی انقلابی و اصیل در پرتو تعالیم اسلام انجام گیرد.

اندیشه‌ها و تفکرات شهید دکتر علی شریعتی، مردی که اعجاب جهانیان را برانگیخته است مسائل منهجی را به همراه دارد او نه تنها فیلسوف، نویسنده و خطیبی کم نظیر بود بلکه شاعر، هنرمند و عارفی چیره دست بحساب می‌آید. آنچه مسلم است زندگی اندک او توانست روحی در کالبد جامعه‌های خمسود و ایستابدمد و زمیتهای برای آغاز انقلاب اسلامی ایران فراهم آورد.

از او سخن گفتن بسیار است اما بهتر این است که هم‌زمان و هم‌سنگران او در پاره تفکرات و اندیشه‌ها و نیز خاطراتشان با دکتر سخن گویند.

در این رابطه گزارشگر ما با تکی چند از شخصیتها مصاحبه‌های انجام داده است که نظر شما را به حاصل این گفتگوها جلب می‌کنیم:

فخرالدین حجازی

در تفکرات و نقش اندیشه‌های رسا و روشن و انقلابی شهید دکتر علی شریعتی پیش از آنکه بخواهیم استدلال کنیم باید به عینیات توجه نماییم. در مسافرتهایی که در خارج از کشور رفتم موج تبلیغات مسادیت و ماتریالیزم همه جهان را فرا گرفته. اگر اندیشه‌های مرحوم دکتر شریعتی و کتابهای ایشان نمی بود مسلماً کمونیزم پیروزیهای بزرگی از لحاظ بخش اندیشه بدست آورده بود. تنها

سدی که در برابر تبلیغات مادیگری وجود آمد گذار مستقل و علمی مرحوم دکتر و کتابها و جزوه‌ها و سخنرانیهای ایشان بود که اسلام را شناساند و مبارزاتی همیق در دو جناح، هم جناح امپریالیسم سرمایعداری و هم جناح کمونیزم ماتریالیسم بوجود آورد و اکنون خوشبختانه جوانان مسلمان درسراسر جهان به اسلام گرایش دارند و گرایش شدید نسبت به این آئین گرانبها از خودشان نشان می‌دهند، نوشته‌های ایشان ثابت کرد که کمونیزم نه تنها نمی‌تواند یک مکتب رهائی بخش باشد بلکه ارزشها و کرامتهای انسانی را مسخ و نابود میکند ما امیدواریم که توجهی عمیق‌تر به نگارشهای این اندیشمند اسلامی بشود تا جوانان ما بتوانند تغذیه فکری کاملی داشته باشند البته استاد بزرگتری نیز بودند که توانستند حقایق را تشریح کنند مانند مرحوم آیتا...

طالقانی و شهید مرتضی مطهری که آنها نیز از مرحوم دکتر شریعتی سبقتی بیشتر در سابق بخش فکری داشتند ما وجود این آقایان را برای اسلام ارزنده می‌دانستیم و امیدواریم جامعه‌سسه اسلامی بتواند چنین اساتیدی پازهم بهروراند تا در مقابل مکاتب کفر و الحاد ایستادگی کنند، من خاطراتی فراوان با ایشان داشتم، خوشبختانه توفیق بنده این بوده که سالها با ایشان هم‌مدرس بودم و در یک شهر می‌زیستیم. و این خاطرات را در هفته نامه فرهنگی جمهوری اسلامی در سال گذشته با عکسهای بی‌سابقهای که با ایشان داشتم منتشر کرده‌ام که فوق‌العاده شیرین بوده و ولی

بهترین خاطراتی که با ایشان داشتم، مدت‌ها بوده که ایشان در خانه من که در مشهد تنها زندگی میکردم بودند حتی شبها تا صبح و صبحها تا شب مدام، من از ایشان کوچکترین خلاف اخلاق و ترک اولی ندیده‌ام، در دوران جوانیشان هم پارسا و هم پاکدامن بوده‌اند و شبها را به مطالعه می‌پرداختند و اگر پاکی و صفای روحشان نبود هرگز چنین آثار ارزنده‌ای از ایشان به وجود نمی‌آمد، اما بهترین خاطرات را با ایشان در سفر حج داشتم که در خدمت ایشان گاهی

خودشان پس از تحقیق برگشته‌اند. مسائلی که از جمله در آن کتاب اسلام شناسی آن اول ایشان یادداشت کرده بود مثلاً در مورد شورا مسئله ای که عنوان کرده بود که با تشیع سازگار نبود (راجع به تعیین خلیفه) خیلی صریح مغایر با اعتقادات شیعه است ولی مجدداً یک شی که با ایشان بحث مفصلی داشتیم و پدرشان حضور داشتند و بدنبالش میزگردی در حسینیه ارشاد تشکیل شد از نظر قبلیشان برگشتند و اظهار کردند که اصل شورا را قبول داریم

ایشان آشنا بودم خواستم که برای نقد و بررسی کتابهای ایشان گروهی از دانشمندان راسعین نمایند همچنانکه خود ایشان به این کار اعتقاد داشتند و اگر این کار انجام شود و یک نقد و بررسی دقیقی در کتابهای دکتر انجام شود قطعاً بسیار مفید تر خواهد بود.

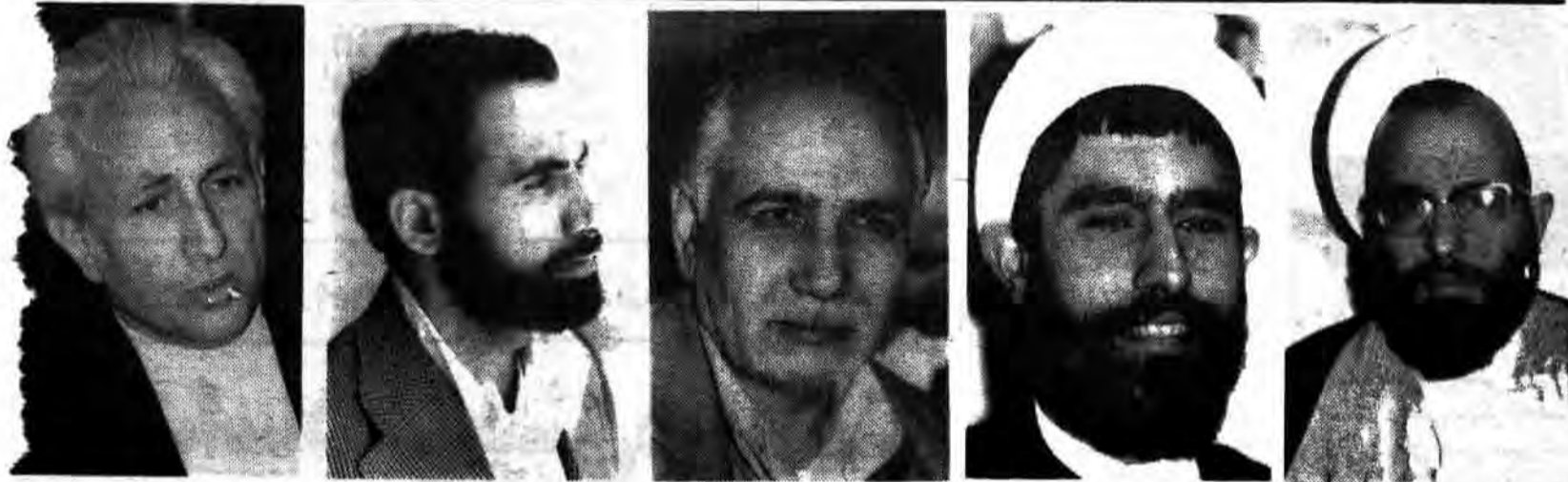
حجت الاسلام معادینخواه
بسم الله الرحمن الرحیم، مجموعه آثار مرحوم شریعتی از دیدگاه من مثبت بوده و حتی موثر در انقلاب اسلامی ایران، اما در این مجموعه تفکرات و آثار

خود خواهی وجاه طلبی و غیره بود اگر خدای نخواست مسائل دیگری در ذهن بیاید خوب دیگر باید به خدا پناه برد.

دکتر عباس شیبانی
بسم الله الرحمن الرحیم، آشنائی من با دکتر علی شریعتی در زمانی بود که مرا بخاطر فعالیت در دانشگاه در زمان اقبال به مشهد تبعید کردند آنجا در خدمت پدرشان و سایر دوستانی که فعالیت اسلامی داشتند بودیم و از آن موقع شناسائی ما ادامه پیدا کرد. سال بعد که عده‌ای از افراد نهضت مقاومت را که از

جدید نفوذ کلام بسیار داشت به همین دلیل، توده‌هایی از او بسیار بدشان می‌آمد و بطرق مختلف آثار او را تحریم می‌کردند و می‌کوبیدند. بارها که در سخنرانی‌های او و پدرش شرکت می‌کردم احساس می‌کردم که آن اعتقاد قلبیش را به ائمه و آن دلسوختگی که در مورد سرنوشتی که برای ائمه پیش آمده بود از ته دل بیان می‌کند و نسبت به آن اعتقاد دارد و در کتابها و نوشته‌های این نکات بخوبی نمایان است البته ممکن است که در بعضی

اندیشه‌های شریعتی و شخص



کوهها بیابانهای مکه و مدینه را می‌گشتم و ایشان با کجاست خاصی که داشتند بسیاری از اماکن و مراکز اسلامی را که بوسیله رژیم سعودی محو شده بود پیدا می‌کردند و من انتظار دارم که آن مراکز شناسائی شوند و ما از دولت سعودی بخواهیم که آن مراکز را که در حال نابودی هستند احیا گردد و اگر رژیم ملک خالد که به هدم آثار اسلامی پرداخته، بخواهد همچنان در کار خود پافشاری و اصرار ورزد باید کشورهای اسلامی به او اعلام کنند که مکه و مدینه خاص یک دولت نیست بلکه قبله‌گاه هزارمیلیون مسلمان است و او حق ندارد این چنین آثار عظیم را نابود کند و ما باید به نوشته‌های مرحوم دکتر مراجعه کنیم و این محلها را بازشناسایی و احیا کنیم که هر کدام تاریخ گویا و سند عینی وزندهای است برای افتخارات اسلام.

حجت الاسلام محلاتی

بسم الله الرحمن الرحیم، مرحوم دکتر شریعتی حقیقتاً از نظر فکری دارای نبوغ بود و یک خصوصیتی که او داشت این بود که در تمام قسمتها از معارف اسلامی و جامعه شناسی و بخشهای دیگر وارد شده بود اگر چه در یک رشته خاصی غیر از جامعه شناسی می‌توان گفت که به تخصص نرسیده بود ولی در همه علوم وارد شده بود و برای خودش نظر قائل بود البته ما در پاره هیچ محقق نمی‌توانیم بگوئیم که تحقیقاتش صحیح و مطابق با واقع و اصولاً بدون خطاست کمالاتی که در مورد ایشان هم، همین مسئله صادق است، اشتباه از ناحیه ایشان وجود دارد و حتی بعضی از مسائلی را

ولی اصلی مقدم بر آن است که آن اصل وصایت (وصیت پیغمبر اسلام) است و آن مقدم بر اصل شورا است و خود ایشان از آن نظریه ایی که قبلاً داده بودند برگشت و از این قبیل مسائل که البته اشتباهاتی دارند خدماتی بسیار و ارزنده در رابطه با نسل جوان به اسلام کرده‌اند که این گروه را به اسلام سوق دادند، البته اصطلاحاتی از ایشان متداول است که بعضی از جوانان اشتباه بکار می‌برند مثلاً از جملات ایشان زر و زور و تزویر هست یا ملک و مالک و ملا، در اینکه بطور کلی اینها غلط است بگوئیم، ملک یعنی شاه و اصلاً شاه در اسلام نداریم، ولی ملک و ملا نمی‌شود بطور کلی گفت اشتباه است نه، مالکی داریم که مالکیت

ایشان یک نقاط ضعف قابل ملاحظه‌ای هم وجود داشت که خود ایشان متوجه این اشکالات شده بودند و وصیت هم کرده بودند که جمعی این اشکالات آثار را بررسی کنند و آن نقاط ضعف را مورد رسیدگی قرار دهند. متأسفانه این وصیت هنوز عمل نشده امیدواریم آنهایی که این وصیت بهشان شده خصوصاً برادران آقای محمد رضا حکیمی که اسمشان بخصوص در این رابطه برده شده فرصتی نمایند و این کار را انجام دهند، خاطراتی هم از ایشان دارم، مسئله هر کدام از این خاطرات بسیار مفصل است و در حوصله این گفتگو نیست، آخرین باری که از زندان آزاد شده بودیم در یک جلسه‌ای در آخرین دیدار و ملاقاتی که با ایشان داشتم بحثی درباره شهادت بر سر این موضوع مطرح شد که آیا می‌تواند به فردی که در غیر مسیر توحید خونی ریخته شده ولو طرفش باطل بوده شهید اطلاق کرد، بحث طولانی شد شاید حدود دو ساعت بود، بالاخره در مجموع ایشان گفتند به نظر من هم در اسلام شهید نمی‌تواند به کسی اطلاق شود که در غیر راه توحید خونی ریخته شده باشد من در پایان این گفتگو عرض میکنم که اشکال عمدایی که در جریان تفکرات و مبارزات و اندیشه‌های مرحوم دکتر شریعتی بود مستولان نا صالح ایشان از قبیل میناچی و امثالهم بود که اینها بلا تشبیه همانند امامزاده‌هایی که برای سو استفاده دوریک نفر جمع میشوند سعی میکردند تا پایگاهی برای یک اغراضی بوجود آورند که اگر خیلی خوشبین باشیم و حمل بر صحت کنیم باید بگوئیم که

تهران و مشهد دستگیر کردند من را نیز همراه آنها گرفتند و با هوپیمما به تهران آوردند در زندان هم، سلول من روبروی سلول دکتر بود، پدر دکتر هم مقداری پالین تر از ما بودند و چون من تهرانی بودم و بیشتر با محیط قزل قلعه آشنا بودم اگر گهگاهی شریعتی بزرگ کاری داشتند صدا می‌زدند علی، من میفهمیدم که ایشان کاری دارند و جواب می‌دادم، از نظر تفکر اسلامی و اعتقادات به ائمه از نمونه‌های ارزنده‌ای است که من دیدم، دکتر واقفاً اعتقاد به ائمه داشت و در سایه تربیت پدرشان افکار اسلامی و فلسفی وسیع و ارزنده‌ایی پیدا نمود بطوری که در دبیرستان در سال آخر که معلم فلسفه درس می‌داد دانش آموزان نمی‌فهمند و از علی شریعتی خواسته بودند که برای ایشان توضیح دهد، یکی دو بار که معلم دیده بود علی شریعتی فلسفه می‌گوید و دانش آموزان به او راغب ترند از این مسئله ناراحت شد و موقع امتحان نمره دکتر را کم داد بطوریکه بوسیله آن نمره رد شد، شورای معلمین که می‌بینند این عمل موجب آبروریزی است بالاخره جمع می‌شوند و معلم را راضی می‌کنند تا یک نمره قبولی بدهد این یکی از خاطراتی بود که خود دکتر برای من تعریف می‌کرد، خدمتی که او به نسل جوان کرد این بود که بدلیل شناختی که او از مکاتب مختلف داشت و تخصصش که جامعه شناسی بود آن نقاط ضعفی را که در تبلیغ اسلام توسط دیگران بود و برای نسل جوان قابل پذیرش نبود، آن نکات را اصلاح می‌کرد و به زبان جوانان صحبت می‌کرد به این جهت در نسل دانشگاهی و نسل

از مواردیک دید خاصی داشته باشد، بیانش ممکن است بیانی باشد که می‌خواسته توجیه از طریق علمی و یا جامعه‌شناسی کند بعضی‌ها این را برداشت کرده‌اند که اعتقاد اتمش مقداری ضعیف است من که دوست قدیمی او هستم و نسبت به او شناخت بیشتری دارم و در زندان و بهرون نسبت به من محبت داشت این را به یقین می‌گویم که واقفاً اعتقاد او قلبی بوده بخاطر کسی البته رک گویانه‌ای داشت که بسیاری نمی‌پسندیدند و آن نقاط ضعفی را که در بعضی گروهها بود بشدت می‌کوبید و اینها سبب شده بود که بعضی او را نپذیرند، دشمنان که نمی‌توانستند روبرو او درافتند با سوء استفاده از کلماتش و تکه تکه کردن سخنانش او را به اعتقادات نادرست مستهم می‌کردند و از طرف دیگر دوستان نادان با اغلو در باره او سبب می‌شدند که دیگران هم بغضی نسبت به او پیدا کنند ولی من شهادت می‌دهم که اعتقادات او فقط بخاطر خدا بود و نوشته‌هایش اکثرراً در این مسیر است و در یک مورد که می‌خواهد درباره علمادینی صحبت کند می‌گوید پای هیچ کدام قرارداد اسارت بنامارایک آخوند امضاء نکرده بلکه این فکلهها و فرنگ رفته‌ها هستند که این قراردادها را امضاء کرده‌اند و یا در مورد اینکه می‌گوید من را متهم می‌کنند که رهبری اسام را قبول دارم و مقلد ایشان هستم این بزرگترین افتخاری است که می‌توانم داشته باشم.

فقوادی کریمی
بسم الله الرحمن الرحیم، در مورد آقای دکتر علی شریعتی من تمام آثار ایشان را مطالعه

کردم و آنزمان که مرحوم دکتر زنده بودند گاهی اوقات موفق می‌شدم که در پای سخنرانیهایشان حضور پیدا کنم. ایشان دو سفر به اهواز و خوزستان کردند خصوصا که در این دو سفر ما از ایشان پذیرائی می‌کردیم و خاطراتی که من از ایشان در اهواز دارم توابع عجیب ایشان بود، یعنی ایشان آنچنان متواضع بودند که در مقابل دانشجویان با حوصله به سخنانشان گوش فرا می‌دادند و همیشه کوشش می‌کردند که در برخورد با عموم، کوچک یا

حیثیتها



بزرگ در سلام تقدم داشته باشند و این یکی از خصوصیات اخلاقی دکتر بود. یکی دیگر از خاشراتی که از ایشان دارم طولانی کردن قنوت بود، ایشان موقعی که بنماز می‌ایستادند بخاطرم هست که قنوتشان را بسیار طولانی می‌کردند و این یکی از خصوصیات اخلاقی آقای دکتر بود دیگر از خصوصیات اخلاقی جسارت اجتهاد و تحقیق بود یعنی یک نظریه را که شاید خیلی‌ها با آن توافق داشتند و جزو مسلمیات بحساب می‌آمد ایشان درش تردید و شک علمی می‌کردند و تحقیق می‌نمودند و این روحیه تحقیق و تتبع دائمی آنچنان بود که حتی او دائما در نظریات خودش نیز شک می‌کرد و همواره در تحقیق و بررسی بود و به همین علت است که می‌بینیم آقای دکتر در اواخر عمرش در بسیاری از نظریاتشان تجدیدنظر و آنها را تکمیل کرده‌اند. یکی از مهمترین آثار و تحقیقات ایشان، تحقیقی است که در جامعه شناسی امت و امامت کرده‌اند این تحقیقشان هم از نظر جامعه‌شناسی سیاسی و هم از نظر اسلام‌شناسی یکی از تحقیقات بی‌مانند و بی‌نظیر در تحقیقات و بررسیهایی است که در جامعه شناسی امت و امامت شده است. یکی دیگر از خصلتهای ایشان بیدار کردن بعد سیاسی و اجتماعی توحید در اندیشه‌ها بود، قبل از دکتر شریعتی کمتر به ابعاد سیاسی و اجتماعی توحید توجه می‌شد و بیشتر به جنبه‌های کلامی و فلسفی و علمی توحید پرداخته می‌شد اما مرحوم دکتر با طرح مسائل جامعه‌شناسی توحید ابعاد آنرا برای مردم توضیح داد و این نقش بسیار مهمی در عمق یافتن

فتواد گریمی:
 * هنگامیکه دکتر به نماز می‌ایستاد قنوتهایش را بسیار طولانی می‌کرد.
 * از ویژگیهای دکتر بیدار کردن بعد سیاسی و اجتماعی توحید در اندیشه‌ها بود.
 * قبل از دکتر اسلام در دانشگاهها و در بین دانشجویان و اساتید غریب بود.
 * دکتر نسبت به امام یک حالت عرفانی خاصی داشت گذشته از اینکه بارها می‌گفت تمام امید ما به امام است.
دکتر موسی زرگر:
 * دکتر بجای اینکه مثل دیگران مبارزه را به طور انتزاعی ادامه دهد بر این مهم همت گذاشت که جامعه را تغییر دهد.
 * او به روشنفکران فهمانید که شما حق ندارید بدون اینکه قرآن کریم را خوانده و درک کرده باشید آنرا نفی نمائید.



حجت‌الاسلام محلاتی:
 * در باره هیچ محققى نمی‌توانیم بگوئیم که تحقیقاتش صحیح و مطابق با واقع و اصولا بدون خطاست کما اینکه در مورد ایشان هم، همین مسئله صادق است.
 * دکتر خدمات ارزنده‌ای به نسل جوان و اسلام کرده است.
 * خدمات ایشان به هیچوجه قابل انکار نیست.
فخرالدین حجازی:
 * من از ایشان کوچکترین خلاف اخلاق و ترک اولی ندیده‌ام.
 * اگر اندیشه و کتابهای دکتر شریعتی نمی‌بود مسلما کمونیزم پیروزیهای بزرگی را بدست آورده بود.
 * نوشته‌های ایشان ثابت کرد که کمونیزم نه تنها نمی‌تواند یک مکتب رهائی بخش باشد بلکه ارزشها و کرامتهای انسانی را مسخ و نابود میکند.
 * امیدوارم که توجهی عمیق‌تر به نگارشهای این اندیشمند اسلامی بشود.
 * توفیق من این بوده که سالها با ایشان همدرس بوده‌ام.
حجت‌الاسلام معادینخواه:
 * دکتر وصیت کرده بود که جمعی آثارش را مورد بررسی قرار دهند.
دکتر عباس شیبانی:
 * خدماتی که دکتر به نسل جوان کرد این بود که نقاط ضعفی را که در تبلیغ اسلام توسط دیگران بود برای نسل جوان قابل پذیرش نبود اصلاح میکرد و بازبان جوانان صحبت می‌نمود.
 * من شهادت می‌دهم که اعتقادات او فقط به خاطر خدا بود.



دکتر می‌گفت:

بقیه از صفحه ۱۵

مقلد آقا

* یک بار شنیده بود که واعظی در مشهد به منبر رفته و درباره او گفته است که: دکتر علی شریعتی مقلد آقای خمینی است با خوشحالی فراوان گفت:

حماقت این به اصطلاح واعظ روحانی را ببین، او به جای مذمت من بهترین توصیف را از من کرده است. اگر من یک میلیون تومان می‌دادم کسی حاضر می‌شد برود در ملاء عام بگوید علی شریعتی مقلد خمینی است؟ این افتخار است برای من که مقلد ایشان باشم. من غیر از ایشان چه کسی را می‌توانم به عنوان مرجع بپذیریم. آیا ما می‌توانیم مقلد او باشیم و حق داریم این نام را بر روی خود بگذاریم؟

شهادت

* شهادت مرگ تحمیل شده به قهرمان نیست، شهادت هدف است، اصالت است، یک تکامل است، یک مسئولیت بزرگ است.

* شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همه آگاهی و همیشه منطق و شعور و بیداری و بینایی خویش، خود انتخاب میکند.

چه وفادارند و پرایمان....

* دکتر علی شریعتی در یکی از کنفرانسهای عمومی دانشجویی در حسینیه ارشاد خطاب به دانشجویان درباره طلاب حوزه‌های علمیه چنین می‌گوید: به طلاب بیشتر از شما امید بسته‌ام چه عمر روشنفکری شما کوتاه است و چهار تا هفت سال بیشتر نیست و فردا که تصدیق گرفتید و جذب زندگی شدید بیدارنگ در طبقه بورژوا قرار می‌گیرید و خیالاتش از سرتان می‌پرد و اما این طلبه است که عمر مسئولیت اجتماعی با عمر حیاتش یکی است و تا مرگ مسئول افکار مردم و سرنوشت مردم می‌ماند و اگر طلبه بیدار شود که طلبه بیدار شده است این مجاهدان پاکباز راه علم و ایمان که با پولی که از مخارج یک مرغ آمریکائی کمتر است جوانی را فدای آموزش علم و دین می‌کند و در زمانی که هر دانشجویی رشته تحصیلی‌اش را براساس درآمد آینده‌اش انتخاب می‌کند وی رشته‌ای را برگزیده است که دوران طلبگیش این چنین به زهدی باور نکردنی می‌گذرد و پس از فراغ از تحصیل کوچکترین تضمینی برای تامین زندگی‌اش وجود ندارد و یکی از امتیازات معمولی دانشجویان نیز شامل حالش نیست و باین همه می‌بینیم که چه وفا دارند و پرایمان و صبور در این راه گام بر می‌دارند.

نقل از کتاب پاسخ به سوالات و انتقادات

توحید در وجدان ایمان و آوردن گمان به این اصل داشت یعنی جامعه‌ای که به توحید ایمان داشت به عمق سیاسی و اجتماعی توحید بیشتر پی برد و آنرا لمس کرد. از امتیازات دیگری که دکتر در تحقیقها و بررسی‌هایش داشت این بود که دکتر با بینش و بصیرتی که بر روی مسائل فرهنگ غرب از جمله مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم، نوسیالیسم و غیره... داشت به ریشه‌های اندیشه‌های غرب‌زدگی حمله کرد و ضربه‌هایی که دکتر به ریشه‌های غرب‌زدگی وارد کرد بسیار قابل تحسین است یکی دیگر از خدمات بزرگ دکتر به انقلاب ما که فراموش نشدنی است خدمتی است که دکتر به اسلام در سطح دانشگاه و دانشجو و استاد کرد اساسا قبل از او اسلام در دانشگاهها و در سطح دانشجویان و استادان غریب بود و استادان فکر می‌کردند که طرح و یا اعتقاد به مسائل اسلامی جنبه اصلی یا قدیمی دارد و کمتر مسئله اسلام در سطح دانشگاه بعنوان یک مسئله اجتماعی، علمی، سیاسی، طرح میشد، دین بزرگی که او بر دانشگاههای ما دارد خصوصا در انقلاب فرهنگی که اکنون ما مراحلش را طی میکنیم نقش عظیمی دارد این است که دکتر اسلام را در دانشگاهها گسترش داد و جو دانشگاهها را که اصولا جوی غرب زده یا بی تفاوت نسبت به اسلام و یا حتی جوگرایش‌های چپی یا راستی بود عوض کرد ما می‌بینیم تا سال ۴۷ که زمینه‌های انقلاب مردمی فراهم میشود و ۱۵ خرداد بوجود می‌آید در سطح دانشگاهها اسلام بعنوان یک حرکت سیاسی کمتر مطرح است و بیشتر جو سیاسی دانشگاهها را دو تپ و دو نوع طرز فکر قبضه کرده‌اند، یکی طرز فکر اندیشه‌های ملی‌گرایی و لیبرالیسم، طرفداران جبهه ملی و نهضت ملی و اندیشه‌های اینچنینی و حتی مسلمانانیکه در دانشگاه اندیشه سیاسی داشتند خودشان را مسلمان مصدق میدانستند البته بودند مسلمانهایی که اصالت اندیشه‌های اسلامی را حفظ کرده بودند و استقلال اندیشه سیاسی داشتند ولی کم بودند، جناح دوم، جناح اندیشه سیاسی سوسیالیستها و مارکسیستها بود که این دو نوع اندیشه حاکم بر اندیشه‌های سیاسی دانشگاهها بود اما بعد از سال ۴۷ انقلاب امام خمینی تحولی اساسی در دانشگاهها بوجود آورد و دانشجویان و استادان بدست به اسلام بعنوان یک اندیشه سیاسی توجه کردند در این جو و شرایط بود که ظهور دکتر شریعتی و طرح مسائل اسلام شناسی در دانشگاه مشهد و بعد در دانشگاه تهران توانست اسلام را در سطح وسیعی بعنوان یک اندیشه سیاسی مطرح کند و دانشجویان زیادی را جذب نماید از این جهت میتوانیم بگوئیم که دکتر شریعتی بعنوان یکی از مقلدین امام خمینی و یکی از پیروان راه ایشان و در حقیقت خط امام حرکتی که امام در پانزده خرداد بوجود آورد و دانشناش به دانشگاهها گسیخته شد و دانشجویان و استادان به اسلام

جنگ

طرح عملیات «فرمانده کل قوا خمینی روح خدا»



بسمه تعالی

هر روز که از جنگ میگذرد تنور استقامت و شجاعت و ایستار رزمندگان اسلام گرمتر میشود و با آنکه بهترین فرریدان اسلام در نبردهای بی‌امان کفر سیتز به خاک و خون می‌غسلند اما اسلحه‌شوران مستدافع اسلام تحرک و از جان گذشتگی خود را افزونی می‌بخشند. البته زمینه‌های شکل گرفتن چنین روحیای بر میگردد به آموزشهای مکتب رهائی بخش اسلام که خودداری سملهایی چون سرور شهیدان حضرت حسین (ع) میباشد: آنچنانکه وقتی صدام کافر میخواهد در مورد رزمندگان ملاحظه نظر کند میگوید سربازان و پاسداران امام خمینی دیوانه‌وار جنگ میکنند! پله آنها دیوانه‌وار می‌جنگند اسادایوانهای که از شوق وصال یار منجون شده است نقل میکنند که در اوایل جنگ در آن هنگام که هنوز خونین شهر سقوط نکرده بود اما شهر مرتب زیر گلوله‌های دشمن قرار داشت و تنها مسئله خون و شهادت بر منطقه حاکم بود یک روستائی برای یاری رساندن به برادران رزمنده کار و کشاورزی خود را رها کرده و به خونین شهر می‌آید وقتی به مسجد جامع شهر میرسد گروهی رومی بیند که دور هم جمع شده و در مورد اعزاز به جبهه صحبت میکنند و گروه

دیگری رامشاهده میکند که در کناری نشسته و روی کساعت مطالبی می‌نویسند جلومیرود از برادران می‌پرسد شما چکار میکنید؟ آنها جواب میدهند داریم وصیت نامه می‌نویسیم می‌پرسد وصیت نامه برای چیست یکی از برادران اورا صدامی‌زند و برایش توضیح میدهد برادر روستائی باحالت عجله از او میخواهد که برایش وصیت‌نامه بنویسد و اورا بخود به جبهه ببرند از طرف دیگر برادرانیکه وصیت‌نامه‌های خود را نوشته بودند بداخل یک حوضچه پراز آبی رفته و غسل شهادت می‌کردند روستائی که از این مسائل مطلع نبود و تنها در روستا مسئله شهادت را در عاشورای حسینی فهمیده بود آنچنان عاشق شهادت می‌شود که برای اینکار سعی میکرد هر مقدمه لازمی را انجام دهد. می‌پرسد آنها برای چی خود را می‌شویند. به او پاسخ گفته میشود آنها غسل شهادت میکنند. شتابان بسوی آب حرکت میکند و خود را در آب می‌شوید وقتی از آب بیرون می‌آید از یکی می‌پرسد آیا با این صورت غسل من درست است می‌گوید برادرم غسل شهادت را بایستی باین صورت انجام دهی روستائی، شیفته اسلام با خلوص تمام بار دیگر بیرون آب میرود،

مهم در اوضاع جنگ روح داد اول آنکه امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و قلب توفنده امت مسلمان طی حکمی در ساعت ۱۶ و ۳۴ دقیقه چهارشنبه شب آقای بی‌صدر را از فرماندهی کل برکنار کردند و دومین مطلب اینست که بدنبال صدور این حکم عملیاتی بنام «فرمانده کل قوا خمینی روح خدا» در جبهه دارخوین با انجام رسید که چگونگی پیاده شدن این طرح را بعنوان مطلب جنگ تهیه کرده‌ایم و ذیلاً می‌خوانید

مهم در اوضاع جنگ روح داد اول آنکه امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و قلب توفنده امت مسلمان طی حکمی در ساعت ۱۶ و ۳۴ دقیقه چهارشنبه شب آقای بی‌صدر را از فرماندهی کل برکنار کردند و دومین مطلب اینست که بدنبال صدور این حکم عملیاتی بنام «فرمانده کل قوا خمینی روح خدا» در جبهه دارخوین با انجام رسید که چگونگی پیاده شدن این طرح را بعنوان مطلب جنگ تهیه کرده‌ایم و ذیلاً می‌خوانید

دارای اهمیت است که تنه ارتباط تدارکاتی و راه مواصلاتی نیروهای عراقی در سمت شرق رودخانه کارون می‌باشد و بعبارت دیگر تنها ارتباط غربی و شرق رودخانه کارون است. رژیم اشغالگر صدام در قسمت شرق رودخانه کارون حدود یک لشکر نیرو مستقر کرده و این نیرو قسمت شمال آبادان، محورهای اهواز آبادان و ماهشهر را سد کرده بود. این جبهه ماهها ساکت بود و تنها در آن مبادله آتش آنها بصورت پراکنده انجام می‌شد. بالاخره بعد از مدت‌ها کوشش و

افسوس که یک جان بیشتر نداشتیم که در راه اسلام هدیه نمایم

راز وصیت نامه شهید یوسف جوادی
وصیت نامه شهید یوسف جوادی بسیار است...
درود به روان پاک امام امت، رهبر مستضعفین جهان، رهبر دردمندان و مصیبت دیدگان، رهبر زحمتکشان و رنجبران و مظلومین جهان، چرا که این طبقه دل به او بستند و امیدوارند که رهبری او به رهبری و قیام حضرت امام زمان مهدی موعود متصل گردد. (انشاء...)
بارالها از تو خواهیم با کمک این ملت شیور و مسلمان انقلاب اسلامیمان به رهبری ناگلب امام زمان پرچمش فراتر مرزها رودندای اسلام و اسلام محمدی سراسر منطقه را فرا گیرد، و نمونه‌ای از حکومت علی، در این منطقه استقرار یابد.
بارالها خدایا، مستضعفین جهان را بر مستکبرین پیروز فرما و مستضعفین خود سرنوشتشان

را بدست گیرند. حضرت بار تعالی وضعیت ما را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود تصمیم بگیریم و اراده کنیم با عزمی راسخ و استوار راه علی و صراط مستقیم را انتخاب نمایم.
خدایا ما را در برقراری و پابرجا شدن راه علی کمک کن. افسوس که من بیشتر از یک جان در کالبدم وجود ندارم که بتوانم با ایثار و از خود گذشتگی اسلام عزیز را پاری نمایم.
خدایا من را ببخش اگر خدای ناکرده حرفی را بر علیه اسلام، قدسی را بر علیه اسلام برداشتم چرا که از جهل و کوتاهی بینی من بوده است.
خدایا پروردگارا من به خود میبالم که سرباز اسلام هستم، سرباز امام زمان و در ارتش حکومت اسلامی خدمتگزارم.
بارالها مرگ و شهادت من را در راه خودت قرار بده.
بارالها مرا برای کمک به

اهتراز در آوردن پرچم مهدی، پرچم مستضعفین جهان یاری فرما. خدایا شهادت مرا جزه شهادی صدر اسلام ثبت بسنما، جرو شهیدان زمان حضرت ختمی شریعت که اکمل موجودات، افضل انسانها، اشرف مخلوقات است قرار ده.
افسوس که یک جان بیشتر نداشتیم که در راه ناگلب امام زمان که راه اسلام که راه برپا شدن حق و عدالت است هدیه نمایم.
خدایا تشکر میکنم که تو این نعمت را به من دادی که بتوانم در برابر تو در راه اهداف حکومت اسلامی لذتها و محبت‌های دنیوی را فراموش کنم و فقط راه تو را در نظر داشته باشم.
خدایا من هرچه از تو خواستم در زندگی به من عطا فرمودی حتی شهادت در راه خودت را از من دریغ نسودی من چطور بتوانم از عهده شکر تو برآیم.
پدر عزیزم میدانم که محبت

من در دل تو بسیار است و رفیع و اندوه از دست رفتن من برایت سنگین است. ولی در راه |
و در راه به ثمر رسیدن حکومت اسلامی بسی ناچیز است و از درگاه خداوند شما باید تشکر کنی که این نعمت را بر شما ارزانی داشته و شما را از این ثواب برخوردار گردانیده است، پدر عزیزم تو را به حضرت بار تعالی سوگند میدهم که مرا فراموش کن و مبادا خدای ناکرده گریه کنی و اجر و منزلت خود را در برابر حضرت پروردگار از میان ببری، پدر عزیزم از تو تشکر میکنم که همواره از کوچکی برای اینکه انسان شوم مرا ترغیب و تشویق نمودی من از شما تشکر میکنم که در راه به انجام رسیدن مسواهب و بخششهای حضرت پروردگار مرا یاری دادی.
مادر عزیزم همچون پدر دلبندم میدانم که غم از دست دادن فرزند برای مادر بسیار مشکل و دشوار است. اگر چه من بگویم مادر مرا فراموش کن. ولی

میدانم که این امر برای مادر امکان پذیر نمی‌باشد ولی مادر عزیزم عمر دنیا کوتاه است بالاخره آدمی یگروز آمده و یگروز هم از دنیا می‌رود چه بهتر که مرگ و شهادت انسان در راه... باشد مادر عزیزم از زحماتی که در مدت بیست و اندی از عمر من کشیدی تشکر می‌کنم و از خدای بار تعالی خواهانم اجر و منزلت در بهشت خداوند به شما عنایت فرماید پدر و مادر عزیزم اگر در زندگی خدای ناکرده از من قصوری و یایی حرمتی نسبت به شما داشتام مرا ببخشید و اطمینان راسخ دارم که از روی قصور عقل و نادانی من بوده است.
داداش محسن و داداش حاتم میخوام مسئولیت مال و اموال خودم رابه شما واگذار نمایم. خیلی عذر میخوام که این مسئولیت را به شما واگذار می‌کنم. میدانم که این مسئلهای است خطیر و مهم، حسن جان از تو میخوام سهم کامل من را با ناصر مشخص نمائی و پس

از مشخص کردن آن سرمایه اصلی من را که در حدود یکصد هزار تومان است به ناصر میدهم. و پس از کسر بدهکارها و مسترد داشتن طلبها ۱/۲ کار کرد. (سهم امام) و ۱/۴ کار کرد رابطور جدا گانه به دفتر امام میدهم. دوست ندارم غیر از دفتر امام به جای دیگری واریز نمائی (در صورت عدم اجرای این عمل میتوانی سهم امام و ۱/۴ پول را به حساب حضرت آیت... منتظری واریز نمائی و رسیدن آن راه ایشان دهید)
داداش محسن و داداش حسن امیدوارم در این مسندت یکسال و اندی که من درمنازه شما بودم کمال سپاس و تشکر از شما دارم و امیدوارم که از این بهایت از من راضی باشید و از خدای خوام همواره شما را در انجام امور خیرباری دهد. برادر عزیز من کوچکتر از آنم که بتوانم مسئلهای رابه شما تذکر بدهم. ولی داداش در زندگی هرچه قدر میتوانی انصاف کن، چرا که عمر آدمی کوتاه است

گفتگو با یکی از خلبانان هوانیروز

برادر ایرج میرزایی یکی از خلبانان هوانیروز که در جبهه‌های غرب مشغول دفاع از جمهوری اسلامی است در یک گفتگوی کوتاه در مورد عملیات رزمندگان اسلام در پیکار علیه کفر چنین اظهار داشت:

طی چند روز گذشته که عملیاتی در منطقه داشتیم چند پرواز بر بالای سنگرهای دشمن انجام دادیم. که با کمک دیگر برادران خلبان هوانیروز توانستیم دشمن را در تنگنا قرار بدهیم. در این مأموریتها بزرگترین انبار مهمات دشمن را با تیش کشیدیم که ساعتها در حال سوختن بود. خلبانان هوانیروز با عملیات زیبا و ظریف خود ارتش بعث عراق را در جبهه‌ها گیج می‌کنند بهره حال تا زمانیکه خون در رگ ماست نمی‌گذاریم آب خوشی از گلولی اشغالگران یعنی پائین برود. صدام خیال می‌کند سپاه یازدهای گروهها در بعضی از شهرهای کشورمان میتوانند روحیه مردم شهید پرور ایران را تضعیف کند در صورتیکه ملت ما بهتر تشخیص میدهند که هر لحظه تظاهراتیکه در شهرها و خیابانها برپا می‌شود در رابطه با شکست ابر قدرتها و نوکران صدام می‌باشد.

وی در پایان گفت در جبهه‌های نبرد مکتب عامل اصلی پیروزی ما می‌باشد.

از پشت جبهه چه خبر؟...

بیش از ۸ ماه از جنگ تحمیلی که از سوی رژیم مزدور و کافر بعث عراق بر ما تحمیل شده، میگذرد، جنگی که حق در یک سو و باطل در سوی دیگر قرار دارد. امت مسلمان ایران که با وحدت خود توانست نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله و رژیم وابسته به امپریالیزم راپس از ۵۰ سال سلطنت جابرانه سرنگون سازند، پس از پیروزی انقلاب دست بدست هم داده و در جهت سازندگی برای تداوم این انقلاب الهی گام برداشتند ولی مستکبران جهانی که این انقلاب را خطری مستقیم برای خود میدانند توسطهای خود راداراناه مختلف به مرحله اجرا درآوردند. این مکر وحیله‌ها و بافرایش سطح آگاهی سیاسی مردم و طبعاً پیشرفت انقلاب به اشکال زیرکانه تری نمود پیدا میکرد که هنوز نیز ادامه دارد و مطمئناً تا زمانیکه مادر موضع حق قرار داشته و در جهت صراط المستقیم به پیش میرویم، ابرقدرتها از توطئه‌های شوم خود دست برنخواهند داشت. در همین رابطه بعنوان نمونه میتوان از جنگ تجاوز کارانه رژیم فاشیست عراق علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران که در جهت احقاق حق مظلومین و مستضعفین جهان گام بر میدارد، نام برد. مستکبران جهانی

کارگران مسلمان، پاسداران سنگرهای پشت جبهه

نویسنده: حجازی



سنگر سازی صورت گرفته، ۶ مورد آشیانه هلیکوپتر و ۴ مورد احداث باند فرودگاه و... بزرگ احجام دادماند.

برادران ما در جهاد سازندگی علاوه بر شهیدانی که از اوایل انقلاب نثار اسلام نمودند، از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون ۵ شهید تقدیم اسلام و امت مسلمان ایران کرده‌اند. باشد تا ما با اعمالمان که فی سبیل الله و در جهت الله انجام میدهم و جلوگیری از کم کاری حرمت خون شهدای اسلام را پاس داریم. در همین رابطه خبری داشتیم مبنی بر اینکه کارکنان شرکت الیاف موتور مولد برقی را که ۲۰۰ کیلووات قدرت داشته و چندین سال بدون استفاده مانده و در حال نابودی بود. به جهاد سازندگی جهت ارسال به مناطق جنگی ویا استفاده در اردوگاههای آوارگان جنگی ارائه دادماند.

در این مورد گفتگوی کوتاهی با یکی از برادرانیکه این موتور مولد برقی را تعمیر کرده است انجام دادیم. وی در رابطه با انگیزه کار خود گفت: من و چند تن از برادران کارگر خود چون زیست طرف از وجود چنین موتوری ویلا استفاده بودن آن واز طرف دیگر از نیاز مناطق جنگی به این موتور اطلاع داشتیم با مشورت پدیدار تصمیم به تعمیر نمودن و آماده کردن ژنراتور برای استفاده گرفتیم. برادر کارگرمان در جواب این سؤال که نظر بقیه کارگران در این مورد چه بود و کمک آنها در چه حد بود، گفت: بقیه کارگران از ما که تعمیر کار آن بودیم شوق بیشتری برای آماده شدن دستگاه داشتند و تاحدی که در توان داشتند به ما در راه راهماری دستگاه کمک کردند. ما ضمن آرزوی موفقیت برای تمام برادران و خواهران خود که در پشت جبهه به انحاء مختلف مشغول کمک رسانی به رزمندگان اسلام در جبهه‌ها میباشند، امید آن داریم هرچه زودتر این جنگ تحمیلی با پیروزی حق بر باطل خاتمه پذیرد و السلام



آنها که جهادشان کار در پشت جبهه است اینچنین صبورانه در زیر رگبار دشمن مشغول تعمیر خودروهایی آسیب دیده‌هستند تا بار دیگر آنها را علیه خصم کافر بکار گیرند

- * برادران میکائیک با ۱۸ ساعت کار روزانه از رزمندگان اسلام پشتیبانی میکنند
- * تاکنون ۴ باند فرودگاه، ۶ آشیانه هلیکوپتر و ۲۶۲۹ سنگر با کمک برادران جهاد سازندگی ساخته شده است و ۱۴۵۸۱ دستگاه ماشین آلات سنگین و سبک نیز تعمیر شده‌اند.
- * کارکنان شرکت الیاف موتور مولد برق ۲۰۰ کیلوواتی جهت ارسال به مناطق جنگی به جهاد سازندگی اهداء کرده‌اند.

فعالیت‌های مختلف شناسایی و راههای نفوذی برای وارد نمودن ضربه، سپاه پاسداران انقلاب مستقر در دارخوین با تهیه یک طرح ضربتی با هماهنگی کامل برادران ارتش جمهوری اسلامی مقدمات حملات را آماده نمود. تهاجم در ساعت ۴ صبح روز پنجشنبه ۶۰/۳/۲۱ با یورش جان بر کفان سپاه در خط مقدم جبهه آغاز گردید. پس از نیم ساعت خط مقدم جبهه دشمن بتصرف نیروهای پاسدار درآمد و تا ساعت ۶ صبح بیش از ۲۵ تانک دشمن توسط برادران سپاه و آتش موثر توپخانه دلیر جمهوری اسلامی تدمم گردید و جمعا ده دستگاه تانک و نفربر و تعداد زیادی از تجهیزات انفرادی دشمن بختیتم گرفته شد. در همان ساعاتی اول ۲۱ تن از قوای متجاوز باسارت نیروهای اسلام درآمدند و حدود ۱۰۰ تن از نیروهای کافر بعثی کشته شدند.

همزمان با این عملیات برادران خستگی ناپذیر جهاد سازندگی با تلاش تحسین برانگیز امور تدارکاتی و جاده و سنگر سازی قوای اسلام را انجام میدادند.

این برادران در جبهه دارخوین ۲ شهید و چند تن مجروح داشتند برادران هوانیروز نیز همانند

و... الاخره بشر چه تهیدست چه غنی باشد بیشتر از یک پارچه سفید باخود نمی‌برد چه بهتر که اموالش برای مستضعفین و برای به ثمر رسیدن حکومت اسلامی مصرف گردد.

داداش آنچه که از ارتش پدری به من تعلق میگیرد در اختیار علیرضا قرار بده چرا که من از این بابت سهم خودم را به او بخشیدم. همچنین کلیه اموال شخصی از جمله کتب و... را به علیرضا بدهید.

ناصرجان از تو میخواهم در زندگی ساعی و کوشا باشی و همواره از تجارب دیگران استفاده کنی. و همچنین در گفتار قبل از آنکه آن را نسنجیده باشی بدان نپرداز. همچنین غرور و تکبر را از خود دور کن و آن را زیر پا بگذار. خانواده گرامیم من از شما استدعا دارم که مرا در میان تربیت پاک شهدای انقلاب اسلامی در بهشت زهرا دفن کنید. در میان جوانان گلگون کفنی که پالهار و از خود گذشتگی

خود انقلاب اسلامی رابه تضرر رساندند. من از شما تقاضا میکنم فقط راه امام خمینی و در خط امام حرکت کنید و از افراد و شخصیتهایی را که امام تأیید میکنند پشتیبانی کنید و به هیچ حزبی و به هیچ گروهی خود را وابسته نکنید و سخنهای امام را در خاطر بسپارید و بدان عمل نمائید و اگر خدای ناگردد اگر امام به عرش اعلا پیوستند و راه و خط امید امام حضرت آیت ا... منتظری را پیشه کنید. چرا که خط این دویز گوار خط ا... و راه اسلام است و خط این دویدون وابستگی به شرق و غرب میباشد چرا که ابرقدرتها نمیتوانند با پول و مقام و یا مسائل دیگر آنها را از آن خود کنند در پایان پیروزی اسلام و نصرت مسلمین را از خداوند باریتعالی خواستارم.

درود به روان پاک شهدای انقلاب اسلامی و السلام علی من اتبع الهدی. یوسف جوادی

جهان عرب



شاگرد کسراتی

پیشنهاد عملی... اما



خبرگزاری‌ها گزارش دادند: معمر قذافی رئیس جمهوری لیبی از تمام کشورهای عرب خواست که در پاسخ به حمله نیروهای رژیم اشغالگر قدس به تاسیسات اتمی عراق نیروهای خود را بسیج کرده و تاسیسات اتمی رژیم صهیونیستی را نابود سازند. قذافی گفت: همان نحو استدلالی که رژیم صهیونیستی بر پایه آن اقدام به حمله نمود از نظر کشورهای عرب نیز قابل استناد میباشد زیرا اعراب نیز در معرض خطر ساختن بمب اتمی از جانب صهیونیستها قرار دارند. پیشنهاد رهبر لیبی به کشورهای عرب در مورد حمله به تاسیسات اتمی رژیم صهیونیستی یک پیشنهاد منطقی و عملی است، و کشورهای عرب میتوانند عملاً این حمله را انجام دهند ولی این سؤال مطرح میشود که آیا کشورهای عربی مرتجع با این پیشنهاد موافقت خواهند کرد یا خیر. طبیعی است که این کشورها پاسخ منفی به این پیشنهاد خواهند داد. چرا که آنها هیچگونه علاقه‌ای به نابودی اسرائیل ندارند اگر این علاقه وجود داشت تا بحال اسرائیلی وجود نداشت.

صادرات آمریکا به خاور میانه

مجله الوطن العربی چاپ پاریس در مورد افزایش صادرات آمریکا به کشورهای منطقه بخصوص عربستان سعودی مینویسد:

برغم انتقاد روزافزون اعراب از سیاست آمریکا، آمارهای بازرگانی نشان میدهد که روابط آمریکا و کشورهای عربی بیش از پیش مستحکم گردیده است. آمارهای رسمی آمریکا حاکی از اینست که صادرات آمریکا به خاورمیانه از ۱۲۷۷ میلیارد دلار

در سال ۱۹۷۹ به ۱۵۸۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش یافته است. در صورتیکه واردات نفتی آمریکا از منطقه از ۲۵/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ به ۳۱/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش نشان داده است. اما صادرات ایالات متحده به شریک بزرگ خود در منطقه یعنی عربستان، از ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ به ۵/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ رسیده و واردات آمریکا از عربستان از ۷/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ به ۱۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش یافته است.

دوبی نامهای فرستاده که طی آن انقلاب اسلامی ایران را چنین توصیف کرده است: کسانیکه اخبار پیروزی انقلاب اسلامی ایران را دنبال میکنند ملاحظه میسازند که امپریالیسم جهانی علیه این انقلاب توطئه میچیند. علت دشمنی شرق و غرب با ایران چیست؟ چرا شرق و غرب در دوران شاه با ایران دشمنی نداشتند؟ آیا این دشمنی به این علت نیست که ایران علیه مستکبرین و مستمران مانند آمریکا و انگلستان قیام کرده و شعار اسلامی انقلابی (نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی) را مطرح نموده است.

خانواده‌های حاکم در خلیج فارس

در اکثر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس حکومت موروثی است و فراتر واتی از آن یک خانواده است. دستیابی به قدرت ارتباطی به تصمیم مردم ندارد معمولاً مشاورین داخلی خانواده‌های حاکم هستند که تصمیم می‌گیرند کدامیک از وراث قدرت را به دست بگیرد. کابینه از اعضای خانواده‌های حاکم برآمیر نشینها تشکیل میشود و کلیه پستهای مهم مملکتی نیز در دست آنها است. برای اینکه با خانواده‌های حاکم در منطقه خلیج فارس آشنا شویم، جدول زیر را با هم میخوانیم:

نام کشور	نام خانوادها حاکم
عربستان سعودی	آل سعود
کویت	آل صباح
عمان	آل تیمور
بحرین	آل خلیفه
قطر	آل ثانی
امارات متحده عربی	آل نهیان
دوبی	آل مکتوم
شارجه	آل قاسمی
عجمان	آل نعیمی
ام القوین	آل معلی
راس الخیمه	آل قاسمی
فجیره	آل شرقی

تهجیز طرفداران شاه به پول و سلاح جهت ایجاد آشوب در ایران

سرنگون کردن حکومت اسلامی بوسیله حمله به طیس به بهانه آزاد کردن گروگانها

محاصره اقتصادی و بازرگانی ایران

در این میان بود که عراق در یکی از ماههای محرم به ایران حمله کرد تا با ادعای خود سرزمین خود را باز پس بگیرد. عراق قرار داد مرزی که تاکید بر عدم استفاده از اسلحه علیه یکدیگر میکند و حل و فصل

مینویسد:

محافل انگلیسی این روزها نسبت به خریداری ساختمانها و آسمان خراش ها در لندن توسط کویتی‌ها بسیار نگرانند. این محافل میگویند کویتی‌ها در سال ۱۹۷۹ (دوسال پیش) حدود ۲ میلیارد لیره استرلینگ ساختمان و آسمانخراش در لندن خریداری کرده‌اند.

اکنون نگرانی انگلیسی‌ها از این ناشی میشود که کویتی‌ها در نظر دارند ساختمانی را بمبلغ ۲۰۰ میلیون لیره استرلینگ

مجله الازمه العربیه می‌افزاید: هیچیک از برادران در- جهان عرب- نسبت به احداث این ساختمان با پول برادران کویتی و وسیله شرکت ساختمانی «رایخان اخوان» که صاحب آن یک خانواده یهودی است که روابط بسیار عالی با صهیونیسم دارد اعتراض نمی‌کند.

کمکهای برادران عرب به جنگ زدگان

مجله عربی زبان الشهد چاپ تهران نوشت: یکی از برادران مسلمان شبه جزیره العرب مبلغ چهار هزار و پانصد و شصت دینار بعنوان کمک به جنگ زده‌های کشور ما به دفتر هماهنگی کمکها در سفارت جمهوری اسلامی ایران در کویت تسلیم کرد. این برادر تایید فرزندان شبه جزیره العرب را نسبت به انقلاب اسلامی ایران و جنگ زدگان کشور ما اعلام نمود، و رژیم بعث عراق را محکوم کرد...

پول‌های نفت به کجا می‌رود؟

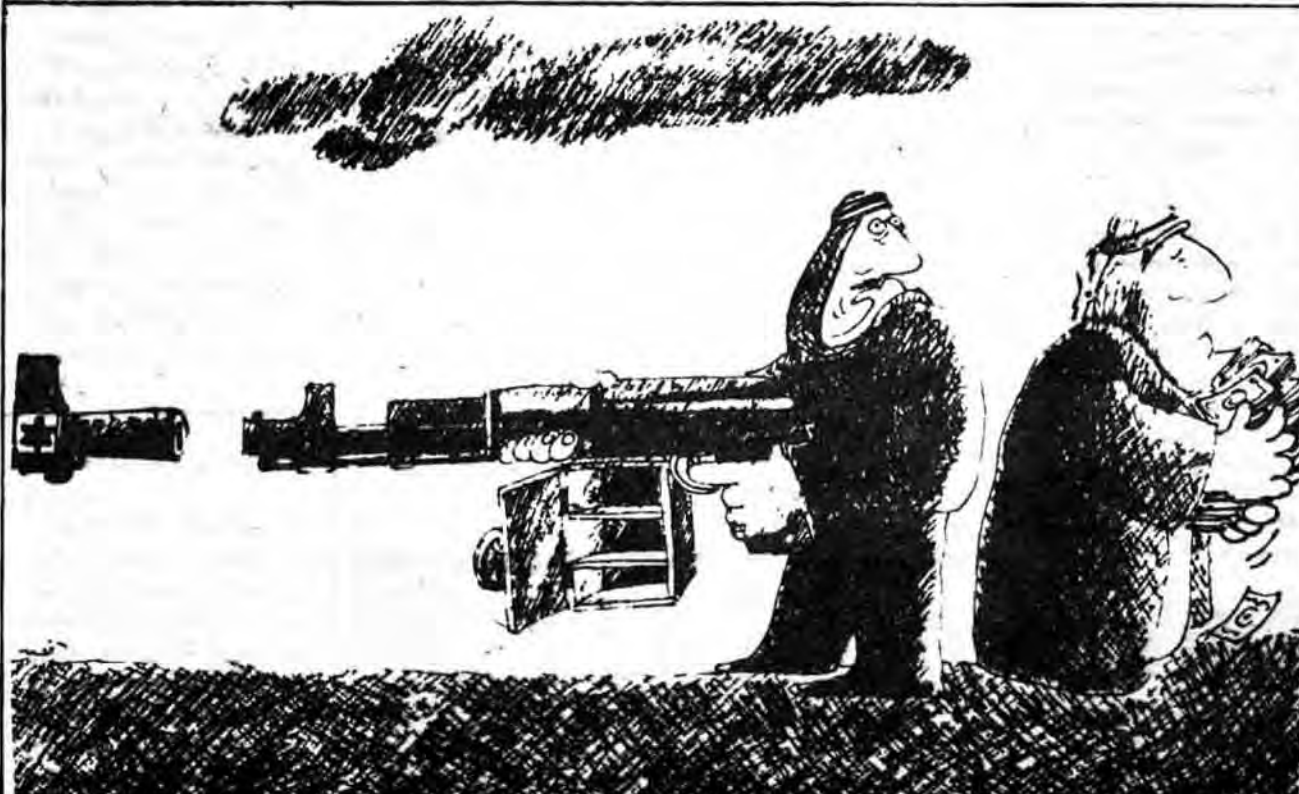
بولتن هفتگی سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب در شماره اخیر خود نوشت: اخیراً قراردادی میان موسسه پول عربستان سعودی و صندوق بین‌المللی پول امضاء گردیده که بموجب آن عربستان وامی بمبلغ ۹ میلیارد دلار به صندوق مزبور میپردازد.

لازم بیدادآور است این چهارمین بار است که حکومت عربستان از پول ملت وامهایی به صندوق بین‌المللی پول میدهد.

لغو تدریجی تحریم سادات



پس از امضای قرارداد کمپ دیسپوزیشن میان سادات و رژیم اشغالگر قدس، کنفرانس سران عرب در بغداد تصمیم گرفت کشورهای عربی روابط خود را با رژیم سادات قطع کنند قطع روابط میان کشورهای عربی و سادات طولی نکشید که دیدیم هر روز یکی از رژیمهای عرب روابط خود را با سادات از سر می‌گیرد و بتدریج ملاحظه کردیم که چیزی از تحریم سادات باقی نمانده و عملاً اکثر کشورهای عربی روابط خود را با رژیم مسر از سر گرفته‌اند. رژیم مصر در حال حاضر نمایندگان خود را به کنفرانسهایی که در کشورهای عربی تشکیل میشود میفرستد و در کار این کنفرانسها شرکت مینماید انگار نه تحریمی علیه سادات بوده نه مخالفتی مطبوعات امارات متحده عربی نوشتند دولت مصر در هشتمین کنفرانس کمیته اقتصادی غرب آسیا که در یمن شمالی تشکیل گردید شرکت کرد. در این کنفرانس دیگر کشورهای عربی شرکت داشتند.



انقلاب اسلامی از دیدگاه یک شهروند عرب



شرق و غرب از آن روزی که درک کردند انقلاب ایران راه مستقیم را می‌پیماید، دیگر نتوانستند آنرا تحمل کنند چرا که این انقلاب منافع آنها را بخطر میاندازد. لذا آمریکا، انگلیس و فرانسه سعی کردند انقلاب اسلامی را تضعیف کنند و مانع گسترش و پیشرفت آن شوند این کشورها برای مخدوش نمودن چهره انقلاب اسلامی اقدامات زیر را در پیش گرفتند. توطئه علیه روحانیون و متفکران و سیاستمداران

اختلافات مرزی میان دو کشور را به داد گاهای بین المللی ارجاع مینماید لغو نمود. ما امیدواریم جنگ میان دو کشور متوقف گردد، و متجاوز به سزای خود برسد.

سرمایه گذاری های پرسود!!

مجله الازمه العربیه چاپ شارجه در شماره اخیر خود

احداث کنند که در مقابل برج لندن قرار دارد و ارتفاع آن ۴ برابر برج مزبور میباشد. بعضی از مخالفین اعتراض دارند که احداث چنین ساختمانی چهره زیبای شهر را عوض میکند، برخی دیگر اعتراض دارند که ساختمان های مهم لندن در دست خسران جهان می افتد در حالیکه گروه سوم معتقدند که باید این ساختمان به آپارتمان های مسکونی تبدیل گردد.

رژیم سعودی بی پروا پول‌های ملت را به دهان غرب می‌ریزد

از «گر سنت»

عربستان سعودی باز هم اثر دیگری را در تاریخ به جا گذارده است. عربستان سعودی پذیرفته است تا برای مدت دو یا شاید سه سال، سالانه ۵ میلیارد دلار به «صندوق بین‌المللی پول» بدهد. در این موقع، «صندوق بین‌المللی پول» نزد سعودی‌ها رفته بود، امام معمولاً «صندوق بین‌المللی پول» در خانه می‌ماند، حال آن که دیگران نزد آن می‌آیند. با این همه سعودی‌ها هم از لحاظ مالی و هم از لحاظ سیاسی به صندوق تمهید دادند. در جبهه سیاسی، سعودی‌ها پذیرفتند تا درباره پیشنهاد پیشین خود مبنی بر این که به سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) در اجلاس‌های «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» وضع ناظر اعطا شود پافشاری نکنند. شاید «ساف» پیش از این نیز بر سر اندازه و برد جنگنده‌های «اف-۱۵» هم قربانی شده بود. اما «صندوق بین‌المللی پول»، امتیازهای ظاهری به عربستان سعودی داده است. صندوق عربستان سعودی را به عنوان یک «ابرقدرت مالی» شناخته است. سهمیه سعودی‌ها در صندوق بین‌المللی پول دو چندان گردیده است. این وضع، عربستان سعودی را از لحاظ قدرت رأی از مقام سیزدهم به مقام ششم می‌رساند. با تولید ناخالص ملی تنها ۶۳ میلیارد دلار (رقم ۱۹۷۹)، سعودی‌ها

اکنون در صندوق حلوتر از کانادا (تولید ناخالص ملی ۲۲۸ میلیارد دلار)، ایتالیا (تولید ناخالص ملی ۲۹۸ میلیارد دلار چین (تولید ناخالص ملی ۲۲۰ میلیارد دلار) و هند (تولید ناخالص ملی ۱۲۶ میلیارد دلار) قرار دارد. کشورهای که در صندوق بین‌المللی پول مقامی بالاتر از عربستان سعودی دارند همه دوستان سعودی‌ها هستند. این کشورها از این قرارند: ایالات متحده با تولید ناخالص ملی ۲۳۷۷ میلیارد دلار، انگلستان با تولید ناخالص ملی ۳۵۴ میلیارد دلار، آلمان غربی با تولید ناخالص ملی ۷۱۸ میلیارد دلار، فرانسه با تولید ناخالص ملی ۵۳۱ میلیارد دلار و ژاپن با تولید ناخالص ملی ۱۰۱۹ میلیارد دلار بدین سان، به عکس عقیده عمومی، سعودی‌ها در میان ثروتمندان جهان در حقیقت ملت فقیری هستند. امروز در جهان کمبود وام دهندگان وجود ندارد. و همه کسانی که از «صندوق بین‌المللی پول» وام می‌گیرند کشورهای عضو هستند. در حقیقت سعودی‌ها تقریباً دو سوم نیازهای صندوق به قرض گرفتن را برطرف کرده‌اند نرخ بهره‌ی سعودی‌ها در این زمینه دریافت خواهند کرد، تقریباً به ۱۱ درصد خواهد رسید. صندوق به نرخ‌های بهره‌ی که بسیار بالاتر از این است، به کشورهای عضو وام می‌دهد. اما سعودی‌ها از دلارها نتیجه دیگری را به دست آورده‌اند وام‌های صندوق را می‌توان به اسکناس‌هایی تبدیل

کرد که می‌توان آنها را به دیگر بانک‌های مرکزی فروخت. روشن نیست که آیا این احتیاط نتیجه درک بهتر سعودی‌ها در مقابله با خطراتی است که در معامله با ایالات متحده رویاروی می‌شوند یا نه یا صرفاً مغالته بیشتری در کار است. این نوع معامله مالی، برای کشورهای مانند پاکستان باید ضربه بزرگی باشد. اخیراً صندوق یک وام تازه ۱۷۷ میلیارد دلاری به نرخ‌های بهره‌ی که بسیار بالاتر از ۱۱ درصد بود، به پاکستان داد. بی‌تردید بسیاری از این پول (واگر نه همه آن) پول نقد سعودی است که صندوق سوده‌های فراوانی از آن می‌برد. ممکن است برای پاکستانی‌ها و دیگران مایه آرامش باشد که «محمد الفیصل» شاهزاده برجسته سعودی دست کم به این کشور بسیار علاقه دارد. او اخیراً از پاکستان دیدار کرد و وعده داد ظرف پنج سال سه میلیارد دلار در آن کشور سرمایه‌گذاری کند. «فیصل» که پسر شاه فیصل بنیادی را کشف کرده است و آن این است که پاکستان از لحاظ نیروی انسانی و دانش فنی غنی است. او گفت که عربستان سعودی مایل خواهد بود تا در حوزه کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی، و موسسات مشترکی را با پاکستان برپا کند. از دید شاهزاده سعودی، پاکستان می‌تواند «انبار غله و کشور صنعتی اصلی برای جهان اسلام باشد.» شاهزاده همچنین اربابه

«اسلامی کردن» پاکستان را بیشتر «هل» داد. او از گماردن یک گروه از کارشناسان شورای ایدئولوژی اسلامی استقبال کرد و تا طرح اقدام را برای اجرای بانک داری عاری از بهره تنظیم کند. «شاهزاده» محمد حمایت کامل حکومت سعودی از «اسلامی کردن اقتصاد در پاکستان» را وعده داد. شاید این «حمایت کامل» بتواند شکل یک وام مستقیم عاری از بهره عربستان سعودی به پاکستان را به خود بگیرد. اما سعودی‌ها ترجیح می‌دهند سروصداهای اسلامی به راه بیندازند و در این حال سرمایه‌هایشان را از مجرای «صندوق بین‌المللی پول» بگذرانند. «صندوق بین‌المللی پول» نیروی آن را دارد تا سیاست‌های اقتصادی را برای به کار گرفتن به وام‌ها تحمیل کند. در گفت‌وگوهای اخیر سران کشورهای مسلمان در طایفه سعودی‌ها افزایش فراوان در سرمایه «بانک عمران اسلامی» را اعلام کردند. «بانک عمران اسلامی» در جده مستقر است و رئیس آن یک سعودی است، هر چند معاونان رئیس بانک اهل کشورهای بسیاریند. این بانک پول خود را نزد «سازمان پولی عربستان سعودی» که بانک مرکزی کشور است، نگاه می‌دارد. البته «سازمان پولی عربستان سعودی» بر اساس ربا عمل می‌کند. دو سال پیش وضع جالبی روی داد و آن این است که دارایی‌های «بانک عمران اسلامی» نزد «سازمان پولی



همکاری و همگامی با دشمنان اسلام، بخش بزرگی از سیاست سعودی است

● سعودی‌ها ترجیح می‌دهند سروصداهای اسلامی به راه بیندازند و در این حال سرمایه‌هایشان را از مجرای «صندوق بین‌المللی پول» بگذرانند.

عربستان سعودی» سبب شد ۱۵ میلیون دلار بهره به دست بیاید، اما «بانک عمران اسلامی» نمی‌توانست آن را بگیرد یا حتی بپذیرد که سرمایه‌هایش بهره به وجود آورده است. بنابر این، کمیته‌ی از علما برآید تا اندرز بدهد که با این پول چه باید کرد. آنها بپذیرند که پول باید به خیریه داده شود. مقدار فراوانی از پول «خصوصی» سعودی‌ها هم به منابع صهیونیستی راه می‌یابد. دارایی‌های بزرگ رسمی عربستان سعودی در ایالات متحده و بانک‌های اروپایی به نحو مستقیم در دسترس صهیونیست‌هایی است

علا از نو به جهان عرب ببینند. «سادات» این جریان را با این اعلامیه آغاز کرد که در صورتی که خطری خاندان حاکم آل سعود را تهدید کند، او تسهیلات نظامی را به ایالات متحده پیشنهاد خواهد کرد تا با استفاده از آنها خاندان سعودی را حفظ کند. اکنون «سادات» سلاح‌هایی را به برادر گرمی عرب‌باش به «صدام»، که قهرمان آرمان عرب علیه اسلام است پیشنهاد کرده است. همین که زیارت رهبران کفار تکمیل شود، آن وقت ما انتظار داریم تحولات بزرگی را در این مورد مشاهده کنیم و شاید این تحولات را به شکل یک کنفرانس دیگر طایفه مشاهده کنیم.

در این میان، مشتریان عربستان سعودی مانند پاکستان هم اکنون آغاز به آن کرده‌اند تا مناسبات خود را با مصر ترمیم کنند. ژنرال «ضیاءالحق» شیخ دانشگاه الازهر را به اسلام‌آباد دعوت کرد و از او استقبالی را کرد که در خور یک رئیس کشور مهمان بود.

در آندیشه مربوط به «نیروی واکنش سریع» که بسیار روی آن بحث شده است، روی این موضوع تاکید شده است که خطر اصلی برای این منطقه را اتحاد شوروی به وجود می‌آورد. روزنامه‌های «مستقلان» حتی آغاز به آن کرده‌اند تا در باره خطر کمونیستی برای جمهوری اسلامی ایران سخن بگویند!

تمامی قلب، اسلحه در اختیار مزدوران «صدام» می‌گذارد. شاه حسین از طبرق تهران (زمان شاه) به سوی بیت‌المقدس راه یافته است. عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس هم در حالی که اعلام می‌کنند که در درگیری عراق و ایران بی‌طرفند، از لحاظ زمانی تشخیص داده‌اند که به موقع است تا وعده وام‌هایی به ارزش ۱۴ میلیارد دلار را به برادر عربشان «صدام حسین» بدهند تا او به کشتار مسلمانان ادامه بدهد و تقریباً همه کشورهای عرب، تسهیلات ترانزیت و تسهیلات دیگر را برای سلاح‌هایی که برای عراق فرستاده می‌شود تأمین کرده‌اند.

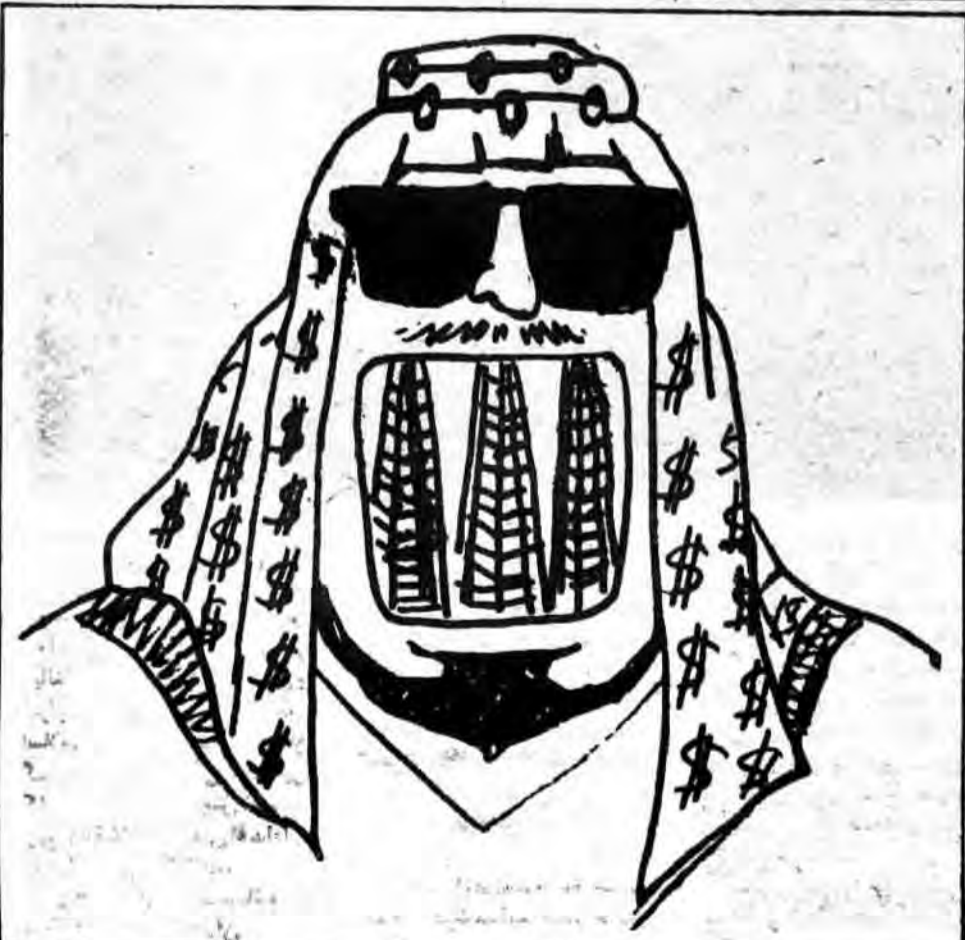
در باره زمان سنجی باید گفت که این زمان سنجی در زمانی صورت گرفت که همه رهبران کفار «بنانند الکساندر هیگ، مارگارت تاچر، اشمیت و ژیتسگاردستن» (که اکنون کنار گذاشته شده است) زیارت از پایتخت‌های عرب را آغاز کرده‌اند. از آنجا که حکومت جدید ایالات متحده که حامی سرخست اسرائیل است روی کار آمده است، زمان امتضاه و مهر قرارداد فروش فلسطین، فرا رسیده است؛ «بدین سان، این نیاز برای مصر فراهم شده است تا

ریا کاری‌های سران مرجع عرب

سپرداند. بنابر این مشاهده این موضوع شگفتانگیز نبود که پزیدنت «سادات» اخیراً اعلام کند که هر چند او با حمله عراق به ایران مخالف است، اما با

میلیون و دویست میلیون مصری در عراق به سر می‌برند. در واقع، مشهور است که بسیاری از مصری‌ها در حمله «صدام» به ایران اسلامی جنگیده‌اند و جان

● عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس در حالی که اعلام می‌کنند که در درگیری عراق و ایران بی‌طرفند، از لحاظ زمانی تشخیص داده‌اند که به موقع است تا وعده وام‌هایی به ارزش ۱۴ میلیارد دلار را به «صدام حسین» بدهند تا او به کشتار مسلمانان ادامه بدهد و تقریباً همه کشورهای عرب، تسهیلات ترانزیت و تسهیلات دیگر را برای سلاح‌هایی که به عراق فرستاده می‌شود، تأمین کرده‌اند.



بمکازدید «انور سادات» از بیت‌المقدس و امضای موافقت‌نامه «کمپ دیوید» که به دنبال این بازدید انجام شد، ظاهراً خشم جهان عرب را برانگیخته است. سعودی‌ها هم که قبلاً کوشیده بودند به «سادات» رشوه بدهند تا به ایالات متحده ببینند، از این عمل «سادات» ظاهراً آزرده شدند و آشکاراً در جبهه انتقاع دربغداد شرکت کردند.

اما در پشت صحنه‌ها، امور تا اندازه فراوانی همان بود که بود. پول سعودی‌ها برای خرید سلاح‌های آمریکایی همچنان به مصر سرازیر شد، بیشتر رهبران عرب از سیاست ایالات متحده برای حل مسأله فلسطین از طریق توافق «کمپ دیوید» همچنان محتاطانه هواداری کردند، ملک حسین شاه اردن خود را آماده ساختن ساحل غربی فلسطین اشغال شده را در زمان «صحیح» برای خود تحویل بگیرد و عراق نیز به وارد کردن عده فراوانی از مصری‌ها به جنوب کشورش ادامه داد. عموماً دانسته شده است که اکنون بین ۱/۵

- روزانه ۱/۵ میلیون بشکه نفت از طریق روسیه به غرب صادر می شود.
- روسیه نفت خود را به بهای ۴۰ درصد نرخ اوپک به بلوک شرق می فروشد.
- روسیه برای حفظ سطح صادرات نفت خود استفاده داخلی از گاز طبیعی را آغاز کرده است.
- روسیه از تکنولوژی لازم برای بهره برداری فوری از نفت مناطق دوردست برخوردار نیست.

بهرحال در کنار عدم برآورد صحیح سازمان سیاز قرار اطلاع روسیه در دسامبر سال ۱۹۷۷ بطور وسیعی تصمیم به گسترش اکتشافات نفتی در روسیه گرفت و در این رابطه کرمالین سهم زیادی از سرمایه‌گذارهای صنعتی خود را برای وزارتخانه‌های نفت و گاز طبیعی اختصاص داد. مسکو همچنین عاملین خرید خود را برای تهیه لوازم حفاری به غرب فرستاد و با اقداماتی که این کشور در جهت تولید انجام داده است قطعاً گزارش پیش‌بینی سیاز در مورد تولید نفت روسیه که در سال ۱۹۷۷ انجام گرفت نادرست خواهد بود.

سازمان سیاز در تحلیل خود بیان کرده بود کاهش در تولید نفت روسیه بزودی آغاز خواهد شد. پیش‌بینی سیاز در سال ۱۹۷۷ آن بود تولیدات نفت روسیه در سال ۱۹۸۵ به سطح بین ۱۰ تا ۱۰ میلیون بشکه در روز تنزل خواهد کرد. اکنون پیش‌بینی می‌شود که این مقدار بین ۱۱ تا ۱۱ میلیون بشکه در روز تولید خواهد شد. حال با توجه به اینکه تولیدات جاری روسیه در سطح ۱۲/۱ میلیون بشکه در روز یعنی بالاترین سطح



نورسی وضع تولید نفت در روسیه

از: اکبر مهدی پور

کرد. سازمان سیاز تولید نفت روسیه را چند بار دیگر پس از تخمین سال ۱۹۷۷ برآورد نمود که نتیجه بیش از تخمین سال ۱۹۷۷ بوده است. البته خیلی وقت قبل از آنکه پیش‌بینی سازمان سیاز انتشار یابد خود تحلیل گران نفت روسیه اعلام کرده بودند چنانچه رشد تولید نفت ادامه یابد خشک شدن مناطق موجود نفتی باید از طریق اکتشافات جدید جایگزین گردد.

۱۹۸۵ محتاج به روزانه ۳/۵ میلیون بشکه نفت وارداتی خواهد بود در حالیکه امروزه پیش‌بینی سازمان سیاز آنستکه روسیه تا سال ۱۹۸۵ و بعد از آن نیز هنوز می‌تواند نفت به کشورهای دیگر صادر کند. پس از آنکه خبر اشتباه پیش‌بینی سازمان سیاز در کفراسرها روراد منتشر شد روزنامه پرودا این خبر را با آب و تاب فراوان در روزنامه خود درج

حداقل از سال ۱۹۷۷ که سازمان اطلاعاتی آمریکا به پیش‌بینی کرد که تولیدات نفت روسیه تا اوایل سالهای دهه ۱۹۸۰ شروع به کاهش خواهد کرده این موضوع مورد بحث بوده است. لیکن در گزارشی که اخیراً توسط سازمان سیاز تسلیم مقامات آمریکایی شد در واقع رمان وقوع بحران نفتی در روسیه دیرتر برآورد شد. بر طبق پیش‌بینی اولیه سازمان سیاز روسیه تا سال

تولید نفت در جهان است می‌توان گفت این کاهش تولید تا این سطح نسبتاً زیاد خواهد بود. سازمان سیاز استدلال می‌کند مناطق نفتی موجود روسیه در غرب بمقدار کم تکافوی نفت روسیه را می‌کند و مجتمع غول آسای ساموتلر در سیبری که حدود یک چهارم نفت این کشور را تامین می‌کند بزودی تحلیل خواهد رفت. بسیاری از ذخایر نفتی شناخته شده دیگر روسیه نیز بمقدار زیاد خارج از مناطق صنعتی و جمعیت خیز این کشور واقع شده‌اند. قسمتی از این ذخایر صدها فوت زیر مناطق منجمد در سیبری زیر آبهای خزر

و دریا‌های بارنتز و کسارافزار دارند. سازمان سیاز معتقد است روسیه فاقد تکنولوژی لازم برای بهره‌برداری فوری از مناطق نفتی دوردست است. بهرحال تحلیل گران غربی معتقدند حتی چنانچه استفاده از ذخایر نفتی دور دست برای روسیه گران تمام شود روسیه آنقدر قدرت و اعتبار دارد که تولیدات خود را در سطح بالا نگه دارد و اجازه ندهد بدون هیچ تلاشی تولیدات نفتی خودش کاهش یابد. صادرات نفت ارزان مسکو به کشورهای عضو پیمان ورشو در قیاس با قسمتی حدود ۴۰ درصد نرخ بهای نفت کشورهای اوپک، به کشور روسیه

جنجال شیر خشک و شیشه‌های شیر خوری



«در ژنو، ایمن آمریکا بود که در مقابل جهان ایستاد»

روبرو خواهد شد. دکتر، استفان ژوزف یکی از مقامات بالاتر تبه‌ورسمی بهداشت، در آژانس گسترش بین‌المللی ایالات متحده، و ابوگین باب، یکی از بزرگترین متخصصان در رشته تغذیه، در همین آژانس، بنشانه اعتراض از مقامهای خود استعفاء نمودند. دکتر ژوزف این عمل را چنین توصیف میکند: «با سودمندترین متافع کشورم مخالف است، برای هم حرف‌های من غیر قابل درک می‌باشد... و بسلامتی و رشد اطفال در جهان لطمه جبران ناپذیری وارد می‌سازد» سناتور ادوارد ام کندی از ماساچوست بر اساس رای مخالف آمریکا یک جلسه غیر رسمی تشکیل داد و در آن جلسه این عمل را «شرم آور» اعلام کرد. سناتور جمهوری خواه «مارک هتفیلد» از اوروگون اظهار کرد که این رای بنظر او: «یک پیام بی‌اطفاهی به حرمت و زندگی انسانی» است، که خارج از ایالات متحده عکس‌العمل آن غامض‌تر و بالاتر از خشم و نفرت خواهد بود. در این رابطه حتی «تایمر مالی» محافظه کار لندن هم اعلان کرد که «اگر سازمان بهداشت جهانی و اعضای رای دهنده محق باشند، در شرایطی که خطر بالقوای جان و سلامت اطفال جهان را تهدید میکنند، این (رای مخالف آمریکا) بدترین شیوه حمایت از آزادی تبلیغات و رقابت بی‌عقد و بند است.»

سرانجام دستورالعمل پیمانهای سازمان بهداشت جهانی (سیج) در ژنو به رای نمایندگان اعزامی کشورهای جهان گذارده شد. دستور العمل مذکور که توسط ۱۱۸ نماینده و مقامات رسمی بهداشت اطفال در «سیج» مورد بررسی قرار گرفت عبارت است از نوعی قانون بین‌المللی که موضوع آن اتخاذ محدودیتهای تبلیغاتی جهت بازاریابی تغذیه‌های مصنوعی اطفال و دیگر موادی که بجای شیر مادر مورد مصرف قرار میگیرد، میباشد. ایمن تغذیه‌های مصنوعی که بنا بگفته پزشکان سراسر جهان، چنانچه درست و طبق دستورالعمل دقیق مصرف نگردد، باعث سو تغذیه و مرگ و میر اطفال خواهد گردید. بدین ترتیب قانون «سیج» از حمایت قاطع پزشکان و نمایندگان رسمی بهداشت کشورهای جهان برخوردار بود. اما نتیجه این رای گیری، یکی از عجیب‌ترین نوع رای گیری در جهان بود و بنظر مقامات «سیج» یک معجزه مضره بوده است. بدین ترتیب که از ۱۱۸ نماینده اعزامی کشورهای جهان ۱۱۷ نماینده بقانون مذکور رای مثبت و تنها یک نماینده رای مخالف داده و آن نماینده حکومت ایالات متحده آمریکا بوده است. بگفته نمایندگان کشورهای جهان، «ایالات متحده تنها کشوری بود، که با شرایط مناسب و سالم برای اطفال در جهان مخالفت ورزید.»

ایگونه تازایستی هاست که کمپانیهای تولید کننده این تغذیه های مصنوعی، که فروش ۲ بیلیون دلاری در سراسر جهان دارند، با دسیسه بازی و اقداماتی شرم آور جهت بازاریابی بدنین خطرات در جهان سوم می‌افزایند، که بنظر خودشان، بعضی از شیوه های فروش قابل پیگیری و محاکمه است. بستوان مسال، بسیاری از کارکنان و عاملین فروش این کمپانیها، در لباس پزشکان در می‌آیند و برای فروش

بدان دلیل نیست که مادر برای همیشه طفل خود را از شیرش محروم کند، علاوه شیر خوردن بچه از پستان مادر خود یکی از مهمترین عوامل برای سلامتی مادر میباشد. در نتیجه تغذیه طفل از پستان مادر نه تنها برای بچه سالمتر و بهداشتی است بلکه بسلامتی مادر کمک نموده و همچنین از نظر اقتصادی بهترین راه ممکن میباشد. بحران امروزه جهان بر سر مسئله موجود همچنین حاکی از

جهت صرفه جوئی مادی با افزودن آب و بیش از حد رقیق کردن شیر، که عوارض بسیاری را برای طفل بدنبال دارد و در نتیجه سوء تغذیه و مرگ طفل را باعث میگردد. خلاف آنچه که بعضی دگترها میگویند، مادر طفل باید کاملاً سلامت باشد تا بتواند شیر سالم و کافی را به طفل بدهد، این مسئله اصلاً صحیح نیست. گرچه سلامتی مادر برای طفل شیرخوار بسیار مفید و حائز اهمیت است اما این

تغذیه‌های مصنوعی باشند، و نمونه‌هاییکه معمولاً از مواد مشابه به در شیر اصلی ساخته میشوند. که عبارتند از: مواد نباتی، مواد معدنی، ویتامینها و دیگر مواد معدنی، که چنانچه صحیح بکار برده شود و درست مصرف گردد، میتواند تا حدودی خاصیت غذایی داشته باشد. اما در مناطق فقیرنشین جهان این مسئله غیرممکن است، زیرا مادران در اثر عدم شناخت کافی با بکار بردن آبهای آلوده... و با

با روشنفکرانهائی که در ایران میدان قمیز نیافته و بین اینجا و آنجا نق و نق مبادله می کنند حرفی داریم

نامه ای تکان دهنده از آمریکا



نموده اند که یک روسیه تشنه نفت لزوماً به خلیج فارس حمله خواهد کرد. لیکن این خطر پس از حمله روسیه به افغانستان افزایش یافته است. آنچه اظهار میشود آنستکه روسیه محققاً وارد کننده نهائی نفت خواهد شد این امر علاوه بر نیازهای اقتصادی عملی است که میتواند به حمله صریح روسیه به مناطق نفتی بیانجامد.

این نوع استدلال که سازمان سیا به آن اعتقاد کامل دارد اکنون در معرض تردید است.

امسال مسکو توانست با افزایش تولید نفت خود یکبار دیگر از حداکثر تولید نفتی که در آخرین پیش بینی سیا ارائه شده بود فراتر رود لازم بذکر است که سرویس اطلاعاتی دفاع آمریکا «پنتاگون» تولیدات نفت روسیه را در سطح بیشتری نسبت به سازمان تخمین های خود را براساس پیدایش نفت روسیه قرار داده در حالیکه سیا بیشتر روی قیاسهایی شبیه خشک شدن ذخایر نفتی در آمریکا تکیه میکند بهر حال این قبیل تخمین ها عامل مهمی در برنامه های استراتژیکی ایالات متحده بحساب می آید.

و تبلیغ روستا به روستا را زیر پا میگذارند، و سر راهشان به زنان باردار برسوزنهای تسلیحاتی میدهند و به مادرانیکه تازه فارغ شده و هنوز در بسیمارستان هستند نمونه های مسجانی شیرخشک...

در نتیجه اینگونه اعمال بود که تحریم جهانی ۱۹۷۷ علیه کمپانی نستله سوئیس برپا گردید. این کمپانی پنجاه درصد از کل فروش غذاهای مصنوعی اطفال را در جهان سوم دارا میباشد، که البته بیست درصد از این مقدار متعلق به سه موسسه آمریکائی است بنام: ایپوت لا پراتوریز (آمریکن هوم پروداکترز و بریستول مایرز).

Virginia یک زن ۴۹ ساله هم اطاقی من است (من هنوز در یک خوابگاه کاتولیکها هستم و تماشای کردن محل کار شایتم آپارتمان ویژه ای برای خود نگرفتم) یعنی در حقیقت ما را با هم در یک اطاق چپانداند جینی زن تقریباً باهوشی است مادر ۶ فرزند بود و باصطلاح جزو عامه آمریکاست کار میکند خود این سازمان تخمین های خود را براساس پیدایش نفت روسیه قرار داده در حالیکه سیا بیشتر روی قیاسهایی شبیه خشک شدن ذخایر نفتی در آمریکا تکیه میکند بهر حال این قبیل تخمین ها عامل مهمی در برنامه های استراتژیکی ایالات متحده بحساب می آید.

و سهامداران سه موسسه ذینفع و دیگر کارخانه داران مواد غذایی کنسروی که هیچ ربطی هم بدین مسئله نداشت قرار گرفتند و اداره کنندگان داخلی اکسیدا اعلام کردند، که ایالات متحده باید محتاطانه از قانون «سیج» بپرهیزد. و چند روز قبل از رای گیری این زمزمه در کاخ سفید بگوش رسید که برای موافق، نه در این رابطه، الیوت آبرامز معاون وزیر خارجه سازمان روابط بین المللی اعلان کرد که ایالات متحده برنامه هایش جهت تشویق تغذیه از پستان مادر ادامه خواهد یافت، اما در خصوص قانون «سیج» راجع به منع تبلیغات غذای مصنوعی اطفال، مخالفتیم زیرا، «با قانون اساسی ما مغایرت دارد و ما آنرا در جامعه خود نمیتوانیم بپذیریم، و بهیچکس دیگر هم نمیتوانیم آنرا توصیه کنیم». ابرامز افزود: علاوه قانون مذکور ممکن است مانع از دسترس بودن غذای اطفال گردد که ودر سلامتی بچهها ممکن است عملاً تاثیر بگذارد.

بهر حال بحران بالاتر از آنست که بزودی پایان یابد. کلیساها هر وعده داد در آینده گزارشی را نشر خواهد کرد مبنی بر این ادعا که، تغذیه های پودری تنها در جهان سوم نگران کننده نیست بلکه در خود آمریکا هم مسئله ای بزرگ و دشوار است. آنان دریافته اند که افزایش تغذیه های مصنوعی اطفال در میان خانواده های فقیر به قیمت بیماری و جان اطفال در ایالات متحده تمام میشود. ووس جان پدرونی که یکی از مخالفین سرسخت با تغذیه مصنوعی اطفال میباشد گفت: ما میخواهیم که قانون «سیج» در این کشور پذیرفته و کاملاً اجراء گردد. از: تالیم ژون ۱۹۸۱

شانس نبوده. و درزمینی که نفت ندارد خانه ساخته است. جان این مصاحبه علمی یک جهود، و باصطلاح دکتر اطفال و دانشمند تحقیقات است که در حقیقت دلال بودجه های تحقیقاتی مهمی در دانشگاههای عرب آمریکاست. جان پیغام جهودها را شنیدی؟ خواهر این عراقی برهنه و مفلوک نیست که در وجود یک جانور مثل صدام وطن مرا بجهنم سوزان تبدیل کرده و مردم بیگناه مرا از خانه هاشان درید و عزادار کرده است این انگشت زهر آلود جهود در مقعد دیوانه های نظیر صدام حسین است که مسلمانان را همچنان بجان هم خواهند انداخت چون اسرائیل بر حسب بدشانسی سرزمینی بدون نفت است. بتو قول میدهم کارکنان آمریکائی مؤسسات نفتی عربستان سعودی باید بیش از ۵۰ درصد از جهودها تشکیل شده باشد مطمئناً در مسابقات عالی و Administrative (اداری) خالصاً یا تقریباً خالصاً جهود است. تو «جینی» فلک زده را که در سنین متوسط حیات خود جز پول در آوردن (برای خودشان و خرید وسائل توالیت و ماشین و احياناً مرد جوانی که بقول خود



او در خانه ترک الکل بستری است» فرصتی هم برای عور در سیاست روز و دانش اجتماعی یافته و با معیارهای غرب و غربزده ها آدم با انصافی هست شنیدهای قضاوتش را، تسلیم و رضای درد آورش را هم دانست! هر چه حرفها حساس تر میشود و هوش بیشتری را ایجاد میکند. هر فردی که مقام علمی یا حرفه ای حساس تر و دقیقتری را داشته باشد با باید همکاری با جهود کند (نه همکاری که در عرف انسانی همکاری نامیده میشود بلکه در حقیقت جهود را در راه برتری جوئی و انحصار طلبی اش راحت گذاشتن و سرویس دادن) اینسن از مصالح ضروری و احتیاج ناپذیرش خواهد شد چون در آنجا اصطکاک با جهود رود رو است و جهود هرگز بهمتنای یک فرد جهود نیست بلکه حتی یک قاچاقچی کواکین جهود نیز در حال حاضر درهای از همان طاعون روز افزون سیاسی و اجتماعی است که اگر چه بکندی لیکن با نقشه و پیگیری جهان خواری خود را بسط میدهد. در یک غروب دلننگ کننده بهاری در سال ۱۹۷۷ در اوهایو

ادامه دارد

اندیشه و هنر

با خوشنویسان معاصر ایران

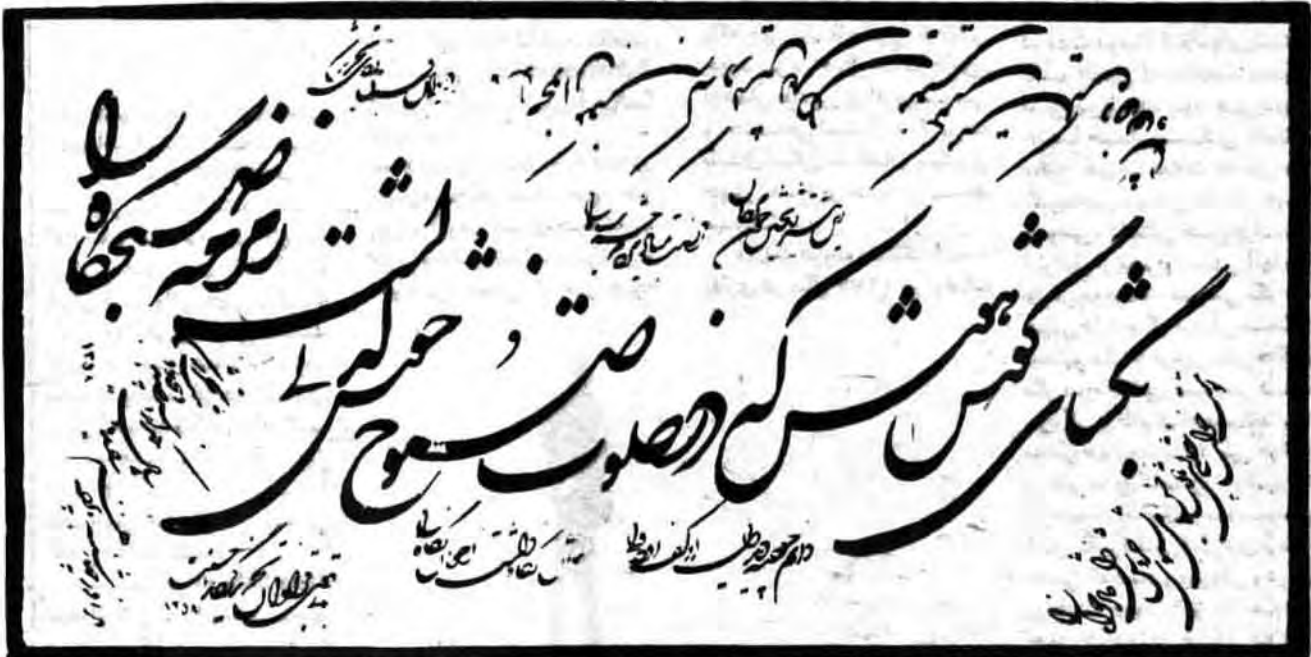
مهمن عربشاهی:

در قلمرو اسلام، خوشنویسی از یک پایگاه ولای هجری و سرمدی بسر خردار است و خطاطان همواره مورد احترام بوده‌اند و هوششان در ردیف برترین هرها بشمار رفته است. یکی از کهن‌ترین خطوط اسلامی، خط «کوفی» است که می‌توان نمونه‌های قدیمی آن را بر صفحات کلام‌الله مجید، سکه‌های خلفای اسلامی و همچنین بر کتیبه‌های

هجری، برای نوشتن ابواب کتب از این خط استفاده می‌شد. در این هنگام خطی روان‌تر سام

گشت در خط ثلث، بر آنجای حروف افزوده می‌شود در حالی که حروف خط ریحان به تبعه

شمشیر شباهت پیدا می‌کنند. در خط دقاع گوشه‌ها گد می‌شود و خط موج مؤکد می‌گردند. خط



خط از: حسین احسنت

توقیع که حلقه‌های مسدود از وجود مشخصه آن است به ثبت اسناد رسمی اختصاص داده می‌شود، و صورت خاصی از آن به تزئین سفالینه‌ها و اشیاء فلزی و قطعات کاشیکاری راه می‌یابد. در طی سده‌های هفتم و هشتم، ذهن خلاق هنرمند خوشنویس ایرانی به ابداع خط «تعلیق» توفیق یافت که خواجه اختیار الدین منشی از نام‌آوران این شیوه است. از قرن نهم به بعد در ایران، به پشتوانه کوشش پیگیر اساتید خوشنویسی چون میرعلی تبریزی، سلطانعلی مستهدی، میرعلی هروی، باباشاه اصفهانی، میرعماد حسنی، میرزا غلامرضا اصفهانی، میرزا رضای گلهر و دهها هنرمند دیگر، تلاشی بی‌وقفه در جهت ایجاد یک شیوه متنی نگارش صورت گرفت که دستاورد آن خط «نستعلیق» بود و این شیوه از ترکیب و تلفیق خط نسخ و تعلیق بوجود آمد و میرعماد حسنی خط نستعلیق را



ابراهیم بوذری

قدیمی‌ترین مساجد مشاهده کرد. کاربرد این نوع خط با موفقیت تمام در انواع زمینه‌های کتاب‌نویسی، معماری، سکه‌زنی، پارچه بافی و بر بسیاری از اشیاء دیگر گسترش یافت. در طی قرن دوم هجری، قواعدی در مورد ابعاد نسبی حروف این خط معین گردید و در خلال سدهی سوم، رسم الخطی نیز در بغداد به رشتهی تحریر درآمد. خطوط قائم حروف، که در ابتدا نظم خاصی نداشتند، به مرور ایام ضرب موزونی پیدا نمودند، و از اواسط قرن دوم به بعد این نظم به کمک تاکید بر خطوط کشیده‌ی افقی حروف بدست آمد. از آن پس خط کوفی به راه تکامل افتاد و انواع صور در هم، پیچیده‌ی تزئینی از آن مشتق گردید بطوریکه تا قرن چهارم

به درجه کمال رسانید که تا قرن سیزدهم متبع الهام اساتید خوشنویس باقی بماند، تحولاتی که بدست اساتید بزرگ انجام گرفت تا دوره میرزا رضای گلهر شکل اصلی حروف را تغییر نداد، بلکه در عین حفظ استخوان بستنی اصلی آن به روانی و استواری خط همت گماشت. ابداع و تحول خط «شکسته نستعلیق» به دست شفیعی‌ای ه بی در حدود قرن یازدهم صورت گرفت و به توسط درویش عبدالمجید طالقانی به اوج کمال رسید. در زمان ما، وزارت هنر خوشنویسی سنت‌های بدیع و اصیل نگارش را پی گرفته و در این راه با مساعی بی‌دریغ خویش چراغ خط و خوشنویسی را فروزان نگاه داشتند.

آنچمن خوشنویسان ایران: برای حفظ میراث فرهنگی و اسلامی کشورمان آنچمن خوشنویسان ایران باهدف اشاعه



خط از: علی اکبر اسماعیلی تبار



واعتلا خط فارسی بنیاد نهاده شد و در این راه با بهره گیری از اساتید شایسته و هنرمندی همچون حسین میرخانی، حسن میرخانی، علی اکبر گسار، ابراهیم بودری، شیخ احمد معصومی زنجانی به تربیت هنرجویان می پردازد، بی شک امروز می توان گفت که ۹۰ درصد از خوشنویسان ایران در محضر این اساتید بشاگردی مشغول بوده اند این انجمن زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی هم اکنون نیز به تربیت و پرورش هنرجویان می پردازد و در این راه اگر چه بسیاری از پاران و اساتید خود را از دست داده ولی مصمم و راسخ بکار ادامه می دهد، تعلیم خط مستعلیق بعنوان خطی اسلامی که در جهان به این نام مشهور است و وسیله هنرمندان ایران ابداع گشته و در حال حاضر

خط از: حبیب الله فضالی

خط رسمی و اصلی کشور ماست هدف اصلی این انجمن است، بدنبال آن، تعلیم خطوط نسخ، ثلث نیز انجام می گردد. یکی دیگر از اقدامات مؤثر این انجمن انتشار کتابهایی است که هم از لحاظ خط و هم از جهت محتوا می تواند به اشاعه فرهنگ ما کمک نماید در این رابطه انتشار، ترجیح بند هاتف، خیام، مثنوی پیر و جوان، رسم المشق را می توان نام برد. در کنار این برنامه ها، تشکیل نمایشگاههای جمعی و فردی و نیز ایجاد کلاسهای تعلیم خط در بازده شهر کشور برای بالا بردن سطح آگاهی عموم و علاقمندان به خط توسط این انجمن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

غلام حسین امیرخانی مسئول انجمن خوشنویسان ایران در رابطه با اداره و فعالیتهای انجمن و نیز پذیرش هنرجو گفت:

در گذشته انجمن توسط آقای خسرو عیسی زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی اداره می شد اما در حال حاضر توسط شورای عالی خوشنویان مرکب از ۱۷ استاد فعالیت می کند این انجمن علاوه بر بودجه خاصی که از وزارتخانه دارد مقداری نیز بعنوان شهریه از هنرجویان برای پشتوانه انتشارات خود دریافت می نماید. دوره های فراگیری خطوط مختلف بطور کامل در انجمن ۴ سال است که ارسال مرحله جدیدی را می گذرانند که این دوره ها شامل متوسط، خوش، عالی و ممتاز می شود

هر فرد که مایل به شرکت در کلاسها باشد با ارائه مدارک شناسایی و پرداخت حق عضویت که متناسب با هرسال تغییر می کند می تواند ثبت نام نماید دوره ها همچون مدارس از اول مهرماه آغاز و تا پایان خردادماه به اتمام می رسد تنها شرط ما حاضر شدن در کلاس استعداد و علاقه و پشتکار هر فرد شرکت کننده است. در حال حاضر انجمن با ۱۸ استاد و ۱۸ کلاس، ۵۸۰ هنرجو را هرروزه تعلیم می دهد، در اینجا لازم می دانم که بگویم این هنر نباید بیشتر مورد توجه مقامات و مردم قرار گیرد، این هنر نجیب، بدون پیرایه و مباحی تلبیفاتی، حاصل پنگ عمر زحمت خالصانه و عاشقانه افرادی است که برای فراگیری آن تلاش می نمایند. ایسن هنر بیستگی زیادی به ریشه های موجودیت فرهنگی و مملکت ما دارد و در اینجا باید از اساتیدی که مهمترین اعضای بدنشان یعنی چشماتشان را از دست داده اند قدرهانی و سپاسگزاری نمایم. ما نیز ضمن آرزوی موفقیت برای کلیه افرادی که بینهوی فرهنگی و اسلامی کشورمان کوشش می نمایند مستذکر می شویم که باید هر چه بیشتر به تشویق و قسدردانی از اساتیدی که در راه احیای خط در این کشور از گذشته تا امروز فعالیت نموده اند پرداخت، برای اطلاع کلیه علاقمندان آدرس انجمن تهران، خیابان انقلاب، خیابان خارک می باشد. (والسلام)



غلامرضا



خط از: سیف الله یزدانی

الطیحات

احمد عزیزی

در اندیشه پاریه آویخته‌ام، و تکامل برگی را در آیه
مینگرم، حرف‌های ناگفته را بحصور پذیرفتم، نکته
تازهای مشهود نبود، ابری راه شمال را پرسوجو میکرد،
سرمفصل بین استخوان‌ها و رگ‌ها بگو مگوی سختی
در گرفت، گروهی از گلبولهای قرمز، فریاد زنان بسوی
قلب راهپیمایی کردند، مغز، تمام حیابان‌های اطراف
دل را تحت کنترل گرفته است، شش، تقاضای اضافه
کار میکند، غروب در طلوعی تجلی یافت، و پایانی سراز
آغاز در آورد، قندها در سکوت شیرینی فرو رفته‌اند،
هنوز در درون چائی، تپش قلب سماور بچشم میخورد،
شانه‌های درپسی نوازش گیسوست، مرا از آنسوی ابر
میخوانند، فرصتهای خاکیم بسر رسیده است، آیه‌های
تکمیل میکند، فریاد ماهی را در ماهیتابه بشنوید، برای
دستوپای برید گوسفند اشکی بریزد، روزی این مرغ،
شاعر بزرگی بوده است، به ترحم، ترحم کنید، محبت را
سر محبت بیاورید، هر کجا آشتی کسان گرگ و میش
اتفاق افتاد، آنجا نظر گاهی برپا سازید، تنها بزرگران،
به ملاقات مزارع میروند، در این زمانه بی‌گلدان، این
تاریخ بی‌سرو، این سکوت هیاهو گرفته، عصر
فرمانروائی دود برچمن، حاکمیت بی‌چون روغن
در فضا، و استعفای هدهد، و همائی میگ، در این
تکاپوی بی‌مقصد، هیجان بی‌دلیل، و عقل بی‌برهان
تاریک و روشن، اگر برای سرنوشت نامه‌ها نگران باشی،
همه حروف روزنامه بر تو خواهند خندید، پلاکاردها
هوت خواهند کرد، تابلوها ترا دست خواهند انداخت، و
اتوبوس به تمسخر در تو خواهد نگرست، تلفن ۲
ریالیات را تحویل نخواهد گرفت، گل‌های پلاستیکی
خود را به پژمردگی خواهند زد. دو چرخه حفتک
خواهد انداخت...

یاماها بزمینت خواهد کوفت، هیچ آهنی از تو اطاعت
نخواهد کرد، دل دستشویی را باید بدست آورد، قبل
از کوهستان، اجازه از فولکس واگن ضروریست، در این
عصر، ملاقات بیواسطه با گلستان امکان پذیر نمیباشد،
همواره ماموران امنیتی قرن بیستم، برگشت و گذارهای
قدیمی نظارت میکنند، تاتکانی بخوری، از لبه قرن
خواهی افتاد، هیچ کس توانائی بر خورداری از خدا
راندارد، مبادا کسی بداند که باینفشه سرو سری داری،
و گرنه باران روغن بر تو فرو خواهد بارید، و آنگاه خدای
ماشین غصب میکند، و گوشتی لهیده و استخوانی پرت
هم از تو باقی نمیماند. بیچاره ما که از نقاشی گل توقع
بوداریم، فاصله دهشتناک صفحه و جنگل را درک
نکرده‌ایم، نمیدانیم که اگر آن آتش حقیقی باشد
در کاغذ خواهد گرفت، اگر آن دایره‌های قرمز گیلان
هستند، لب پنجره ما باید محل اجتماع کبوترها باشد،
چرا کسی از این سنگ نمیرسد؟ چرا این گربه در برابر
موش، بیتفاوت است؟ اگر به جنگل علاقه دارید،
دیوارها را از کاغذ پاک کنید، بگذارید گل‌های همیشه
خندان بوستر هم روزی پژمرده شوند، آن گربه بینائی
زردش را باز یابد، واقعاً احساس قناری کنیم، هزاران
دانه از این گل‌ها بلبل را به ترنم خواهند آورد، تکلیف
ترانه‌های خشکیده بر منقار راروشن کنید خدایا باچه
زبانی از بی‌زبانی سخن بگویم، محتاج کلمات آسمانیم،
گلزار اندیشه‌ام را به رگباری شکوفاتر کن! میوه‌های
رسیده‌ی احساسم را بارورتر ساز! مزرع سبز فلک دیدم
و یاد بیل مکانیکی افتادم و قسطی مودبانه و آرام سرماه
منتظر است، دل وامی رانم کرده‌ام.

چک برگشت خوردن‌های بی‌فهم را گرفت پس انداز
پادرمیانی کرد و گرنه قسطرات باقیمانده آبرو هم
میرجعت، پیراهنی به چرک فاتح تسلیم شد، کفشی در

انتظار واکس رورشماری میکند، مسواکی در خواب
دیدن فرو رفته است، کبریتی دل همه کاعده‌ها را
سوزاند، در شهر من، پول از گردش ایستاده است،
قنادها، بوسه طلب میکنند و بستنی میدهند، به اندازه
اشتها بشقابها را غذا فرا میگیرند، پس از نشسته چائی،
حلسه سیگاری در کنارت مینشینند، ایجا میتوان گاهی
نفس نکشید، و برای همیشه هیچ چیز را بخاطر نیاورد،
اینجا تب در هیچ مقطع از بدن پیش بینی نشده است،
میکرب عدمی است، سرماخوردگی نسبی است، اگر از
خورشید دلگیر شدی میتوانی از ابری خواهش کنی ترا
خیس کند، به چوچه چیزی غرق نمیشود، چیزی
نمیسوزد و سر از خاکستر در نمیآورد، انسان روزی
بدانجا خواهد رسید که هرگز بدانجا نخواهد رسید، و
زمانی به چیزی دست خواهد یافت که هرگز بدست
نخواهد آورد، روزی در روزهای هرگز فتح خواهد شد و
بشر در اتفاق‌هایی خواهد افتاد، اگر زبان‌ها را ببندیم
نگاه‌ها سخن خواهند گفت، اگر فریاد را قطع کنیم
سکوت گویاتر خواهد شد، یاد مگیرید تا بیاموزید، لب
نگشاید تا بتوانید سخن بگوید، در تنهایی جمعیتی
حاصل کنید، با جمعیت به خلوت روید، حاجت به بربط
نیست، اگر دقت کنید از سازهای دل انگیز خاموش
لذت خواهید برد، نی در هر نیزاری یافت میشود، هر
شاخه نشین لانه گری خود باریدست، در هر دلی که
اشکی باشد نکیسائی خفته است، هر موزونی، سازی
مینوازد، من زیباترین سرودها را از زبان پسرندگانی
شنیدم که در ترک دست‌های بزرگران لانه دارند،
گاهی شده که شیبه اسبی بیتابم ساخته است، از نعره
گاوی به گریه افتادم، و بانگ خروسی به نیایشم کشیده
است، بیابید شهری را بنا کنیم که در آن آثار
شهرنشینی نباشد، بخانه دوستی نرویم و با او دیدار
کنیم، بی‌او با او باشیم، نسل فلسفه را براندازیم، و
مشعل دل را روشن کنیم، دانشمندان را به دخمه
افکنیم، مواظب باشیم دانش از جایی درز نکند، حتی بر
سر هر بیل هم غنچه‌ای بکاریم، ما از کجای خاک
دلسوزتریم آنچه را که ما گیاه هرزه مینامیم، شاید
نور چشمی فروردین باشد، خجالت بکشید اگر خجالت
میکشید، به آبروی بیشرم مجال ندهید، لعنت بر من و
شیطان، لعنت شیطان بر من، اف بر شیطان منی بر من
شیطانی.

آخرین گارا! مرا از «دیگر شیطان بینی» و «خود
بی‌شیطان بینی» نجات بخش!

خویشاوندان! مرا به خویش بخوان که همخونیم و
فامیل همیم! بار پرونده سازا! چنان مکن که در قیامت،
قادر به حمل پرونده سنگین خویش نباشم، خود آیا!
خودکاری کنی که خود را از یاد ببرم و خود شوم که
بیخودی تنها راه فرار از خودی است، خداوند! در
کجای بهشت برایم دوزخی فراهم کرده‌ای؟ مرا با چه
سببی فریب خواهی داد، که ترا از خاطر ببرم؟ زیباترین
شاخه‌ام عطا کن که بیتاب‌ترین آوازها را سردهم،
نازنین به توان دردا! تمام آفرینشت را دیشب در اشکی
چکیدم، بگذار دوزخت را بیاشامم، عطش آتش دارم،
هلاک ناری هستم که از نور تو نشأت گرفته است، آن
دوزخی که مستقیماً از تو زبانه کشید، آن نوری که
بوته‌های جهنم را آتش زد بر آسمان و زمین نیز میتابد،
خردی ده که زیر بار این دانش خم نشود، عقلی که
اینجا ترک برندارد، سالهاست که در این دایره میدوم و
به خود نمیرسم، خود را با تو همزوج کردم ترکیب
جاودانگی بدست آمد، قطره‌ای از تو بر برگی چکاندم،
فساد آفت برچیده شد.

میلاد پاک حجت

آمد بهار و آفاق گشته است پرزریحان
گل بردرخت و بلبل برشاخه شد غزلخوان
آورد پیک رحمت این مژده راز داور
شد جلوه گر ز «فرگس» زیبا گلی به شعبان
از یمن مقدم اوگیتی شده چو فردوس
از پرتو جمالش شد مهر و مه فروزان
در جشن و پایکوبی اهل زمین سراسر
در شادی و سرورند ا فلاکیان به کیهان
«والشمس» وصف رویش (والیل) وصف مویش
دلها در آرزویش سرگشته و پریشان
ای سیرت پیمبر ای صورتت چو حیدر
مشکوة خلق و رهبر مرات ذات سبحان
فرمانده دو عالم بر اولیا توخاتم
«قائم» بذات تو گشت، این گنبد فروزان
ای کوکب هدایت ای وارث رسالت
ای حله امامت بر قامت تورخشان
ای بحر علم و دانش ای ابروجودیوخش
خوش آنزمان ز عدلت گیتی شود گلستان
ای آفتاب تابان ای حامی ضعیفان
اسرار ذات رحمان در سینه تو پنهان
بنگر که نور چشمت روح خدا خمینی
او رایت حسینی افراشته به دوران
این قائد دلاور همچون خلیل و حیدر(ع)
بتها شکسته بکسر با ذوالفقار ایمان
یارب تو بر خمینی صبر و ظفر عطا کن
بهر ظهور مهدی (عج) صادر نما تو فرمان
تا انتقام گیرد از طاغیان خونخوار
تا کاخ ظلم و کفر او بر کند زبنیان
میلاد پاک حجت (عج) آن اختر ولایت
گویم بسی تحیت بر خلق و روح یزدان
(قدسیه) این چکامه در وصف گل سروده
این هدیه‌ایست ناچیز بردر که سلیمان
قدسیه مدنی کاشانی

چند و چونی بادوستان شاعر

جماعت سلام - ولاجرم تمام! - آنچه که را به کار
شما میاید بارها گفته‌ام هر چند به تمامی نه - یاران
و دوستان - این حقیر تصمیم گرفته‌ام کار کسانی
را که مدت شش ماه است یا بیشتر هیچ تحرک و
توازی پیدا نکرده‌اند تا مدتی چاپ نکنم - حالیا
مصلحت وقت چنین می‌بینم - پس اگر جواب نامه
شما با لحن سرد بدون وعده چاپ داده شد بدانید
که بر اثر سهل‌انگاری و عدم تحرک خود شما
بوده - و اینک نامه‌ها -

دامغان - برادر محمد رضا مهدیزاده - شعر میلاد
شما لحنی بیست و تقریباً موهن دارد -

رود بار زیتون - برادر عزیز راستگو - الحق و
الانصاف که شما تا آنجا که توانسته‌اید در شعر کهن طبع موزونی
«نسبتاً» دست و پا کرده‌اید - اما برادر جان به چاپ شدن شعر نو
نگاه نکنید و سرودن شعر کهن را مثل شعر نو آسان نگیرید - شعر
نو:

الف: وزن ندارد
ب: قافیه ندارد

ج: ترتیب عقلانی و شعوری و شاعرانه ندارد
د: اکثراً فاقد معنا و مفهوم است

الفرض شعر نیست - گرچه ممکن است حدیث نفس
باشد و هر چیز دیگری - هر شعر کهنی نیز که وزن مرتب
قافیه درست - معنای صحیح و سالم و ترتیب شاعرانه نداشته
باشد نیز گاه نپوش شعر نو می‌باشد - نه نیت سائنده خن باشد

دست دعا، چشم امید



برداشتی از مناجات راجین خمس عشر
بسم..... الرحمن الرحیم سید مهدی شجاعی

گر بادفتنه هر دو جهان راه هم زند
ماو چراغ چشم وره انتظار دوست
یا من اذ اسئله عبد اعطاه و اذا امل ما عنده بلقه منا
و اذا اقبل علیه قر به و ادناه و اذا جاهره باللعصیان
ستر علی ذنبه و غطاه و اذا توکل علیه احسبه و کفاه
ای آنکه بر قامت نیازهای انسان جامه لطف میپوشانی
و بنده را بار باریسمان کرم تا چکار آرزوها میرسانی و هر گاه
بسویت چهره بگرداند و نگاه سرشار از خواستن خویش
را بر چشمهای تو بدوزد در کنارش میگیری و در میان
بازوان پر مهر خویش میفشاری و هر گاه قدم از محدوده
خویش فرا بگذارد و دست به گناه بیاید و یابه و رطبه
عصیان بگذارد و چشم در مسیر خطا بگرداند و لب به
زهر اشتباه تر کند و دل به غیر تو بند کند تو همه رانه
میگذری که میپوشی نه خرده نمیگیری که پرده
می افکنی. و هر گاه بندهای دل به تو خوش کنند
و از ماسوی در گذرد و از غیر ببرد و کوله بار امید خویش
در سایه درخت توکل تو بر زمین بگذارد تو از خشکای
نسیم کفایت در تابش طاق سوز نیازها بر او مینوشانی.
الهی من الذی نزل بک ملتسماً قراک فما قریته و من
الذی اناخ ببابک مرتجياً نداک فما اولیته، ای حسن ان
ارجع عن بابک بالخیبه مصروفا و لست اعرف سواک مولا
بالاحسان موصوفا

خدایا کدام سائل انا به کنندهای، کدام مهمان
محتاجی، کدام فقیر مویه گری، کدام نیاز مند
ضجه زندهای سحوری در خانه بی نیازیت
را در ظلمت نه توی گناه و مصیبت و فقر تکانه است
و تو پاسخ نگفتی؟! کدام بیچاره درد آلوده

تویی که میوه نعمتهای ناخواسته از درخت فضل
خویش بر ایم ببار آوردهای تو که از چشمه ناگفتهام
آب جوشاندهای چگونه حال که گرسنه و تشنه به
امید مسزعه و بوستان تو آمدهام تهیدستم
باز میگردانی؟ چگونه ریشه آرزوهای مرا از زمین
بخششت درمی آوری؟
من دست خسته بتو دادهام و تو آنرا محتاج دست
خسته دیگر میکنی من دل شکسته به تو بستم توبه
بیچاره ای دیگر حوالتش میدهی من در خانه ترا میزنم
تو مرا به پیش مثل خویش میفرستی؟

این در اندیشه وجود نیست، این در باور ممکنات
نمی گنجد، این غیر ممکن است. اقطع رجائی منک و
قداولیتنی مالم اسئله من فضلک ام تفقرنی الی مثلی
و انا اعتمص بحبلک. یا من سعد بر حمة القاصدون ولم
یشق بنغمته المستفرون کیف انسیک ولم تزل ذا کری
و کیف الهو عنک وانت مراقبی

ای آنکه هر که در جاده رحمت گام نهاده به
بوستان سعادت رسیده هر دل که هوای تو کرده پا
به فرق غیر تو نهاده. هر سو که سودای تو گرفته
چشم از سواد و بیاض عالم بر گرفته در هر دل که
یاد تو طهیده خاطرش آرمیده و باور غیر تو رسیده،
با انتقام تو هیچ گنهگار طالب بخششی به وادی
شقاوت نرسید.
کیف انسیک ولم تزل ذا کری و کیف الهو عنک وانت
مراقبی

چگونه فراموش کنم که تو از یادم نبردهای
چگونه چشم از تو برگیرم که تو چشم به من
دوخته ای چگونه از تو برگیرم که تو مرا در بر
گرفته ای. الهی بذیل کرمک اعلفت یدی و لنیل عطایاک
بسطت املی فاخلسنی بخالصه توحیدک واجملنی من
صفوه عبیدک

خدای من: دست به دامن کرم تو آویخته ام و پای
امید برای نیل به عطایای تو سرعت بخشیده ام و دست

امیدمندی را تسواز خویش راندهای؟ کدام چشم
امیدواری را تو گریان تحمل کرده ای؟ ریزش کدام
اشک امید آغشته ای را تو تاب آورده ای. خدایا درست
است که خسته، درهم شکسته خون به چشم نشسته،
پرنده امید را بال و پر بسته و خواب از چشم رسته از بارگاه
تو رانده شوم کیف ارجو ایدک و الخیر کله بیدک و کیف
اومل سواک و الخیر و الامرلک
مگر من بغیر تو میشناسم مگر به منزلی جز خانه
تو راه میبرم؟ مگر دل به معشوق دیگری داده ام؟
مگر پیشانی بدر خاک دیگری سائیده ام؟ مگر
در هجران دیگری سوخته ام؟! که امید بغیر
تو داشته باشم؟ مگر تو تمامت خوبیست و مگر نه تمامت
خیر بدست توست؟ چگونه در آرزوی غیر تو باشم
و آفرینش و فرمان بدست تو باشم.

گفت: اولی این صورت! چه شاید که در حالت مقابله و
زمان معارضه دشمن ظفر یابد!
گفت: چون دشمن غالب شد و بر سر من می تازد از میان
اعدا نمی رود.
گفت: فرود آی و رهاش کن و خود بگیریز که او خود همراه
کسی نمی رود.

نفحات الانس:

ابوحزمه بغدادی گوید که الله تعالی می گوید: اعرض عن
الجاهلین! و نفس جاهلترین جاهلان است، سزاوارتر است با
آنکه از وی اعراض کنی.

روزی شجاع کرمانی در مجلس نشسته بود، درویشی بر پای
خاست و دو من نان خواست کسی نمیداد، گفت: کیست که
پنجاه حج من بخرد بدو من نان و بدین درویش دهد- فقیهی
آنجا نشسته بود آنرا بشنید، گفت:
- ایها الشیخ استخفاف میکنی با شریعت؟
گفت: هرگز خود را قیمت نهادم، کردار خود را چه قیمت
نهم.

ابوعثمان مغربی گوید:
- العاصی خیر من المدعی، لان العاصی ابدأ یطلب طریق
توبة و المدعی یخبط ابدأ فی خیال دعواه

ابوعثمان مغربی گوید که با ابوطالب (خمیمی) در سفر
بودم، در راه از سیاه خوف عظیم پدید آمد و سیاه بسیار
بودند من گفتم سبکتر می باید گذشت، ابوطالب شب آنجا
مقام کرد و من هیچ نخفتم از خوف و او بخت: پس مرا گفت:
چرا نخفتی؟
گفتم: از خوف سیاه خوابم نیامده گفت:
- هر کرا خوف حق بود از هیچ چیز نترسد، چون تو از
سیاه میترسی بعد از این با من صحبت نداری.

ابوعثمان مغربی طلحة نبلی را گفت: خواهی که ترا پندی
دهم که پنجاه سالست قسا خلق را ایمن پسند میدهم و
نمی پذیرند. گفت: خواهم - گفت:
- تهمت بر کردار خود نه تا قیمت گیرد و تهمت از خلق
برگیر تا جنگ بر خیزد.

بایک و انیس

انیس الناس

روزی مولف کتاب که از جمله مفسران زمان و از زمهره
بر انداختگان خان و مان است در حضور بزرگی غنی اظهار
سخانی و وعده عطائی با بینوائی می نمود.
آن بزرگ گفت: سخای مفلس را نهایت نیست
مولف گفت: چون بخل غنی

بخیلی در حالت مستی یکی از فضلا را وعده عطائی نمود،
چون صبح شد این فاضل به در خانه آن بخیل رفت و طلب
ادعای موعود نمود. بخیل پشیمان گشته بود غلام را به پیش
او فرستاد و گفت:
خواجه می گوید: نشنیده ای که مستان که بسیار خوردند.
فاضل گفت: که این است که این زمان می خورد.

شخصی اسبی معیوب به کسی فروخت. بعد از ظهور عیوب
چون مشتری خواست که رد کند تعداد عیبهاش بگرد و بایع
هر یکی را عذری می گفت!
از آن جمله گفت: چون زینش می نهند لگد میزند.
بایع گفت: زینش از جانب پهلو بر پشت نه و به پس کفشش
مروا
گفت: درین حال نیز دندان می گیرد.

گفت: بگو تا سرش چنان بلند ببندند که دندان نتواند
گرفت!
دیگر گفت: در جنگ گاه حمله بر خصم نمی کنند و بر
سروش نمی رود

ابوعلی دقاق گوید: معرفة رسمیه کقطره و سمیه لاغلیلا
تشفی و لاغلیلا نفی- معرفت رسمی چون باران تابستانی
است نه بیمار را شفا دهد و نه تشنه را سیراب گرداند.

ابوعبدالله انطاکی گفته: انفع الفقر ما کنتم به مستجلا و به
راضیا- نافع ترین فقر آنست که تو بدان مستجمل باشی و بان
راضی- یعنی جمال خلق همه در اثبات اسباب بود و جمال
فقر در نفی اسباب و اثبات مسیب و رجوع باو و رضا با حکام او
زیرا که فقر سبب بود و غنا وجود سبب و بی سبب با حق بود
و با سبب با خود بود، پس سبب محل حجاب آمد و ترک
اسباب محل کشف و جمال دو جهان در کشف و رضاست و
ناخوشی عالم در حجاب و خط- و این بیانی واضح است در
تفضیل فقر بر غنا والله اعلم

ذوالنون گفته: هر که بر نعره زرقی که بزرگ کند انکار
کند هر گزم آنرا بصدق نیاید- یعنی بر اصل انکار کند، ترا از
زرق وی چه زیان- زرق وی بروی است، تو راست نگر و راست
بین تا بهره یابی.

سئل «رویم» عن التصوف- فقال هو الذی لایملک شیئاً
ولایملکه و قال ایضاً: التصوف ترک التفاضل الشیئین.

کس بنزد «رویم» رفت و ویرا گفت کیف حالک؟
وی گفت:
- کیف حال من کان دینه هواه و همه دنیاه لیس بمصالح
تقی ولا یعارف نقی

ذوالنون مصری یوسف بن الحسین را وصیت کرد. لاتسکن
الی مدح الناس ولا تجزع من قبولهم و ردهم فانه هم قساع
الطریق واسکن الی ما یتحققه من احوالک سرا «وعلنا»

سمنون بن حزه المحب گفت: اول وصال العبد الحق هجرانه
لنفسه، و اول هجران العبد للحق مواصلة لنفسه.

روضات الجنان

سلطان العارفین شیخ ابویزید بسطامی قدس سره قصد زیارت
شخصی کرد که وی را بولات وصف میکردند، چون بمسجد آن
شخص آمد و بنشست و انتظار می برد، که از مسجد بیرون آمد آب
دهن خود بجانب قبله انداخت، شیخ آنرا مشاهده کرد و سلام نکرد
و باز گشت و فرمود که: شخصی را که معتمد نساخند بر ادبی
از آداب شریعت چگونه ویرا معتمد سازند نسبت به اسرار
حقایقی که نتایج و لب اعمال است.

برنامه سینمای فرهنگسرای نیاوران از تاریخ

۲۴ خرداد الی ۱۷ تیرماه ۶۰

تاریخ نمایش	نام فیلم	کارگردان	زبان فارسی
۱شنبه ۲۴ خرداد	روح	آلفرد هیچکاک	زبان فارسی
۲شنبه ۲۵ خرداد	آلمان سال سفر	روسلینی	زبان فارسی
۳شنبه ۲۶ خرداد	روح	آلفرد هیچکاک	زبان فارسی
۴شنبه ۲۷ خرداد	شیطان صفات	هانری ژرژ کلوژو	زبان فارسی
۵شنبه ۲۸ خرداد	فیلم برای کودکان و نوجوانان		
جمعه ۲۹ خرداد	فیلم برای کودکان و نوجوانان		
شنبه ۳۰ خرداد	تعطیل		
۱شنبه ۳۱ تیر	شهرم	روبرتوروسلینی	زبان فارسی
۲شنبه ۱ تیر	انتراکت و پاریس هفته	رند کلمر	صامت
۳شنبه ۲ تیر	شهرم	روبرتوروسلینی	زبان فارسی
۴شنبه ۳ تیر	افس بریست	فاس بیدر	زیرنویس انگلیسی
۵شنبه ۴ تیر	فیلم برای کودکان و نوجوانان		
جمعه ۵ تیر	فیلم برای کودکان و نوجوانان		
شنبه ۶ تیر	تعطیل		
۱شنبه ۷ تیر	طاب	آلفرد هیچکاک	زبان فارسی
۲شنبه ۸ تیر	مکتب	کورا ساوا	زیرنویس انگلیسی
۳شنبه ۹ تیر	طاب	آلفرد هیچکاک	زبان فارسی
۴شنبه ۱۰ تیر	تیر خلاص	اشلوسدرف	زیرنویس انگلیسی

شروع نمایش: همه روزه ساعت ۱۶
 پنجشنبه‌ها: ساعت ۱۵ و ۱۷
 جمعه‌ها ساعت ۱۰ صبح و ۱۵ و ۱۷

اندکی در باره او (ع)

بقیه از صفحه ۴

ترسیم میکنند) نیاز دارد و در برابرش مینهد، تا او آنگونه که باید شکل گیرد.

۵- ما و زمان قیام:

کی و چه وقت این تلاش آغاز میگردد؟ پرسشی است که پاسخی قاطع برای آن بما داده نشده است، از آن رو که زمان آن هویت بداء پسند است و حتی آگاهان اسرار الهی از آن سخنی نگفته و تشخیصی را مطرح نساختند. لذا هر زمان ممکن است باذن خدا آغاز آن تلاش تقدیر شود، چه که انگیزه‌هایی را باید برشمرد که برخی نیز وابسته به مشیت خداست و پارهای پایه در رفتار انسانها دارد.

از آنجا که بعضی از علل ایجابی نهانزیستی مهدی علیه‌السلام در عوالم تشریح شکل میگیرد و آن علل، نقش بازدارنده لذا بایستی هر لحظه انسانها بکوشد تا با تطبیق خود باخواستهای امام که منجر به نابودی آن عوامل میگردد موانع را از میان بردارند و از سوئی هر آن با تمام وجود که ناشی از آگاهی آنان به امام و خواستهای حدائی است بخواهد تا حداوند نخسین بانک حشش تکامل بخش را در قلب دریاوش او صدا درآورد و آن تکاپو آغاز گیرد.

بما آن امید که انقلاب اسلامیان به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) متصل گردد.

آرزو برای دربر گرفتن نعمت تو گشادهام. خدایا مرا در کارگاه یکتائی خویش صیقل ببخش تا آینده‌از جمال تو باشم. مرا در کوره توحید خویش آنچنان خلوصی ببخش که تنها، گازدار تو باشم. مرا در میان بسندگان امتیازی دیگر گونه بخش که کار گزار تو باشم.

یامن کل هارب الیه یلتجی وکل طالب ایهه برتجی یاخیر موجود ویا اکرم مدعو، یامن لایرد سائله ولا یخیب آمله

ای پناه هر گریزنده وای امیدگاه هر جویندهای برترین قله امید وای زیباترین قاصد نوید ای آنکه به تو جز با تو نتوان رسید، ای مهربان ترین منادی‌ای آنکه اشک را قبل از اینکه به زمین بریزد به دامن میگیری، ای آنکه دل‌های شکسته را بند دستگیری میزنی ای آنکه محرومان و سائلان و فقیران را نه رد نمیکنی که در لطف میگشائی ای آنکه گل آرزوی ترا نه پرپر نمیکنی که خود آبیاری میکنی!

یامن بابه مفتوح لداعیه و حجابیه مرفوع لراجیه اسئلک یکریمک ان تمن علی من عطاکک بما تقر به عینی ومن رجائک بما تطمئن به نفسی ومن الیقین بما تهون به علی مصیبات الدنیا وتجلو به عن بصیرتی غشوات العمی برحمتک یا ارحم الراحمین.

ای آنکه خوانندگان را در رحمت گشادهای و امیدوارانت را پرده بالا زده‌ای.

به بزرگواریت و بخشش بی‌نهایتی قسم که بر من انسان منت نهی از عطایت که چشم روشنائی بیاید، واز امیدت که دلم اطمینان، واز یقینت که مصائب دنیای فانی بر من آسان شود. پیاله بر کفم بند تا سحر که حشر

به می زدل بپرم هول روز رستخیز آنچنان یقینی که پرده‌های ظلمانی چشم دلم پاره پاره گردد، به رحمت جاودانگات ای مهربان‌ترین مهربانان.

اندیشه‌های

بقیه از صفحه ۱۷

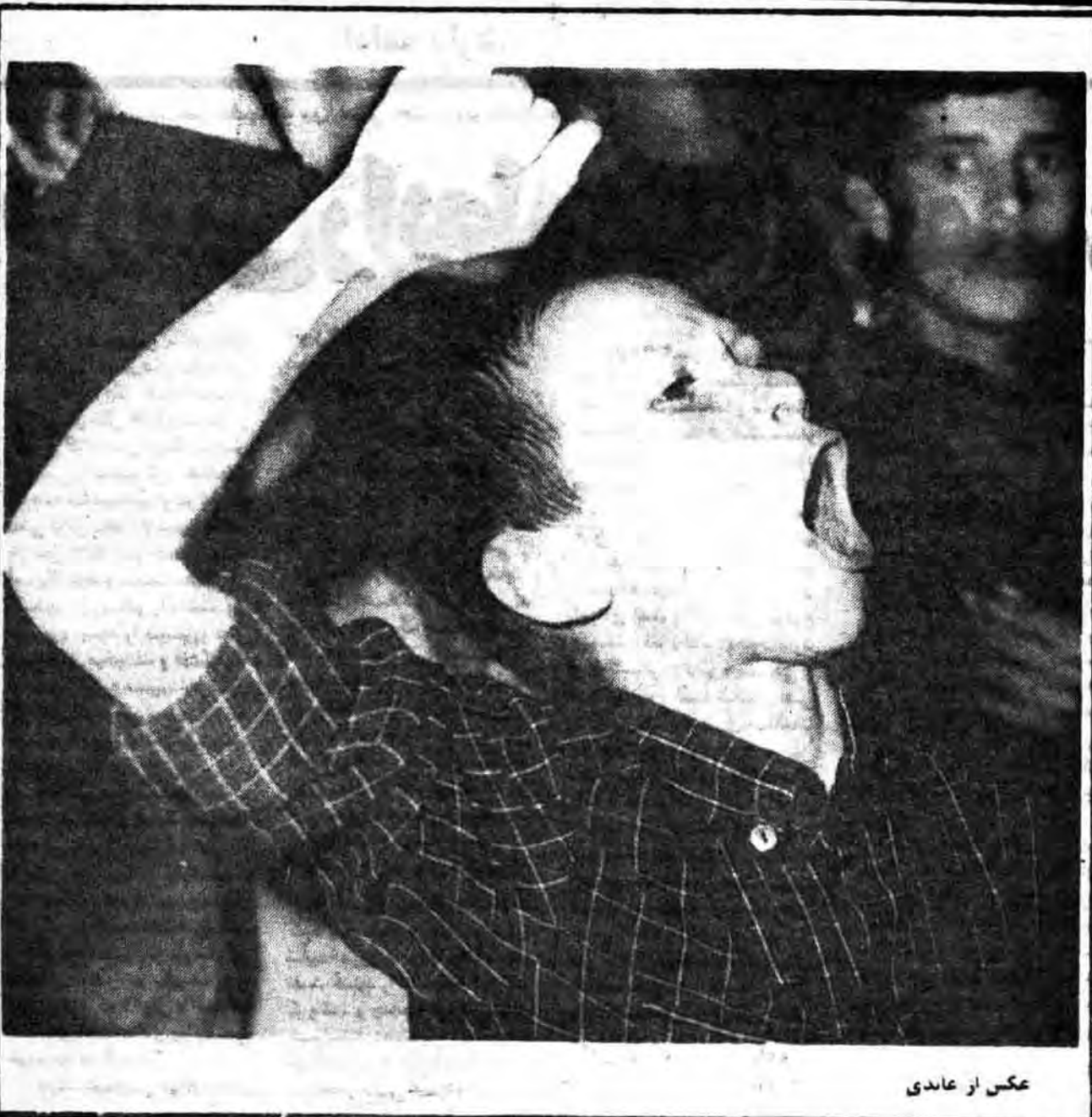
بنیوان یک حرکت انقلابی و سیاسی متوجه شده بودند دکتر این حرکت را ادامه داد. یکی دیگر از خصوصیات مهم او شینگی عجیب و عاشقانه او به امام بود او نسبت به امام یک حالت عرفانی خاصی داشت گذشته از اینکه تارها می گفت تمام امید ما به امام است و باز نقش دکتر از نظر بنیانگذاری یک مکتب جامعه شناسی اصیل بود قبل از دکتر اساتید دانشکده جامعه شناسی ما و تمام درسها و واحدهای جامعه شناسی، الگو ترجمه شده کتابهای آمریکائی، انگلیسی، فرانسوی یا روسی بود و هیچ اصلاتی آثار جامعه شناسی ما نداشت اما دکتر مکتب جدیدی را در جامعه شناسی بنیان گذاشت و میتوانیم بگوئیم که کار او شبیه یک اختراع و اکتشاف و یک تحول بود و او بنیان گذار یک مکتب جامعه شناسی در ایران است و باید کار او در زمینه جامعه شناسی بوسیله جامعه شناسان دیگر دنبال شود و انشاء... ما یک دانشکده جامعه‌شناسی بر مسای مکتب جامعه شناسی دکتر شریعتی بنیان بگذاریم.

دکتر موسی زرگر

بسم الله الرحمن الرحیم مرحوم دکتر شریعتی از معدود افراد روشنفکری است که در جریانات

مبارزات بر علیه استعمار و استبداد و استعمار به حقیقتی که قرآن میفرماید فان الله لا یخیر سابقوم حتی یخیر مسابا یخیر یقین حاصل کرده بود لذا بحای اینکه مثل دیگران مسارره راه طور انتزاعی ادامه دهد برای مهم همت گذاشت که جامعه را تغییر دهد، بر این اصل مسارا بر این گذاشت که ملت‌ها برای پیروزی باید به خویش خویش بازگردند لذا در جامعه ابرایی که اکثریت آن مسلمان و شیعه مذهب بودند در شاساسان اسلام و بخصوص نشیخ علوی گامهای بلندی برداشت و بعد اخلاص و اعتقاد راسخی که داشت و همچنین به عسنت فیم روان و نوشته‌های شعر گسوه و زیبایش برودی نوانست در نین اقشار جامعه بخصوص جوانان روشنفکران و روحانیون نمود کرد و حتی عمده ریسادی از مسلمانان سنتی را واداشت که بانگرشی عمیق و سرداشتی والا از اسلام مسارزه ساطاعوت را سرلوحه برنامه خود قرار دهند- شادروان شریعتی مسوق شد مطالعه کتب مذهبی و مطالب مربوط به اسلام را رایج کند و به روشنفکران بفرماید که شما حق ندارید بدون اینکه قرآن کریم را خوانده و فهمیده باشید ابرای بی کنید و همچنین به قرآن خوانها بفرماید که باید قرآن را بخوانید و بفهمید و بان عمل کنید

عکس از عابدی



آفریقا، ای سرزمین ستمدیده!

«عقابها» در اسارت «لاشخورها»؟!



برای استعمارگران اروپایی نه به سرزمین‌های آفریقا و سایر سرزمین‌های جهان هجوم بردند تا منابع طبیعی و انسانی این سرزمین‌ها و ملل آزاد را چپاول و خود آنها را اسیر کنند و به بردگی بکشند. هر اصطلاح «لاشخور» دیگر هیچ اصطلاح تعریف را نمی‌پسندد زیرا سلوک و روش این مدعیان کاذب پخش تمدن در سرزمین‌های زیر نهاجم با اسباب و وسایلی زیرزمینی و رویمی این سرزمین‌های بکر و پر ثروت طوری بوده و هست که ولع و حرص مجسم یک لاشخور یا خیل لاشخوران را هنگام هجوم برپیکر بیجان زنده جانی، در آذهان تداعی میکند...



مقارهای خویش را با «سلاحهای آتشزای باروتی» مجهز کرده بودند تاوانستند پنجه‌های نیرومند عقابها را تا آنجا که میتوانستند خرد کنند و پالهای تیز پرواز این عقابها را شکستند و با شیانهای عقابان رحل اقامت افگندند و به پمگاری پرداختند. آن فرزندان تیز بین و با وقار

وقتی این لاشخوران پوست پوش اروپایی، سرزمین‌های آفریقایی پا گذاشتند عقابها، آن فرزندان زوبین بدست آفریقا، نیز به پرواز درآمدند و از حریم خانه و کاشانه خویش و از ثروت‌های نهفته و آشکار خویش بسدفاه پرداختند. اما چون لاشخورها

ارقام کوچک از جهان بزرگ:

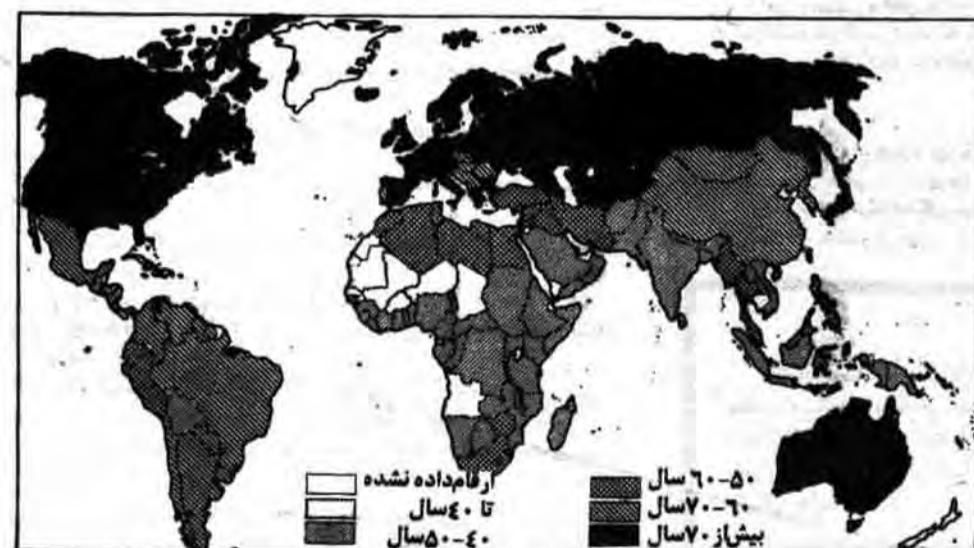
اختلاف میانگین عمر انسانها در یک نگاه

این بحث و این ارقام دامنه وسیع دارد که برای وقت دیگری میگذاریم ولی با یک نگاه عمیق و تحلیل گری بر روی این نقشه جغرافیایی بروشنی در می‌یابیم که یک «کودک» در کدام بخش از جهان وقتی بدنیا می‌آید، از نظر طول عمر چه میانگینی را در

میلادی به ۶۳۰۰ میلیون نفر خواهد رسید (البته اگر حوادث طبیعی و بشری فاجعه انگیزی رخ ندهد) که از این جمله ۵۰۰۰ میلیون انسان متعلق به دنیای گرسنگان یعنی جهان سوم خواهد بود که موازی با توسعه میزان جمعیت مشکلات آنان نیز افزایش خواهد یافت.

آیا واقعا تمام انسانها، یکسان و بیک اندازه و طول عمر دارند؟ آیا تمام کشورهای جهان هم از غنی و فقیر، دارای نرخ رشد یکسان جمعیت هستند؟ آیا افزایش جمعیت انسانها در سراسر گیتی یکسان است؟ و صدها سوال دیگر از این قبیل است که سبب توسعه در آذهنان خلق میشوند. برای پاسخ به چنین سوالات و نیز برای مطالعات آماری ساکنین کره خاکی، یک سلسله آمار گیری‌های مختلف و با روشهای متفاوت انجام شده است که هر یک در جمای از اعتبار را بخود تخصیص داده است یکی از این آمار گیریها توسط «بانک جهانی» صورت گرفته و در «اتلس کودکان جهان» توزیع جغرافیایی انسانها را با اعتبار میانگین عمر شان ترسیم کرده است که لافلس بمشاهده آن میارزد که وقت گرانهای خویش را تلف کنیم.

مقدمتا باید عرض شود که بر طبق تخمین‌های «یونسکو» جمعیت روی زمین تا سال ۲۰۰۰



از شایعات بین‌المللی

آواکس‌های «اسرائیل پروف»؟!

روزنامه معتبر «السفیر»، چاپ لبنان پس از حمله «مرموز» هواپیماهای رژیم اشغالگر قدس به نیروگاه هسته‌ای «تموز-عراق» نوشت که: هواپیماهای آواکس (امریکایی) مستقر در عربستان سعودی نقش عمده‌ای را در حمله رژیم اشغالگر قدس به نیروگاه هسته‌ای عراق بعهده داشته است...

«استعفا» برای «استیلا»؟

خبرگزاری فرانسه از دهلی‌نو، که معمولا خبرداتی افغانستان است، گزارش داد که بربک کارمل «مرد هزار پیشه» رژیم دست‌نشانده، افغانستان از مقام نخست‌وزیری استعفا داد... شایعه‌سازان عقیده دارند که این «استعفا» مقدمه کوتاهی بر کتاب قطور «استیلا»ی خارجی در افغانستان است که میتواند صرفا یک «نقطه‌گذاری» در این کتاب شمرده شود ورنه با این جو ناآرام سرزمین برادر افغانستان این «ترک‌منصبها» حتی برای «برها» نیز خطرناک خواهد بود چه رسد به «ببرک» بیچاره! زیرا از قدیم شنیده‌ایم که:

شنیدم ترک منصب کرد «عاقل خان» زندانی چرا کاری کند عاقل که بازارد پشیمانی ۱۱

بازیهای «زیادبارة» بر روی «شاخ آفریقا»

در یکی از مطبوعات اسلامی آمده است که رژیم ۱۲ ساله زیادبارة، کنترل خود را بر مردم سرزمین «شاخ آفریقا» دارد از دست میدهد... بنظر شایعه‌سازان: «شاخ آفریقا» از «شاخهایی» نیست که از «کم و زیاد» شدن «بارها» ی وابسته بامریالیسم، بلرزد بلکه «شاخ» است که «گلوگاه» امپریالیسم و «تهنگاه» مزدوران آنرا نشانه گرفته است، باید «تابوت» سفارش داد!!

ریگان و «قاش‌زین»...؟

خبرگزاری فرانسه از واشنگتن خبر داد که: جیمز باکر دبیر کل کاخ سفید اعلام داشته که فکر میکند، رونالد ریگان در سال ۱۹۸۴ برای دومین بار بمقام ریاست جمهوری آمریکا، خواهد رسید... شایعه‌ساز: چرتکه‌انداز! با توجه به سن و سال مستر ریگان ۷۰ ساله عقیده دارد که: فعلا آقای ریگان «قاش‌زین» را نگه‌دارد، «اسب سواری» پیشکش!!

هر که را پیرش...

خبرگزاری فرانسه از نیس گزارش داد که ۲۰ سرمایه‌دار کویتی قمارخانه ورشکسته پالاس فرانسه را خریدارند و بسدهی شش میلیون دلاری آنرا پرداختند... شایعه‌سازان با توجه باین حقیقت که دولت الصباح کویت، بسا سواستفاده از ثروت ملت کویت در «کازینوی سیاست بسفداد» میلیاردها دلار می‌بازد، باید سرمایه‌داران آن نیز سایر کازینوها و مراکز فحشای اروپا و آمریکا را بفروند زیرا بقول خواجه:

هر که را پیرش چنین گمره بود کی مریدش را به جنت ره بود؟!

میخ آهنین سوریه!

خبرگزاریها، گزارش دادند که سوریه بعنوان تنها کشور عربی خط مقدم جبهه مبارزه با اسرائیل بشدت از کشورهای عربی انقاد کرد... شایعه‌ساز: ... ولی: نرود میخ آهنین در سنگ!!

نیشخند سیاسی (ویژه جنگ هفته) آزادیخواهی اسکاتلندی!

یک ایرلندی مبارز با یک اسکاتلندی صحبت میکرد: ایرلندی: شما اسکاتلندیها چرا برای آزادی مبارزه نمیکنید؟ اسکاتلندی: مثلا چکار کنیم؟ ایرلندی: با اعتصاب غذا شروع کنید اسکاتلندی: ما همیشه در حال اعتصاب غذا هستیم، دیگر چه؟ ایرلندی: برای آزادی خون بدهید اسکاتلندی: لیتری چند میخرند؟

از: مؤدبه‌بش